



Islamic Republic of Afghanistan  
واحد پالیسی تدارکات  
معینیت مالی وزارت مالیه

متحد المال

تاریخ: 20/05/2008 مطابق 30 ثور 1387

نمبر: PPU/C015/1386

موضوع: فرهنگ لغات تدارکات عامه افغانستان.

1. قانون تدارکات افغانستان (که منبهد به حیث "قانون" به آن مراجعه می شود) در جریده رسمی شماره 865 مورخ 1384/8/3 نشر شده است. با در نظر داشت ماده 93 این قانون، واحد پالیسی تدارکات جهت انکشافات مسلکی و پالیسی و منحیث اداره تفتیش و مراقبت از روند تدارکات، در معینیت مالی وزارت مالیه ایجاد شده است. تعیین پالیسی ها و طرح پیشنهادی برای بهبود امور تدارکاتی جهت تطبیق اهداف قانون در تمام ساحات تدارکات عامه مسؤلیت واحد پالیسی تدارکات میباشد.

2. بدینوسیله واحد پالیسی تدارکات مستقر در وزارت مالیه، "فرهنگ لغات تدارکات عامه" را به منظور فراهم نمودن تسهیلات در فهم اصطلاحات تدارکاتی جهت برآورده ساختن اهداف و تطبیق احکام قانون صادر مینماید.

3. این "فرهنگ لغات تدارکات عامه" توسط واحد پالیسی تدارکات در سه نسخه، "دری به انگلیسی"، "انگلیسی به دری" و "صرف دری" تهیه شده و به شکل الکترونیکی موجود میباشد.

4. کاپی های الکترونیکی این فرهنگ، فعلاً آماده به توزیع بوده، تمام وزارت خانه ها و ادارات تدارکاتی میتوانند با ارسال درخواست ذریعه ایمیل به آدرس [ppu@mof.gov.af](mailto:ppu@mof.gov.af) و یا با مراجعه به دفتر واحد پالیسی تدارکات در وزارت مالیه ذریعه (فلش میموری) کاپی های آن را دریافت نمایند.

وزارت خانه ها و ادارات تدارکاتی میتوانند در صورت لزوم درین زمینه از واحد پالیسی تدارکات توضیح بخواهند.

وحیدالله شهرانی

معین مالی وزارت مالیه

به تمام وزارت خانه ها و ادارات تدارکاتی

# Glossary for Afghan Public Procurement



# فرهنگ لغات تدارکات عامه افغانستان

ENGLISH – DARI

انگلیسی به دری

## A

|   |   |
|---|---|
| <p><b>ABANDONMENT:</b> Surrendering of the claim to goods (and/ or a ship) so damaged during a voyage as to render them worthless to the owners who choose to abandon their rights and interest in these in favour of the underwriter and prefer their claims under the insurance cover. Abandonment is the basis for a claim to be preferred under a policy of marine insurance for "CONSTRUCTION TOTAL LOSS".<br/><i>See also: Freight abandonment</i></p>  | <p><b>واگذاری:</b> صرف نظر نمودن مالکین از حقوق خویش در برابر متعهد در مورد اجناس (ویا یک کشتی) که در جریان سفر دریایی خساره مند، و فاقد ارزش تحویل داده شده اند، و در عوض این حق خویش را تحت پوشش بیمه قرار میدهند. واگذاری عبارت از اساس ادعای حقوق که تحت پالیسی بیمه دریایی "خساره کلی ساختمان" ترجیح داده میشود.<br/>همچنان: به واگذاری کرایه کشتی مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>ACCEPTABLE QUALITY LEVEL (AQL):</b> System of material inspection based on statistical probability (sampling) theory - checking only a certain percentage of the lot delivered, and accepting the lot if the number of defectives in the sample is less than or equal to the acceptable number.<br/><i>see also: Inspection lot-sampling, Quality assurance, Quality control</i></p>  | <p><b>سطح قابل قبول کیفیت:</b> عبارت از سیستم بررسی مواد مبنی بر نظریه احتمالی (نمونه گیری) احصائیوی - بررسی تنها فیصدی معین بخش تحویل داده شده، و قبولی حصه مذکور در صورتیکه تعداد نواقص در نمونه کمتر از تعداد قابل قبول ویا مساوی به آن باشد.<br/>همچنان: به تقطیش نمونه گیری قسمی، اطمینان از کیفیت، کنترل کیفیت مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>ACCEPTANCE OF GOODS:</b> The procuring entity is said to have accepted the goods, works or services supplied by the supplier, when he does not reject them, in whole or part, for non-conformance to contract terms and conditions (e.g. quality, delivery schedule, etc.).<br/><i>see also: Provisional acceptance, Final acceptance</i></p>   | <p><b>قبولی اجناس:</b> در صورتیکه اداره تدارکاتی اجناس، امور ساختمانی ویا خدمات تهیه شده توسط تهیه کننده را به صورت کل یا قسماً به نسبت عدم مطابقت شان با شرایط قرارداد (به گونه مثال. در کیفیت، جدول تحویلی، و غیره) رد ننماید، به معنی قبولی آن توسط اداره مذکور دانسته میشود.<br/>همچنان: به قبولی موقتی یا نهائی مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>ACCEPTANCE OF BID/ OFFER:</b> The assent of the procuring entity to a bid/ an offer made by the bidder. A necessary element of a contract is the unqualified "acceptance" by the procuring entity of a bid/ an offer made by one bidder. If the procuring entity amends or adds elements of the bid/ offer previously received, this leads to a new offer from his side to the bidder to conclude a contract based on revised or changed terms and conditions.<br/><i>see also: Counter offer</i></p> | <p><b>قبولی آفر:</b> موافقه اداره تدارکاتی به آفریکه توسط داوطلب ارائه شده است. عنصر ضروری یک قرارداد، عبارت از "قبولی" فاقد شرایط لازم آفریک داوطلب توسط اداره تدارکاتی میباشد. در صورتیکه اداره تدارکاتی در یک عنصر قرارداد تعدیل میاورد ویا عناصر آفرهایی را که قبلاً دریافت نموده است، علاوه مینماید، این امر منجر به یک پیشکش جدید از جانب وی به داوطلب جهت عقد یک قرارداد مبنی بر شرایط دریافت یا تغییر داده شده میگردد.<br/>همچنان: به آفر معکوس مراجعه شود.</p> |
| <p><b>ACCEPTANCE OF ORDER:</b> In case the contract is not based on any specific bid/ offer made by a bidder this is the confirmation of the recipient and acceptance of the order to supply goods, works or services ordered as stipulated in the order.</p>   | <p><b>قبولی دستور:</b> در صورتیکه قرارداد مبنی بر کدام آفر مشخص ارائه شده از جانب داوطلب نباشد، این به معنی تأیید دریافت کننده و قبولی دستور تهیه اجناس، امور ساختمانی یا خدمات طوریکه در امر خریداری تصریح شده است، میباشد.</p>  |
| <p><b>ACKNOWLEDGEMENT OF CONTRACT:</b> A communication by a bidder advising the procuring entity of the acceptance of his order. The contract came into force following the unconditional acceptance of the bid/ offer made by the bidder through the procuring entity. Therefore this acknowledgement is used for information purposes</p>   | <p><b>تصدیق قرارداد:</b> عبارت از سند کتبی یک داوطلب به اداره تدارکاتی در مورد قبولی امر خریداری داده شده از جانب اداره مذکور میباشد. این قرارداد با قبولی بدون قید و شرط آفر ارائه شده توسط داوطلب از طریق اداره تدارکاتی میباشد. به همین لحاظ، این تصدیقنامه صرف به منظور معلومات استفاده میشود.</p>  |

|   |  |
|---|--|
| only.   |  |
| <b>ACQUISITION COST:</b> The total sum of the procurement costs in order to obtain a contract.  | <b>مصارف تدارکات:</b> عبارت از مبلغ مجموعی مصارف تدارکات به منظور عقد قرارداد میباشد.  |
| <b>ACTUAL TOTAL LOSS:</b> In the context of an insurance policy a total loss may occur if: (a) the goods are completely destroyed., (b) the owner is irretrievably deprived of the ownership of goods; (c) goods are transformed to such an extent that they no longer can be said to be the same as those insured; (d) the subject matter of the insurance, a carrier or goods, are declared as "missing" by an accredited under-writing agency.   | <b>خساره واقعی درکل:</b> بادر نظر داشت پالیسی بیمه یک خساره کلی زمانی واقع میشود که:<br>(الف) اجناس به صورت کلی تخریب شده باشند؛ (ب) مالک مطلقاً از مالکیت اجناس محروم شده باشد؛ (ج) اجناس طوری تغییر شکل داده اند که نمیتوان گفت آنها بیکه بیمه شده اند، باشند؛ (د) موضوع مطرح بیمه، حامل یا اجناس، منحیث اجناس "مفقود شده" توسط یک نماینده گی با اعتبار گزارش داده شده است.  |
| <b>ADMINISTERED PRICE:</b> Price set by a bidder in terms of his sales policy or strategy, which may not be the same as the market price determined by the forces of supply and demand.   | <b>قیمت قابل اجرا:</b> قیمتیکه توسط یک داوطلب در شرایط پالیسی فروشات یا استراتژیی خویش، که با قیم شناسایی شده توسط نیروهای عرضه و تقاضا در بازار یکسان بوده نمیتواند.  |
| <b>ADMINISTRATIVE LEAD TIME:</b> The time interval between the identification of the need to buy and the placing of the contract.<br><i>see also: Lead time</i>   | <b>مهلت اجرای اداری:</b> فاصله زمانی میان شناسایی ضروریات و محل خریداری برای قرارداد.<br>همچنان: به مهلت اجرا مراجعه شود.  |
| <b>ADMINISTRATIVE REVIEW COMMITTEE<sup>1</sup>:</b> Panel appointed by the Head of the PPU in accordance with the public procurement Law for the purpose of providing administrative review of applications for review filed pursuant to the Law.   | <b>کمیته بررسی اداری<sup>1</sup>:</b> عبارت از هیئتیکه توسط امر واحد پالیسی تدارکات در مطابقت با قانون تدارکات عامه، به منظور بررسی اداری درخواست هاییکه باز عایت احکام قانون جهت تجدید نظر ارائه شده اند، تعیین میگردد.   |
| <b>ADVANCE PAYMENT:</b> A payment to a supplier in case of a major infrastructure or an industrial project or a long-term arrangement, either to enable the supplier to procure materials for fabrication and to meet his other costs or in token of the sheer ability of the supplier to exert his selling power. In either case such payments would always be as per terms and conditions of contract. Advance payments are to be distinguished from progress payments which are related to contract performance. Normally advance payments are secured by bonds/ guarantees for the same amount on behalf of the supplier.<br><i>see also: Cash on delivery, Cash with order (COD), Payment, Progress payments</i> | <b>پیش پرداخت:</b> عبارت از پرداخت پول به تهیه کننده برای زیر بناها یا پروژه های عمده و یا ترتیبات دراز مدت، به منظور قادر ساختن موصوف جهت تادیات و تهیه مواد برای ساخت و یا سایر مصارف از قبیل تادیات تعرفه وی قابل پرداخت که توسط وی صورت میگیرد، میباشد. در هر حالت، همچون تادیات باید همیشه طبق شرایط قرارداد صورت بگیرد. پیش پرداخت ها باید از پرداخت های پیشرفت کار که مربوط به اجراءات میباشد، تفکیک شوند. معمولاً پیش پرداخت ها با عین ارزش به شکل ضمانت نامه یا تضمینات توسط تهیه کننده تامین میشوند.<br>همچنان: پول نقد در موقع تحویلی، پول نقد به شکل حواله، پرداخت و پرداخت های پیشرفت کار مراجعه شود. |
| <b>ADVICE OF SHIPMENT:</b> A notice informing the procuring entity that the goods have been shipped. The notice usually gives details of packing.   | <b>ابلاغیه محموله:</b> اطلاعیه به اداره تدارکاتی مبنی بر اینکه اجناس انتقال داده شده است. این اطلاعیه معمولاً جزئیات در مورد بسته بندی اجناس را حاوی میباشد.   |
| <b>ADVICE NOTE:</b> A communication sent by the supplier to the procuring entity informing him that the goods are ready for dispatch and await forwarding instructions (in case of ex-works contracts) or shipment instructions (in case of FOB contracts).   | <b>یادداشت معلوماتی:</b> عبارت از مخابره یا مکتوب ارسالی توسط تهیه کننده به اداره تدارکاتی، حاوی این مطلب که اجناس برای ارسال آماده بوده و منتظر هدایت قبلی (در صورتیکه قرارداد تحویلی در محل کار) و یا راهنمایی در مورد انتقالات (در صورتیکه قرارداد تحویلی در بندر بارگیری یا (FOB) باشد) میباشد.  |
| <b>AFREIGHTMENT:</b> A contract for the carriage of goods by a carrier. Charter-parties and Bills of Lading are contracts of afreightment by ship.  | <b>موافقتنامه حمل و نقل:</b> عبارت از قرارداد جهت انتقال اجناس توسط انتقال دهنده میباشد. اجازه نامه و بارنامه عبارت از موافقتنامه های انتقالات توسط کشتی میباشد.   |
| <b>AGENT:</b> One appointed or authorised, by another, to act on his behalf. The latter is called the "principal". In commercial law, agent is appointed to bring the principal in legal relationship with third parties.   | <b>نماینده:</b> شخصیکه از جانب کسی دیگر صلاحیت داده شده یا جهت انجام وظایف به نماینده گی از وی تعیین شده باشد. شخص دومی به حیث "رئیس" دانسته میشود. طبق قانون تجارت، نماینده به منظور برقراری ارتباطات قانونی رئیس با جانب سوم تعیین میشود.  |
| <b>AGGREGATION:</b> Adding together the demand of several   | <b>تراکم فرمایشات:</b> عبارت از جمع آوری تقاضاهای چندین ادارات   |

<sup>1</sup> PPL, Art.3(24), PPU/C005/1386

|   |  |
|---|--|
| <p>procuring entities for same or similar goods or services in order to increase purchasing power and obtain the most advantageous conditions.<br/><i>see also: Bulk buying, Economies of scale</i></p>   | <p>تدارکاتی برای اجناس یا خدمات مشابه جهت بلند بردن سطح توانایی و بدست آوردن سود مند ترین شرایط خریداری میباشد.<br/>همچنان: به خریداری عمده و اقتصادی بودن مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>AGREEMENT:</b> An affirmation of mutual understanding or as consent between two or more parties.<br/><i>see also: Order, Procurement contract</i></p>   | <p><b>موافقتنامه:</b> تأیید از تفاهمنامه یا موافقت میان دو یا بیشتر اشخاص میباشد.<br/>همچنان: به فرمان یا قرارداد تدارکاتی مراجعه شود</p>  |
| <p><b>AIRWAY BILL:</b> A document evidencing a contract of carriage between the shipper and the carrier (airline) for carriage of goods. It is (a) evidence of a contract of carriage; (b) proof of receipt of goods by the carrier; (c) customs declaration; and (d) waybill.<br/><i>see also: Bill of lading (BOL), Clean bill of lading, Waybill</i></p> | <p><b>سند یابل انتقالات هوایی:</b> عبارت از سند ثبوت قرارداد انتقالات اجناس (انتقالات هوایی) میان تهیه کننده و انتقال دهنده میباشد. (الف) سند قرارداد انتقالات. (ب) ثبوت رسید اجناس توسط انتقال دهنده. (ج) اظهارنامه گمرکات و (د) بارنامه.<br/>همچنان: به بیل انتقالات توسط کشتی (BOL)، بل تصفیه انتقالات کشتی و بارنامه مراجعه شود.</p> |
| <p><b>ALL-OR-NONE BID:</b> A bid/ an offer submitted for a number of different goods or services in which the bidder stipulates that the bid/ offer is valid only if the contract is awarded for all items included in his bid/ offer.</p>  | <p><b>آفر تمام - یا - هیچ:</b> عبارت از آفریست که برای تعداد مختلف اجناس یا خدمات ارائه شده که داوطلب در آن تصریح نماید که آفر مذکور صرف در صورتی قابل اعتبار میباشد که قرارداد برای تمام اقلام شامل در آفر وی اعطاء شود.</p>  |
| <p><b>ALL RISKS:</b> An insurance policy which covers the insured goods for loss by any unforeseeable cause. The policy does not cover loss due to causes which could have been anticipated and against which preventive steps could have been taken.</p>   | <p><b>کلیه خطرات:</b> عبارت از پالیسی که اجناس بیمه شده را در مقابل مفقودی در اثر وقایع غیر قابل پیش بینی تحت پوشش بیمه قرار میدهد. این پالیسی مفقودی هاییکه قابل پیش بینی بوده و اقدامات برای جلوگیری از آن امکان پذیر باشد را تحت پوشش قرار نمیدهد.</p>  |
| <p><b>ANALYSIS OF BIDS/ OFFERS:</b> The tabulation and evaluation of bids/ offers submitted by bidders and to reduce these to a comparable basis so as to facilitate comparison and enable the procuring entity to select the best bid/ offer.<br/><i>see also: Bid evaluation, Life-cycle costing, Tabulation of bids/ offers</i></p>                      | <p><b>تحلیل و تجزیه آفرها:</b> عبارت از جدول بندی و ارزیابی آفرهای ارائه شده توسط داوطلبان و قابل مقایسه ساختن آنها جهت سهولت در اجرای مقایسه آنها و توانبخشیدن اداره تدارکاتی در انتخاب بهترین آفر میباشد.<br/>همچنان: به ارزیابی آفرها، مصارف کارایی و جدول بندی آفرها مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>APPROPRIATE TECHNOLOGY:</b> Technology deemed to meet specific requirements of, and operating conditions in, a particular country or location.</p>  | <p><b>تکنالوژی مناسب:</b> عبارت از تکنالوژی که با مشخصات و شرایط عملیاتی یک کشور یا موقعیت خاص مطابقت نماید، میباشد.</p>   |
| <p><b>ARBITRATION:</b> A method of settling a dispute between the parties involved in a contract by referring it to one or more neutral persons, selected by the parties, for a decision.</p>   | <p><b>داوری (حکمیست):</b> عبارت از روش حل منازعه میان جوانب شامل در یک قرارداد، که با راجع ساختن موضوع به یک یا بیشتر اشخاص غیرجانبدار، جهت تصمیم گیری توسط آنها انتخاب شده، میباشد.</p>   |
| <p><b>ARRIVAL NOTICE:</b> An intimation sent by the carrier to the consignee advising of the arrival of shipment.</p>   | <p><b>اطلاعیه ورود اجناس:</b> عبارت از آگاهی در مورد ورود محموله است که از طرف انتقال دهنده به گیرنده بار داده میشود.</p>  |
| <p><b>AS IS:</b> Offer of goods for sale without a warranty or guarantee and with the stipulation that the procuring entity takes the goods at his own risk, without any recourse to the bidder for the quality or condition of goods. Sometimes including the location as well: "As IS AND WHERE IS CONDITION".</p>  | <p><b>طوریکه موجود است:</b> عبارت از پیشکش اجناس برای فروش بدون ضمانت یا تضمین با بیان صریح این مطلب که اداره تدارکاتی تمام خطرات را بدون مراجعه به داوطلب در مورد کیفیت یا شرایط اجناس، برعهده خود میگیرد. احياناً موقعیت شامل آن نیز میشود:<br/>"به هر حالت و شرایطی که موجود است".</p>  |
| <p><b>ASSIGNMENT:</b> Refers to transfer of a right on or a title to goods or know how to another party. For example, title to goods may be transferred by assignment on a Bill of Lading by the original consignee (referred to as the assignor), to another, the assignee.</p>  | <p><b>واگذاری:</b> عبارت از انتقال قانونی یک حق یا عنوان به اجناس یا چگونگی شناخت جانب مقابل میباشد. به گونه مثال، عنوان اجناس با توظیف نمودن در بارنامه کشتی توسط گیرنده اصلی بار (منحیث توظیف کننده)، به شخص دیگر میباشد.</p>  |
| <p><b>ASSESSOR:</b> A person who is appointed or designated to estimate the value of goods for the purpose of apportioning the sum payable in the settlement of an insurance or any other claim.</p>  | <p><b>بررسی کننده:</b> شخصیکه جهت برآورد ابتدائی ارزش اجناس به منظور تقسیم کردن مبلغ قابل پرداخت برای بیمه یا کدام ادعای حقوق دیگر تعیین میشود.</p>  |
| <p><b>AVERAGE GENERAL:</b> Partial loss deliberately incurred by a captain of a ship to prevent total loss and apportioned amongst interested parties in proportion to their</p>  | <p><b>اوسط عمومی:</b> خساره قسمی که عمدتاً توسط کشتی بان یک کشتی به منظور جلوگیری از خساره کلی صورت گرفته و در میان جوانب ذینفع</p>  |

|  |   |
|--|---|
| <p>interest in the saved property. For recognition as General Average, such loss must have been: (a) incurred intentionally; (b) should have been absolutely necessary for the preservation of the ship and some or all cargo; and (c) not as a result of negligence of any one of the interested parties.<br/><i>See also: Average particular</i></p>   | <p>به اندازه سهم ایشان در ملکیت تقسیم شده باشد. برای شناسایی خساره جزئی، مانند مفقودی باید: (الف) عمداً صورت گرفته باشد؛ (ب) به خاطر حفظ کشتی و بخش یا تمام محموله قطعاً ضروری بوده باشد؛ (ج) در نتیجه بی پروایی کدام جانب ذینفع نبوده باشد.<br/>همچنان: به اوسط خاص مراجعه شود</p>   |
| <p><b>AVERAGE PARTICULAR:</b> A partial loss, not deliberately incurred, through damage to ship and/ or cargo. Such a loss, unlike a general average loss, is borne by the owner of the ship or of goods or else by the insurance company if insured.<br/><i>see also: Average general</i></p>   | <p><b>اوسط خاص:</b> عبارت از یک خساره قسمی که عمداً واقع نشده باشد، از طریق زیان به کشتی و یا محموله میباشد. همچون خساره، بر عکس خساره اوسط کلی توسط مالک کشتی یا از اجناس یا چیزی دیگر توسط بیمه شرکت در صورتیکه بیمه شده باشد، تحت بیمه قرار می گیرد.<br/>همچنان: به اوسط عمومی مراجعه شود</p>  |
| <p><b>AWARD:</b> The action taken by the procuring entity, after examining and comparing the bids/ offers received, through which it: (i) selects the bid/ offer that is determined to be substantially responsive to the bidding documents and is the most advantageous (i.e., the best evaluated bid with respect to the evaluation grid set up); and (ii) officially notifies the bidders of the decision as to the award of the contract. It is the most important stage of the procurement cycle, since it accomplishes its main objective, that is, selection of the bidder which is to carry out the works or services or provision of the goods that were the object of the procurement. In effect, the award completes the contract; the bid/ offer made by the bidder is accepted by the procuring entity in making the award.</p> | <p><b>اعطاء:</b> اقدامات صورت گرفته توسط اداره تدارکاتی، بعد از آزمائش و مقایسه آفرهای دریافتی، که از طریق آن: (1) انتخاب آفریکه ذاتاً جوابگوی شرطنامه بوده و مفیدترین آفر به حساب برود (مثال بهترین آفر ارزیابی شده طبق معیارات تعیین شده)؛ و (2) اطلاع رسمی داوطلبان در مورد تصمیم بر عقد قرارداد. این از مهمترین مرحله روند تدارکاتی میباشد، از آنجاییکه این موضوع با اهداف عمده مطابقت داشته باشد، انتخاب داوطلب برای انجام امور ساختمانی یا خدمات با تهیه اجناسیکه هدف تدارکات است، میباشد. در نتیجه، اعطای قرارداد را تکمیل مینماید؛ آفر پیشنهادی داوطلب، با اعطای قرارداد توسط اداره تدارکاتی به معنی قبولی آن میباشد.</p>   |
| <p><b>AWARD AUTHORITY<sup>2</sup>:</b> A person with authority to award a contract or approve a contract modification concerning the procurement of goods, services or works, in accordance with the levels of authority set in the public procurement Law.</p>  | <p><b>آمر اعطاء<sup>2</sup>:</b> شخصی است که صلاحیت منظوری یا تعدیل قرارداد در مورد تهیه اجناس، تدارک خدمات و امور ساختمانی را طبق حدود صلاحیت های تعیین شده در قانون تدارکات عامه دارا میباشد.</p>   |
| <p><b>B</b></p>  |   |
| <p><b>BARTER:</b> Trade effected through exchanging one kind of goods for another, without involving money or any financial instrument of exchange.</p>  | <p><b>معامله:</b> عبارت از دادوستد تجارتي میباشد که از طریق تبادل یک نوع جنس در مقابل دیگر، بدون شامل ساختن پول یا کدام امکانات مالی دیگر تبادل صورت میگیرد.</p>  |
| <p><b>BASIC AGREEMENT:</b> An agreement between a procuring entity and a supplier setting down some of the contract clauses that shall be applicable to future procurements over a specified period of time (or till such time as either party seeks renegotiations or annulment of the agreement). Particular procurements are covered by the execution of a specific contract which incorporates, besides other relevant and agreed clauses, those already in the basic agreement. In the context of long-term contracting such basic agreements are sometimes referred to as frame contracts. Basic agreements are often used for recurrent provision of material or services for the same or similar purposes in order to secure a more economic procurement procedure.<br/><i>see also: Blanket order, Rate contract</i></p>            | <p><b>موافقتنامه اساسی:</b> توافق میان یک اداره تدارکاتی و تهیه کننده با تعیین بعضی از اجزای قرارداد که برای تدارکات آینده طی یک ميعاد مشخص (یا تا زمانی که هر یک از طرفین خواهان مذاکره مجدد یا لغو موافقتنامه باشند) قابل اجرا خواهد بود. تدارکات خاص توسط اجرای یک قرارداد مشخص که بر علاوه سایر اجزای مربوطه و آنهاییکه قبلاً در موافقتنامه اساسی روی آن موافقت صورت گرفته، آن را نیز شامل بوده، تحت پوشش قرار میدهد. در زمینه قراردادهای درازمدت مانند موافقتنامه اساسی احیاناً منحیث قراردادهای چهارچوبی به آنها مراجعه میشود. موافقتنامه های اساسی بسیاری اوقات برای تهیه مکرر عین مواد یا خدمات یا اهداف مشابه به مقاصد اقتصادی بودن درپروسه های تدارکاتی استفاده میشود.<br/>همچنان: به دستور عمومی یا قرارداد نرخ مراجعه شود</p> |
| <p><b>Bid<sup>4</sup>:</b> A tender/ an offer, proposal or price quotation given by a bidder, in response to an invitation or</p>  | <p><b>آفر<sup>3</sup>:</b> عبارت از یک مناقصه یا آفر، پیشنهاد یا نرخ داده شده توسط یک داوطلب، در جواب به دعوت یا درخواست برای تهیه اجناس،</p>   |

<sup>2</sup> PPL, Art.3(1), and PPU/C005/1386 Art. 3(2)

<sup>3</sup> PPL, Art.3(2), and PPU/C005/1386 Art.3(3)

|  |  |
|--|--|
| request for the provision of goods, works or services.<br><i>see also: Offer</i>   | امور ساختمانی یا خدمات میباشد.<br>همچنان: به آفر مراجعه شود  |
| <b>BID BOND:</b> <i>see Securities</i>   | <b>تضمین آفر:</b> به تامينات مراجعه شود  |
| <b>BID EVALUATION:</b> Analysis of all bids/ offers received by the procuring entity to appraise and assess the most advantageous and competitive bid/ offer.<br><i>see also: Analysis of bids/ offers, Life-cycle costing, Tabulation of bids/ offers</i>   | <b>ارزیابی آفر:</b> عبارت از تحلیل و بررسی تمام آفرهای دریافتی توسط اداره تدارکاتی جهت ارزیابی و بررسی مفیدترین و رقابتی ترین آفر میباشد.<br>همچنان: به بررسی آفرها، مصارف کارایی و جدول بندی آفرها مراجعه شود.  |
| <b>BID FORM:</b> A letter signed by the Bidder (seller) confirming that he will maintain his offer prices valid for a described period of time and in case that he is awarded the contract that he will conform to the conditions of the bidding documents. A model Bid Form is usually provided with the bidding documents. | <b>فورمه آفر:</b> عبارت از مکتوب یا نامه امضا شده توسط داوطلب (فروشنده) با تائید این مطلب که وی پیشنهاد قیم را برای یک میعاد معین قابل اعتبار میدانده و در صورتیکه قرارداد به وی اعطا شود او در مطابقت با شرایط شرطنامه عمل خواهد کرد. یک فورمه نمونوی آفر معمولاً همراه با شرطنامه تهیه میگردد. |
| <b>BID OPENING:</b> In procurement through competitive bids/ offers the opening and reading of bids/ offers, conducted at the time and place specified in the bidding documents, and in the presence of anyone who wishes to attend and is allowed to do so according to the provisions of the Public Procurement Law.       | <b>گشایش آفرها:</b> در پروسه تدارکاتی که از طریق آن داوطلبی رقابتی راه اندازی شده، افتتاح و خواندن آفرها در محل و زمان مشخص شده در شرطنامه، در حضور داشت هر کسیکه بخواهد حضور یابد و طبق احکام قانون تدارکات عامه به وی اجازه داده شده باشد، صورت میگيرد.  |
| <b>BID DEPOSIT:</b> A specified sum of money which a bidder is asked to deposit with the procuring entity as a guarantee that the bidder will, if selected, sign the contract as per his bid/ offer. A bidder who fails to sign the contract forfeits the amount of the deposit.   | <b>ضمانت آفر:</b> عبارت از یک مبلغ مشخص پول تقاضا شده از یک داوطلب میباشد که منحصت ضمانت مبنی بر اینکه موصوف در صورتیکه انتخاب شود، قرارداد را طبق آفرش امضا نماید به اداره تدارکاتی به امانت گذاشته میشود. داوطلبیکه موفق به امضای قرارداد نشود، این مبلغ به امانت گذاشته وی ضبط میشود.         |
| <b>BIDDER<sup>4</sup>:</b> A person who may participate in a procurement proceeding for purposes of submitting a bid.<br><i>see also: Candidate</i>  | <b>داوطلب<sup>4</sup>:</b> شخصی است که به منظور ارائه آفر در پروسه تدارکات اشتراک نموده بتواند.<br>همچنان: به کاندید مراجعه شود  |
| <b>BIDDING:</b> Any formal and competitive procurement procedure through which bids/ offers are requested, received, and evaluated for the procurement of goods, works, and services, and as a consequence of which an award is made to the bidder who presented the lowest evaluated bid/ offer.                            | <b>مناقصه:</b> تمام پروسه های رسمی یا رقابتی تدارکات که از طریق آن برای آفردهی، دریافت، و برای تدارک اجناس، امور ساختمانی، و خدمات ارزیابی شده باشد درخواست صورت گرفته، و متعاقباً اعطای قرارداد به داوطلبیکه آفر دارای پایین ترین نرخ را بعد از ارزیابی ارائه نموده، صورت میگيرد، میباشد.       |
| <b>BIDDING DOCUMENTS<sup>6</sup>:</b> The documents in tender proceedings that prescribe the quantity, quality, characteristics, contractual conditions and procedures, of the transaction prior to the actual procurement, and on the basis of which the bidders are to prepare their bids.                                 | <b>شرطنامه<sup>5</sup>:</b> عبارت از اسناد پروسه مناقصه که در آن کمیت، کیفیت، خصوصیات، شرایط قرارداد و طرز العمل معاملات قبل از تدارکات واقعی و اینکه بر اساس آن داوطلبان آفرهای خویش را تهیه نمایند، میباشد.  |
| <b>BILL OF ENTRY:</b> A detailed form or statement filled by an importer giving information on the nature and value of goods being imported for submission to the customs authorities before goods are cleared for entry into the country.<br><i>see also: Customs duties, Customs tariff, Import duties</i>                 | <b>سند ورود اجناس:</b> فورمه یا ابلاغیه خانه پری شده توسط شخص وارد کننده با توضیح معلومات در مورد ماهیت و ارزش اجناس وارد شده جهت ارائه به مقامات گمرکاتی، قبل از اینکه اجناس تصفیه شوند به کشور وارد میشوند.<br>همچنان: به مسؤلیت های گمرکی، تعرفه های گمرکی و مسؤلیت های                       |

<sup>4</sup> PPL, Art. 3(3), PPU/C005/1386, Art.3(4)

<sup>5</sup> This definition is a combination of the definitions in PPL, Art. 3(4), and PPU/C005/1386, Art. 3(5), the PPL specifies shartnama for Dari translation.

|  |  |
|--|--|
|  | وارداتی مراجعه شود.  |
| <b>BILL OF EXCHANGE:</b> An unconditional order in writing addressed by one person or company to another, signed by the one giving it, requiring the person or company to whom it is addressed to pay, on demand or at a fixed or determinable future time a certain sum in money to order or to bearer.   | <b>سند مبادله:</b> حواله یا امر تحریری بدون قید و شرط توسط یک شخص به شخص یا شرکت دیگر حاوی تقاضا از جانب مقابل، جهت پرداخت یک مبلغ مشخص پول به حامل آن در وقت معین یا قابل پیش بینی، که توسط شخص تهیه کننده آن امضا شده باشد.  |
| <b>BILL OF LADING (BOL):</b> A document which is an acknowledgement and a receipt, issued by a master of the ship as agent of the owner, for cargo received on board for shipment. Although not a contract of carriage in itself it serves as evidence of the same. Salient points incorporated in a bill of lading are: (a) the name of the shipper; (b) ship's name; (c) full description of cargo (unless it is bulk cargo) including markings, packing numbers, etc.; and (d) port of embarkation and of destination. A bill of lading is prepared in sets, usually of three originals. One copy is retained by the master of the ship, another by the shipper (forwarding agent) and the third is sent to the consignee enabling him to take delivery on arrival of goods.<br><i>see also: Airway bill, Clean bill of lading, Waybill</i> | <b>سند بارگیری کشتی (BOL):</b> عبارت از سندی است که به حیث تصدیق و رسید، توسط آمرکشتی منحیت نماینده مالک، در مقابل محموله دریافتی از بندرگاه صادر میشود. اگرچه یک قرارداد محموله به خودی خود منحیت عین مدرک بکار نمی رود. نکات برجسته شامل دریک بارنامه عبارتند از: (الف) نام انتقال دهنده؛ (ب) نام کشتی؛ (ج) توضیح مکمل در مورد محموله (به استثنای اینکه محموله بزرگ باشد) به شمول علامه گذاری، شماره های بسته بندی، و غیره؛ و (د) بندر بارگیری و محل تحویل دهی.<br><br>یک سند بارگیری به صورت دسته جمعی، معمولاً در سه کاپی اصلی آماده میشود. یک نقل آن توسط آمرکشتی حفظ میشود، یک هم توسط انتقال دهنده (نماینده پیشین) و کاپی سومی به کسیکه مسئولیت تسلیم گیری را به عهده دارد جهت معلومات او بعد از رسیدن اجناس برای تحویلی فرستاده میشود.<br><br>همچنان: سند انتقالات هوایی، تصفیة بل بارگیری و بارنامه مراجعه شود. |
| <b>BILL OF QUANTITIES:</b> A description and a quantitative estimate of all materials, and/ or other supplies which will be required for a proposed construction project or production of equipment (usually custom designed). Contracts are sometimes concluded on the basis of actual costs and an agreed margin when the procuring entity may seek a bill of quantity to estimate the likely cost before concluding the contract and later to make final payments when the project is completed and quantities could be exactly measured or counted when taking over works or goods.  | <b>سند کمیت:</b> عبارت از توضیح و برآورد تخمینی کمیت تمام مواد، و با سایر اکمالات که برای یک پروژه ساختمانی پیشنهاد شده، یا تولید لوازم (معمولاً طرح گمرکی) لازم است میباشد. بعضی اوقات قراردادها بر اساس مصارف واقعی و بودجه احتیاطی موافقه شده هنگامیکه اداره تدارکاتی برای بدست آوردن بل مقدار به منظور برآورد تخمینی مصارف قبل از عقد قرارداد تلاش نموده و بعد تر زمانیکه پروژه تکمیل شود تادیات نهایی صورت میگیرد و کمیت ها وقتیکه مسئولیت اجناس و امور ساختمانی گرفته شود، بدرستی اندازه گیری شده میتواند.   |
| <b>BLANKET ORDER:</b> Sometimes referred to as a "master contract" for reducing the need to enter into fresh contracts for a number of orders. It provides for the procuring entity to make supplies over a certain period of time and at predetermined prices on the basis of a formula for revising prices.<br><i>see also: Basic agreement, Rate contract</i>   | <b>دستور عمومی:</b> بعضی اوقات به یک "قرارداد بزرگ" جهت کم کردن ضرورت عقد قرارداد های تازه برای یک تعداد دستورهای خریداری راجع میشود. این قرارداد به اداره تدارکاتی توانایی آن را میدهد تا برای یک مدت معین و به نرخ های قبلاً شناسایی شده مبنی بریک فورمول تجدید نظر قیمت ها، ضرورت های تدارکاتی خویش را اكمال نماید.<br><br>همچنان: به موافقتنامه اساسی و برآوردی مراجعه شود.  |
| <b>BLUEPRINT:</b> Detailed design and specifications, indicated by a drawing, of the required product.   | <b>چاپ روشن (بلو پرینت):</b> عبارت از نوع چاپی میباشد که برای نقشه و رسامی های فنی بکار می رود: دیزاین و مشخصات مفصل که توسط رسامی تولید مورد ضرورت بیان شده میباشد.   |
| <b>BONDED WAREHOUSE:</b> Place owned by persons approved by an appropriate government authority and who have given guarantees or bonds for the strict observance of revenue and/ or import control laws. Such warehouses are used for the storage and custody of import merchandise, till customs are satisfied that the goods have been imported with the permission of the relevant government authority (e.g. are covered by a proper import licence) and/ or the duties are paid or the goods are being reshipped without entry. In many developing countries with strict import regulations in force, security and supervision over movements is provided by government.<br><i>see also: Clearance of goods, In bond</i>  | <b>گدام ضمانت شده:</b> عبارت از محلیکه توسط منظوری یک مقام مناسب دولتی متعلق به اشخاصیکه ضمانت یا تضمین جهت رعایت جدی عواید ویا ورود قوانین کنترل منظوری داده شده است، میباشد. همچو تحویلخانه ها برای گدامداری و حفاظت واردات تجارتي، تازمانیکه مسئولین گمرکات راضی شوند که اجناس به اجازه مقامات دولتی مربوطه وارد شده اند (به طور مثال توسط یک اجازه نامه مناسب تحت پوشش قرار گرفته اند) ویا مکلفیت های پرداخت گمرکی تادیه شده اند با اجناس بدون ورود دوباره انتقال یابد، استفاده میشود. در بسیاری از کشور های رو به انکشاف دارای مقررات شدید وارداتی، نظارت روی تحرکات و امنیت توسط دولت تامین میشود.<br><br>همچنان: به تصفیة حساب اجناس و تضمین مراجعه شود.  |
| <b>BRAND NAME:</b> A name or trade mark normally   | <b>نام علامتی:</b> عبارت از یک نام یا علامه تجارتي راجستر شده توسط   |

|   |  |
|---|--|
| <p>registered by which one producer distinguishes his product from those of similar products by other producers in the same industry. A brand name identifies both the product and the producer of the product.<br/><i>see also: Brand name or equal (description), Trademark</i></p>   | <p>یک تولید کننده که محصولات خود را از تولیدات مشابه تولید کننده گان دیگر در عین صنعت متمایز سازد، میباشد. یک نام تجاری که هر دو تولید کننده و تولید را شناسایی مینماید.<br/>همچنان: نام علامتی یا مساوی آن (توصیف)، علامت تجاری مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>BRAND NAME OR EQUAL (DESCRIPTION):</b> A requisition by the user which indicates that his need will be met by a particular (named) brand or products of other producers which have the same physical, chemical, metallurgical and/ or other characteristics and will be able to satisfy the required need as effectively and efficiently. In bidding documents the same phrase is used to describe the product requirement precisely so that prospective bidders know that their goods have to be similar in all respects to the named brand product. The purchaser can and often does require proof of equivalence. This is done to increase competition so that the producer of the particular brand does not exploit his monopoly position.<br/><i>see also: Brand name, Trademark</i></p> | <p><b>نام علامتی یا معادل آن (توصیف):</b> عبارت از تقاضای استفاده کننده با بیان این مطلب که ضرورت او توسط یک علامت خاص (نامگذاری شده) یا تولیدات سایر تولید کننده گانیکه دارای تولیدات مشابه از لحاظ فیزیکی، کیمیایی، استخراج و ثوب فلزات و یا سایر خصوصیات و توانایی را خواهند داشت که ضرورت لازم را به صورت مؤثر و کافی برآورده سازد. در شرطنامه عین عبارت استعمال میشود تا تولید لازم را به صورت دقیق تشریح نماید و بدین ترتیب داوطلبان آینده بدانند که اجناس آنها باید در تمام زوایا مشابه تولید دارای نام علامتی باشد. خریدار میتواند و بسیاری اوقات دلیل برای تعادل را لازم دارند. این کار به منظور از دیدار رقابت که تولید کننده علامت خاص، موفق انحصاری وی را بکار نیندازد، میآید.<br/>همچنان: نام علامتی، علامت تجاری مراجعه شود.</p> |
| <p><b>BREACH OF CONTRACT:</b> A failure of the supplier or the procuring entity without a legally acceptable defensible excuse to carry out his part of the duties and obligations as implied by the terms and conditions of a contract.<br/><i>see also: Default</i></p>   | <p><b>نقض قرارداد:</b> عبارت از عدم موفقیت تهیه کننده یا اداره تدارکاتی بدون کدام عذر قانونی قابل قبول و دفاع در انجام بخشی از وظایف و مکلفیت های خویش همانطوریکه توسط شرایط قرارداد رسانیده شده است، میباشد.<br/>همچنان: به نقصان مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>BUFFER STOCK:</b> A certain quantity of a material held in stock to meet any unforeseen supply delays or disruptions of scheduled deliveries, increase in prices and/ or unexpected up-surge in demand.</p>   | <p><b>انبار حائل:</b> عبارت از یک مقدار معین مواد نگهداشته شده در انبار میباشد که برای رفع ضرورت های غیر قابل پیش بینی در صورت تاخیر در تهیه یا قطع تحویلی های جدول بندی شده، بلند رفتن قیمت و یا تقاضای غیر قابل پیش بینی که بسیار سریع پیش می آید، بکار می رود.</p>  |
| <p><b>BULK BUYING:</b> System of aggregating total requirements (generally of all users) of a product or service for a single purchase order or a series of orders for large quantities which would not have been possible if demand was met on a fragmented basis. Bulk buying may be advantageous for getting favourable terms from bidders as well as in effecting other economies.<br/><i>see also: Aggregation, Economies of scale</i></p>   | <p><b>خریداری عمده:</b> عبارت از سیستم جمع آوری مجموع ضروریات (به صورت عموم از تمام استفاده کننده ها) یک تولید یا خدمت برای امر خریداری واحد یا یک سلسله دستور ها برای خریداری ها به مقدار بزرگ، در صورتیکه تقاضا به شکل قطعه قطعه صورت میگرفت امکانپذیر بوده نمیتوانست. خریداری های عمده برای بدست آوردن شرایط خوب از داوطلبان و همچنان تاثیرات دیگر اقتصادی میتواند مفید باشد.<br/>همچنان: به جمع آوری و اقتصادی بودن مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>BUY BACK:</b> A counter-trade arrangement whereby a supplier of plant, equipment and/ or technology agrees to accept part or full payment for supplies, in terms of the goods to be produced with the help of these facilities. It is also referred to as "COMPENSATION TRADE".</p>   | <p><b>پس خرید:</b> عبارت از یک ترتیبات تجاری است که اکمال کننده یک کارخانه، لوازم ویا تکنالوژی به قسمتی از پرداخت برای امکانات ویا پرداخت مکمل آن، در قسمت اجناس که به کمک این تسهیلات تولید شوند، موافقه مینماید، میباشد. این را "تجارت قابل جبران" نیز مینامند.</p>  |
| <p><b>BUYER:</b> <i>see Contracting authority, Procuring entity</i></p>   | <p><b>خریدار:</b> به مقامات ذیصلاح قرارداد و اداره تدارکاتی مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>BUYER'S OPTION:</b> The right of a procuring entity to modify within a specified period of time any one or more of the terms of contract as agreed in advance (e.g. to increase or decrease the quantity indicated in a purchase contract by a specified percentage). Buyer's option may be open on other terms and conditions in the contract, if so provided (e.g. port of discharge, delivery lot size or time, etc.).<br/><i>see also: Change order, Contract modification</i></p>  | <p><b>حق اختیار خریدار:</b> عبارت از حق اداره تدارکاتی مبنی بر تعدیل یک ویاتعداد بیشتری شرایط قرارداد را در یک معیاد معین طوریکه قبلاً بالای آن موافقه صورت گرفته است (به گونه مثال زیاد ویا کم کردن فیصدی مشخص مقدار ذکر شده در یک قرارداد) میباشد. حق اختیار خریدار میتواند در صورتیکه قبلاً در قرارداد ذکر شده، (مثال: بندر تخلیه، مقدار قابل تحویلی یا وقت، و غیره) در مورد سایر مقررات و شرایط قرارداد باز باشد.<br/>همچنان: به تغییر حواله و تعدیل قرارداد مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>BUYER'S MARKET:</b> A "buyer's market" is said to exist when supply exceeds demand so that goods can easily be secured and when the procuring entity can exert some pressure on prices and acquire economies in</p>   | <p><b>بازار خریدار:</b> "بازار خریدار" زمانیکه تقاضای ضروریات به اندازه زیاد میشود که اجناس به آسانی تامین میشوند و وقتیکه اداره تدارکاتی تا اندازه فشار بالای قیمت آورده و استفاده درست و اقتصادی از خریداری</p>  |



|  |  |
|--|--|
| purchase.  | نموده بتواند.  |
| <b>C</b>   |  |
| <b>CARGO MANIFEST:</b> <i>see Consist, Manifest</i>  | <b>معلوماتنامه محموله:</b> به لست شمول و معلومات مراجعه شود.   |
| <b>CANDIDATE:</b> A physical or legal person invited to take part in public procurement or seeking to be so invited. <i>see also: Bidder</i>   | <b>کاندید:</b> دعوتی است که از یک شخص به صورت فزیکتی یا قانونی جهت اشتراک در روند تدارکات عامه یا خواستار بودن شخص مذکور تا از وی برای اشتراک در پروژه دعوت بعمل می آید. همچنان: به داوطلب مراجعه شود.   |
| <b>CARRIAGE AND INSURANCE PAID TO (CIP):</b> INCOTERM, defines that the supplier has the same obligations as under CPT but with the addition that the supplier has to procure cargo insurance against the procuring entity's risk of loss of or damage to the goods during the carriage. The supplier contracts for insurance and pays the insurance premium. The procuring entity should note that under the CIP term the supplier is only required to obtain insurance on minimum coverage. The CIP term requires the supplier to clear the goods for export. This term may be used for any mode of transport including multimodal transport. <i>see also: Incoterms</i> | <b>پرداخت به محموله و بیمه (CIP):</b> شرایط بین المللی تجارت (اینکوترم)، واضح میسازد که تهیه کننده عین مکلفیت هایی را دارد که تحت شرایط کرایه حمل پرداخت شده بوده اما به علاوه آن موصوف باید بیمه محموله در مقابل خطر زیان اداره تدارکاتی یا خساره آن اجناس در جریان انتقال را بر عهده بگیرد. تهیه کننده قرارداد بیمه را امضا نموده و بیمه را پرداخت مینماید. اداره تدارکاتی باید یادداشت نماید که تحت شرایط پرداخت محموله، تهیه کننده صرف حد اقل پوشش بیمه را بدست خواهد آورد. طبق این شرایط پرداخت محموله، تهیه کننده باید اجناس صادراتی را تصفیه نماید. این شرایط برای تمام روش های ترانسپورتی به شمول انتقالات چندین طریقہ یی استفاده شده میتواند. همچنان: به شرایط بین المللی تجارت مراجعه شود. |
| <b>CARRIAGE PAID TO (CPT):</b> INCOTERM, defines that the supplier pays the freight for the carriage of the goods to the named destination. The risk of loss of or damage to the goods, as well as any additional costs due to events occurring after the time the goods have been delivered to the carrier, is transferred from the supplier to the procuring entity when the goods have been delivered into the custody of the carrier. The CPT term requires the supplier to clear the goods for export. This term may be used for any mode of transport including multimodal transport. <i>see also: Incoterms</i>   | <b>کرایه حمل و نقل پرداخت شده (CPT):</b> شرایط بین المللی تجارت (اینکوترم)، این مطلب را واضح میسازد که تهیه کننده کرایه کشتی برای انتقال اجناس تا محل معین تحویلی را پرداخت مینماید. مسولیت خطر زیان یا خساره به اجناس و همچنان هر نوع مصارف اضافی با در نظر داشت وقایع، پس از اینکه اجناس به انتقال دهنده تحویل داده شد، و از زمانیکه اجناس به تحویلخانه انتقال دهنده تحویل داده شد، از تهیه کننده به اداره تدارکاتی انتقال مینماید. طبق شرایط پرداخت به محموله لازم است که تهیه کننده حساب اجناس صادراتی را تصفیه نماید. این شرایط برای تمام روش های ترانسپورتی به شمول ترانسپورت چندین طریقہ یی استفاده شده میتواند. همچنان: به شرایط بین المللی تجارت مراجعه شود.                                |
| <b>CARRIER:</b> A person or a firm who contracts to carry goods by any method of transport.  | <b>انتقال دهنده:</b> شخص یا نهادیکه قرارداد مینماید تا اجناس را توسط هر روش ترانسپورتی بخواهد انتقال بدهد.   |
| <b>CARTEL:</b> An organisation or group of organisations which colludes to determine the quantities and/ or prices of goods or services to be provided by each of its members.   | <b>اتحادیه صاحبان صنایع مشابه:</b> هر موسسه یا گروهی از مؤسسات که بین هم ساخت و ساز نمایند تا مقدار و یا نرخ های اجناس یا خدماتیکه توسط هر یک از اعضای آنها تهیه میشود را، شناسایی نمایند.   |
| <b>CASH AGAINST DOCUMENTS (CAD):</b> INCOTERMS, means that the documents which will enable a consignee to get delivery of his goods (such as a bill of lading) are handed over to him only when he has paid for the goods. In international trade, when the contract stipulates that payment be made before goods are released, the commercial practice is to send the bill of lading and/ or other documents to a bank (located in the consignee's country) with instructions to release the documents only when payment has been made. <i>see also: Incoterms</i>  | <b>پرداخت پول نقد در مقابل اسناد (CAD):</b> "اینکوترمز" یا شرایط بین المللی تجارت به معنی آنست، اسناد ممد یک گیرنده بار، جهت تحویل گیری اجناس قابل تحویلی (مانند بارنامه) در صورتی به وی تسلیم داده میشود که پول اجناس را پرداخته باشد. در تجارت بین المللی، زمانی که قرارداد تصریح مینماید، تادیات قبل از اینکه اجناس تحویل داده شود، صورت میگردد، عملکرد تجارتي طوری میباشد که سند بارگیری و یا سایر اسناد به یکی از بانک ها (واقع در کشور گیرنده بار) با توضیح این موضوع که اسناد صرف در صورتی مرخص خواهد شد که پرداخت صورت گرفته باشد. همچنان: به شرایط بین المللی تجارت مراجعه شود.   |
| <b>CASH DISCOUNT:</b> Reduction, usually expressed as a percentage, of the price of a product, or to the amount of a bill, if payment is made in cash or promptly or within a specified period of time. <i>see also: Discount, Quantity discount, Concealed discount, List price, Price discrimination, Rebate, Trade</i>  | <b>تخفیف پول نقد:</b> در صورتیکه پرداخت به پول نقد یا به صورت فوری یا در یک مدت مشخص انجام شود، تخفیف معمولاً با فیصدی قیمت تولید، یا مبلغ یک بل مصرفی بیان میشود. همچنان: به تخفیف، تخفیف در کمیت، تخفیف لغوشده، نرخنامه، تفاوت نرخ ها، کم کردن و تخفیف تجارتي مراجعه شود.  |

|   |   |
|---|---|
| <i>discount</i>   |   |
| <b>CASH ON DELIVERY (COD):</b> The expression stipulates that payment is to be made before delivery of goods. In other words the carrier will not release goods unless there is evidence that payment has been effected or else the payment is made to the carrier at the time of delivery (e.g. to the post office when collecting the consignment).<br><i>see also: Advance payment, cash with order, Payment, Progress payment</i>   | <b>پول نقد در موقع تحویلی (COD):</b> این بیان نامه تصریح مینماید که پرداخت باید قبل از تحویلی اجناس صورت بگیرد. به عبارۀ دیگر انتقال‌دهنده اجناس را تحویل نخواهد داد مگر اینکه مدرکی وجود داشته باشد تا نشان دهد که پرداخت صورت گرفته و یا هنگام تحویلی (مثال: در بسته خانه هنگام جمع آوری محموله) صورت میگیرد.<br>همچنان: به پیش پرداخت، حواله نقدی، پرداخت و پرداخت پیشرفت کار مراجعه شود.  |
| <b>CASH WITH ORDER:</b> Refers to a purchase agreement which requires that payment be remitted along with procuring entity order (100% advance payment). Very often the advance payment is secured by a bond.<br><i>see also: Advance payment, Cash on delivery, Payment, Progress payment</i>  | <b>حوالۀ پول نقد:</b> عبارت از یک موافقتنامه خریداری حاوی این مطلب که پرداخت همراه با حواله اداره تدارکاتی (100 فیصد پرداخت پیشکی) فرستاده شده است. بسیاریه تکرار این مبلغ پیش پرداخت توسط یک ضمانت تامین میشود.<br>همچنان: به پیش پرداخت، حواله پرداخت پول نقد، پرداخت و پرداخت پیشرفت کار مراجعه شود.   |
| <b>CERTIFICATE OF COMPLIANCE:</b> Supplier's written certification that goods being supplied are in conformity with those specified in the contract.  | <b>گواهینامه مطابقت:</b> تصدیق تحریری تهیه کننده مبنی بر اینکه اجناس تهیه شده در مطابقت با مشخصات قرارداد میباشد.   |
| <b>CERTIFICATE OF CONFORMITY:</b> A document attesting that a product or a service is in conformity with specific standards or technical specifications.  | <b>گواهینامه تائیدی:</b> عبارت از یک سند میباشد که برای تولید یا خدمت در مطابقت با معیارات مشخص یا مشخصات تخنیکی دلالت نماید، میباشد.   |
| <b>CERTIFICATE OF DAMAGE:</b> A printed document issued by dock companies in regard to goods found to be in a damaged condition on being unloaded from a ship.  | <b>گواهینامه خساره:</b> عبارت از یک سند چاپی است که توسط شرکت های لنگرگاهی در ارتباط به اجناسیکه به حالت خراب شده در موقع تخلیه از کشتی دیده شده اند، صادر میشود.   |
| <b>CERTIFICATE OF INSPECTION:</b> A testimony on the findings of an authorised inspection agency on the quality of the goods based on the specification laid down in the respective contract document.<br><i>see also: Characteristics, Certificate of quality, Design specification, Express warranty, Inspection, Provisioning, Self-certification, Specification, Technical specification, Terms of Reference</i>  | <b>گواهینامه تفتیش:</b> عبارت از تصدیقنامه است که در مورد کشفیات تفتیش یک نماینده گی با صلاحیت در رابطه با کیفیت اجناس مبنی بر مشخصات تعیین شده در قرارداد مربوط میباشد.<br>همچنان: به خصوصیات، گواهینامه کیفیت، مشخصات دیزاین، ضمانت صریح، تفتیش، مقررات، تصدیق خود بخودی، مشخصات، مشخصات تخنیکی و لائحه وظایف مراجعه شود.   |
| <b>CERTIFICATE OF ORIGIN:</b> A document indicating the country of origin of goods being imported. It is usually issued by exporting countries, official authorities or by other agencies (e.g. chambers of commerce) designated by the governments.  | <b>گواهینامه اصل:</b> سند بیانگر کشور اصلی که اجناس از آن وارد میشود. این سند معمولاً توسط کشورهای صادرکننده، مقامات رسمی یا نماینده گی های دیگر (مثال: اطاق تجارت) تعیین شده توسط حکومت ها صادر میشود.   |
| <b>CERTIFICATE OF QUALITY:</b> A certificate issued by a supplier to the effect that the goods being supplied conform to the quality specifications agreed to in the contract. The certificate forms part of the invoice and other documents sent by the supplier to the procuring entity.<br><i>see also: Characteristics, Certificate of inspection, Design specification, Express warranty, Inspection, Provisioning, Self-certification, Specification, Technical specification, Terms of Reference</i> | <b>گواهینامه کیفیت:</b> عبارت از گواهینامه صادر شده توسط یک تهیه کننده با بیان این مطلب که اجناس تهیه شده در مطابقت با مشخصات کیفیتی موافقه شده در این قرارداد میباشد. این گواهینامه بخشی از صورت حساب و سایر اسناد فرستاده شده توسط تهیه کننده به اداره تدارکاتی را تشکیل میدهد.<br>همچنان: به خصوصیات، گواهینامه تفتیش، مشخصات دیزاین، بیان تضمین، تفتیش، احکام، تصدیق خود بخودی، مشخصات، مشخصات تخنیکی و لائحه وظایف مراجعه شود. |
| <b>CERTIFICATION BODY:</b> An independent and impartial body, governmental or non-governmental, possessing the necessary competence and reliability to operate a certification system, and in which the interests of all parties concerned with the functioning of the system are represented.<br><i>see also: Quality certification</i>  | <b>نهاد گواهی دهنده:</b> یک نهاد مستقل و بی طرف، دولتی یا غیر دولتی، دارای شایستگی ضروری و قابل اعتماد بودن را جهت به کاراندازی یک سیستم تصدیق که منافع تمام طرف های ذیربط در این سیستم را نمایندگی نماید.<br>همچنان: به تصدیق کیفیت مراجعه شود.  |
| <b>CFR:</b> <i>see Cost and freight</i>   | <b>مصرف کرایه کشتی CFR:</b> به مصرف و کرایه کشتی مراجعه شود.  |
| <b>CHANGE ORDER:</b> A written request by the procuring entity or the supplier indicating changes in his  | <b>تغییر حواله:</b> عبارت از یک درخواست تحریری توسط اداره تدارکاتی یا تهیه کننده بیانگر تغییرات ضروریات در مقایسه با آنهایکه در   |

|   |   |
|---|---|
| requirements compared to those specified in the contract. May involve renegotiation of the contract except when the contract contains a change clause that provides for options in regard to scope of work, quantity or quality of goods or delivery schedule.<br><i>see also: Buyer's option, Contract modification</i>  | قرارداد مشخص شده اند، میباشد. ایجاب مذاکره مجدد در قرارداد را به استثنای اینکه این قرارداد حاوی قسمتی باشد که در ارتباط به ساحه کار، کمیت، یا کیفیت اجناس یا جدول تحویلی باشد، نموده میتواند.<br>همچنان: به اختیار خریدار و تعدیل قرارداد مراجعه شود.   |
| <b>CHARACTERISTICS:</b> A performance quality characteristic of a material or product as to its physical, chemical or metallurgical property or performance index that is measurable or at least observable.<br><i>see also: Certificate of inspection list, Certificate of quality, Design specification, Express warranty, Inspection, Provisioning, Self-certification, Specification, Technical specification, Terms of Reference</i>                     | <b>خصوصیات:</b> عبارت از خصوصیت اجرائی کیفیت یک مواد یا تولید با راهنمای فزیک، کیمیاوی و یا اجرائی یا ملکیت وابسته به استخراج و ذوب که قابل اندازه گیری یا حد اقل قابل مشاهده باشد.<br>همچنان: به لست گواهینامه تفتیش، گواهینامه کیفیت، مشخصات دیزاین، بیان تضمین، تفتیش، تهیه، تصدیق خود بخودی، مشخصات، مشخصات تخنیک و لائحه وظایف مراجعه شود.   |
| <b>CHARTER:</b> Is the mercantile lease of hire of a carrier such as vessel, aircraft, etc., for carriage of cargo on terms and conditions specified in an agreement (called charter-party when an ocean going vessel is involved).   | <b>کرایه دریستی:</b> عبارت از کرایه گیری یا اجاره تجارتي یک انتقال دهنده مانند کشتی، هواپیما و غیره برای انتقال محموله تحت شرایط مشخص در موافقتنامه (بنام قرارداد اجاره زمانیکه یک کشتی راهی در بحر شامل باشد یاد نامیده شده) میباشد.   |
| <b>CHARTER PARTY:</b> A written contract whereby a ship-owner agrees to hire his ship (or aircraft) to a charterer (the hirer) for payment of an agreed sum of money. The charterer may enter into such a contract: (a) either to transport all or a part of his cargo from one specified port to another (voyage charter); or (b) the ship and the crew for a definite period, or (c) the ship, without the crew, for a definite period (bare boat charter). | <b>قرارداد کرایه کشتی:</b> عبارت از یک قرارداد تحریری، زمانیکه یک مالک کشتی موافقه مینماید تا کشتی خود (یا هواپیما) را به یک شخص کرایه گیر در مقابل یک مبلغ موافقه شده پول به کرایه بدهد. این کرایه گیرنده میتواند داخل یک قرارداد همچون: (الف) خواه ترانسپورت تمام و یا قسمتی از محموله خود را از یک بندر به بندر دیگر (کرایه گیری دریایی)؛ (ب) کشتی و خدمه آن برای یک مدت قطعی، یا (ج) کشتی، بدون خدمه آن، برای یک مدت معین (به کرایه گیری تنها کشتی) به کرایه بگیرد، میباشد. |
| <b>CHARTEREE:</b> One who leases a ship or a part of its cargo space for transporting goods. The charterer may himself be the owner of the goods or he may be an intermediary, a broker between the ship-owner and the owner of the cargo.  | <b>کرایه گیرنده:</b> کسی که یک کشتی یا قسمتی از خالیگاه محموله را برای انتقال اجناس خود به کرایه میگیرد. کرایه دهنده میتواند خود مالک اجناس باشد یا اومیتواند یک میانجی، یک فیصله کننده میان مالک کشتی و مالک محموله باشد.  |
| <b>CIF:</b> <i>see Cost, Insurance and freight</i>  | <b>مصارف بیمه و حمل پرداخت شده CIF:</b> به مصرف، بیمه و حمل مراجعه شود.   |
| <b>CIP:</b> <i>see Carriage and insurance paid to</i>   | <b>پرداخت انتقال و بیمه CIP:</b> به پرداخت انتقال و بیمه مراجعه شود.  |
| <b>CIRCULARS<sup>6</sup>:</b> Circulars or guidelines issued by the PPU under the provisions of the public procurement Law, Art.106(2).   | <b>متدالمالها<sup>6</sup>:</b> عبارت از رهنمود یا متحد المالهای صادر شده توسط واحد پالیسی تدارکات تحت احکام قانون تدارکات عامه، (فقره 2 ماده 106) میباشد.   |
| <b>CLASSIFICATION CLAUSE:</b> A clause in a cargo insurance contract which lays down the minimum class of vessel required to carry the insured goods. Use of a vessel below the specified class entails additional premium towards insurance.   | <b>جزء طبقه بندی:</b> جزئی از یک قرارداد بیمه که حداقل غرض لازم کشتی را جهت انتقال اجناس بیمه شده تعیین مینماید. استعمال یک کشتی پائین از کلاس مشخصه شامل وثیقه اضافی به جانب بیمه میشود.   |
| <b>CLEAN BILL OF LADING:</b> Is that bill of lading which does not carry any remarks as to indicate that goods received were not in apparent good order and condition. If the goods or packages are damaged or defective the master of the ship will put an endorsement to this effect on the bill of lading.<br><i>see also: Airway bill, Bill of lading (BOL), Waybill</i>  | <b>تصفیه حساب سند بارنامه:</b> عبارت از سندی میباشد که حاوی هیچ گونه تذکری، مانند اینکه اجناس دریافت شده، ظاهراً در حالت و شرایط خوبی نبودند، نمیشود. هرگاه اجناس یا بسته ها خساره مند یا خراب شده باشند، آمرکشتی یک ظهنویس یا تحریر تائیدی در پشت بارنامه را انجام خواهد داد.<br>همچنان: به بارنامه هوایی، سند بارگیری کشتی و بارنامه مراجعه شود.  |
| <b>CLEARANCE OF GOODS:</b> The procedures involved in clearing the goods received from abroad through customs.<br><i>see also: Bonded warehouse, In bond</i>  | <b>تصفیه حساب اجناس:</b> عبارت از طرز العمل های شامل در تصفیه حساب اجناس دریافتی از بیرون کشور از طریق گمرکات میباشد.<br>همچنان: به گدام تضمین شده و در تضمین مراجعه شود.   |
| <b>COERCIVE PRACTICE:</b> defines harming or threatening to   | <b>عمل اجباری:</b> عبارت از ضرر رسانیدن یا تهدید کردن به ضرر کردن،  |

<sup>6</sup> PPU/C005/1386, Art. 3(6)

|  |   |
|--|---|
| <p>harm, directly or indirectly, persons or their property to influence their participation in the procurement process or affect the execution of a contract.</p>  | <p>مستقیم یا غیرمستقیم به اشخاص یا به اموال آنها به منظور جلب اشتراک ایشان درپروژه تدارکاتی ای تحت تاثیر قراردادان اجرای یک قرارداد میباشد.</p>   |
| <p><b>COLLUSIVE BIDS/ OFFERS:</b> Bids/ offers by two or more bidders who have joined together to circumvent the intention of the procuring entity to secure competitiveness by submitting bids/ offers the terms and conditions of which are decided (and are therefore known to each) jointly even when these are submitted separately.<br/><i>see also: Competitive bidding</i></p>   | <p><b>آفرهای سازشی:</b> عبارت از آفرهای است که توسط دو یا بیشتر داوطلبانیکه با همدیگر یکجاشده و با فریب و حیلۀ خود اداره تدارکاتی را از حفاظت پروسه رقابتي با ارائه آفرهای خدعه آمیز خود باز داشته، حالات و شرایطی را که روی آن تصمیم گرفته شده است (وبین همدیگرشان معلوم است) با وجودیکه آفرها شان جداجدا تحویل داده شده اند، تحت تاثیر قرار بدهند.<br/>همچنان: به داوطلبی رقابتي مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>COLLUSIVE PRACTICE<sup>7</sup>:</b> defines a scheme or arrangement between two or more bidders, with or without the knowledge of the Purchaser, designed to establish bid prices at artificial, non-competitive levels.</p>   | <p><b>عملکرد سازشی<sup>7</sup>:</b> عبارت از روش یا ترتیبات میان دو یا بیشتر داوطلبان طرح شده با ویا بدون آگاهی خریدارمیباشد که قیمت های ساختگی خویش را، به گونه غیررقابتي تعیین نمایند.</p>  |
| <p><b>COMMODITY EXCHANGE:</b> Specialised markets in which titles to ownership of commodities are freely traded. Physical exchange of commodities in general does not take place, although samples of these may be examined. Many of the well organised exchanges now provide for both spot as well as futures trading. Bids/ offers for these commodities might not show prices but only the percentage of the surplus asked for by the bidders on top of the market price fixed on the day the contract comes into effect.<br/><i>see also: Futures, Spot purchase</i></p> | <p><b>تبادلۀ اجناس:</b> بازارهای مخصوصی میباشد که در آنها عناوین مالکیت اجناس آزادانه تجارت میشوند. تبادل فیزیکی اجناس به صورت عموم صورت نمیگیرد، اگرچه نمونه های از اینها آزمایش شده میتواند. بسیاری از تبدالات خوب تنظیم شده حالا برای هر دو نقطه همچنان تجارت آینده حکم میکند. آفرهای این امتعه ممکن نرخ ها را نشان ندهد اما صرف فیصدی اضافی تقاضا شده توسط داوطلبان به قیمت تعیین شده بازار درروزیکه قرارداد عقد میشود را نشان میدهد.<br/>همچنان: به آینده و خریداری مکان مراجعه شود.</p> |
| <p><b>COMMON-USE ITEMS:</b> Material that is often used by a number of users and fulfils certain standards set up. The term is generally used in the context of government procurement of such items as stationery, vehicles, typewriters, and other office equipment, machines or accessories.</p>  | <p><b>اقلام مورد استفاده عام:</b> عبارت از موادیکه مکرراً توسط یک تعداد از استفاده کننده ها مورد استفاده قرار گرفته و معیارات تعیین شده را تکمیل نماید، میباشد. این شیوه عموماً در زمینه تدارکات اقلام دولتی مانند قرطاسیه باب، وسایط نقلیه، ماشین های تایپستی، وسایر لوازم دفتر، ماشین آلات و یا غیره میباشد.</p>  |
| <p><b>COMPATIBILITY:</b> The suitability of products or systems to be used together under specified conditions to fulfil the relevant requirements without causing unacceptable interactions.</p>  | <p><b>مطابقت یا سازگاری:</b> مناسبیت تولیدات یا سیستم هاییکه یکجا تحت شرایط مشخص، جهت تکمیل نمودن ضروریات مربوطه بدون سبب شدن تعاملات غیر قابل قبول مورد استفاده قرار میگیرند.</p>  |
| <p><b>COMPENSATION TRADE:</b> <i>see Buy back</i></p>  | <p><b>تجارت قابل جبران:</b> به پس خرید مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>COMPETITIVE BIDDING:</b> If responsive bids were received by the procuring entity in response to an invitation to bid in cases of open tender (open to everyone) or restricted tender (open to a selected number of bidders) and where there is no evidence that the bidders have had a secret understanding.<br/><i>see also: Collusive bids/ offers, Bid, Offer</i></p>  | <p><b>مناقصه یا داوطلبی رقابتي:</b> هرگاه آفرهای جوابگو توسط اداره تدارکاتی در جواب به یک دعوت به مناقصه با استفاده از روش مناقصه باز (باز برای همگان) یا مناقصه مقید (باز برای یک تعداد داوطلبان انتخاب شده) دریافت شده و در صورتیکه هیچ مدرکی دال بر اینکه داوطلبان کدام تفاهم پنهانی نداشته اند، دریافت شود.<br/>همچنان: به آفرهای سازشی، و آفر مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>COMPOSITE PRICE INDEX:</b> Weighted average of the price indexes for major inputs entering into the composition of a finished item of procurement. Sometimes incorporated and made use of in a contract as a basis for price revision.<br/><i>see also: Price Revision</i></p>   | <p><b>راهنمای جمع آوری نرخ ها:</b> عبارت از راهنمای اوسط سنگین قیمت برای نرخ های عمده داخل شونده در ترکیب یک قلم یا مواد تمام شده تدارکات میباشد. بعضی اوقات یکجا و در یک قرارداد منحصراً در تجدید نظر قیمت استفاده میشود.<br/>همچنان: به تجدید نظر در قیمت مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>CONCEALED DAMAGE:</b> Damage which is not apparent at the time of delivery and is discovered only after a package has been opened and the contents examined.</p>   | <p><b>خساره پنهان شده:</b> خساره ایکه در هنگام تحویلی آشکارا نبوده و صرف بعد از اینکه بسته باز شد و محتویات آن مورد آزمایش قرار گرفت، کشف میگردد.</p>   |
| <p><b>CONCEALED DISCOUNT:</b> Discount not in the form of a straight percentage deduction on list price but in some other form with the same effect on procuring entity's</p>  | <p><b>تخفیف لغو شده:</b> عبارت از تخفیفیکه به شکل فیصدی مستقیم درلست قیمت گذاری نبوده مگر به اشکال دیگر با عین تاثیر بالای قیمت خالص اداره تدارکاتی، به گونه مثال: اعتبار برای 90 روز (مانند پرداخت</p>   |

<sup>7</sup> World Bank defin

|  |  |
|--|--|
| <p>net price, e.g. 90 days credit (i.e. payment to be made after 90 days of delivery).<br/>see also: <i>Discount, Cash discount, Quantity discount, Trade discount</i></p>   | <p>صورت گرفته بعد از 90 روز از تحویلی) میباشد.<br/>همچنان: به تخفیف، تخفیف پول نقد، تخفیف در مقدار و تخفیف تجارتي مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>CONFIRMED LETTER OF CREDIT:</b> A letter of credit in which the bank guarantees payment to the beneficiary after all conditions mentioned therein are fulfilled.<br/>see also: <i>Letter of credit (L/C), List price, Price discrimination, Rebate</i></p>   | <p><b>اعتبارنامه تانید شده:</b> عبارت از اعتبارنامه ای که در آن بانک پرداخت به شخصی را که به وی تادیه صورت میگیرد، بعد از اینکه تمام شرایط ذکر شده تکمیل شود، را تضمین مینماید.<br/>همچنان: اعتبارنامه (L/C)، لست نرخ ها، تفکیک و کاهش قیمت مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>CONFLICT OF INTEREST:</b> A situation where personal or business interests of a party could affect the outcomes of a business transaction through the non-declaration of that interest. For example bidders should never be involved in the preparation of bidding documents or evaluation of the same tender.</p>   | <p><b>تضاد منافع:</b> عبارت از حالاتی میباشد که منافع شخصی تجارتي یکی از جوانب ذیدخل را در نتایج معاملات تجارتي به نسبت عدم اظهار همچون منافع، تحت تاثیر قرار میدهد. به طور مثال داوطلبان هرگز نباید در تهیه شرطنامه یکسان یا ارزیابی عین پروسه داوطلبی شامل باشد.</p>   |
| <p><b>CONSIGNEE:</b> A person or a firm in whose name the goods are shipped by the supplier. The consignee may be the procuring entity of the goods, an agent of the supplier (if the goods are intended to be stocked for eventual sale), etc. The consignee referred to in a bill of lading is, therefore, entitled to take delivery of goods on arrival.<br/>see also: <i>Consignor</i></p>   | <p><b>گیرنده بار (Consignee):</b> شخص یا نهادیکه اجناس عنوانی وی ارسال میشود. شخص مذکور میتواند خود اداره تدارکاتی اجناس، یک نماینده تهیه کننده (در صورتیکه اجناس به مقصد ذخیره شدن برای فروشات تدریجی)، و غیره بوده باشد. گیرنده بار ذکر شده در بارنامه، به همین خاطر مسؤلیت تحویلگیری اجناس را بعد رسیدن آن بر عهده میگیرد.<br/>همچنان: به فرستنده اجناس مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>CONSIGNMENT:</b> Goods shipped to a consignee in terms of a sales contract or for future sale or other purpose (in the latter case the title remaining with the shipper/consignor).</p>  | <p><b>ارسال:</b> عبارت از اجناسیکه عنوانی یک گیرنده بار به مقصد یک قرارداد فروش یا برای فروش آینده و یا به مقاصد دیگر (بعدتر این عنوان با انتقالدهنده یا فرستنده باقی میماند) فرستاده میشود.</p>   |
| <p><b>CONSIGNOR:</b> The supplier who ships the goods to be delivered to the party named by him on the bill of lading.<br/>see also: <i>Consignee</i></p>  | <p><b>فرستنده اجناس:</b> تهیه کننده ای که اجناس را به قصد تحویلی به شخصیکه نام او را در بارنامه کشتی خود ذکر نموده است، می فرستد.<br/>همچنان: به گیرنده بار مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>CONSIST:</b> A complete (itemised) list (one for each wagon) of goods carried by a train; consist is similar to a manifest for goods shipped by a vessel.<br/>see also: <i>Manifest</i></p>  | <p><b>شامل بودن:</b> عبارت از یک لست مکمل (با جزئیات) یک یک (برای هر یک واگن) اجناسیکه توسط یک قطار انتقال داده میشود، میباشد؛ شامل بودن مانند یک اظهارنامه اجناسیکه توسط یک کشتی انتقال داده میشود، میباشد.<br/>همچنان: به اظهارنامه مراجعه شود</p>   |
| <p><b>CONSTRUCTION TOTAL LOSS:</b> A claim of a total loss on a marine insurance policy either because: (a) the property has been lost and recovery is unlikely; or (b) an actual total loss appears to be unavoidable; or (c) expenses involved in preventing an actual total loss would exceed the saved value of the property. To establish a claim for constructive total loss the assured must give a notice of abandonment to the underwriters.<br/>see also: <i>Abandonment</i></p> | <p><b>خساره مجموعی ساختمانی:</b> عبارت از ادعای حقوق در مورد یک خساره مجموعی دریکی پالیسی بیمه کشتی خواه به خاطر اینکه: (الف) اموال مفقود گردیده و پیدا کردن آن ممکن به نظر نمی رسد؛ (ب) یک خساره واقعی مجموعی آشکارا بوده که غیرقابل اجتناب است؛ یا (ج) مصارف شامل در جلوگیری از یک خساره واقعی مجموعی باعث ازدیاد در ارزش اموال حفظ شده میگردد. جهت ایجاد ادعای حقوق برای خساره مجموعی ساختمانی بیمه شده باید یک آگهی واگذاری به تعهد کننده داده شود.<br/>همچنان: به واگذاری مراجعه شود.</p> |
| <p><b>CONSULAR INVOICE:</b> An invoice (or a prescribed form) made out by the shipper in the presence of a consular representative of the importer's country and/ or to be attested by him giving information as to consignor, consignee, value description, etc., of a shipment being imported. The object is to ensure that goods are not banned and also facilitate imposition of import duties.</p>  | <p><b>صورت حساب مهر شده توسط قونصولگر:</b> عبارت از یک صورت حساب (یا فورمه معینه) آماده شده توسط انتقالدهنده میباشد که در حضور داشت یک قونصولگر کشور مربوطه وارد کننده ارائه شده و یا بآدمان معلومات به فرستنده توسط وی، گیرنده بار، توضیح ارزش، و غیره از یک محموله وارد شونده، تصدیق می شود. موضوع به هدف از آن حصول اطمینان از اینکه اجناس معطل نشده و همچنان جهت سهولت در وضع نمودن مسؤلیت های وارداتی میباشد.</p>   |
| <p><b>CONSULTANTS' SERVICES<sup>8</sup>:</b> Activities of a professional,</p>   | <p><b>خدمات مشورتی<sup>8</sup>:</b> عبارت از فعالیت های دارای ماهیت مسلکی،</p>   |

|  |  |
|--|--|
| <p>intellectual, and advisory nature that do not lead to a measurable physical output. Provision of materials and goods or works shall be an exception to this rule, except when the works are of an informational nature. They include design, supervision, training, auditing software development, expert proposals and advice, and similar technical or professional services.</p>   | <p>ذهنی، و مشورتی بوده که منجر به انجام کار قابل اندازه گیری فیزیکی نشود، میباشد. امور مربوط به تهیه اموال واجناس اجرای امور ساختمانی از این امر مستثنی می باشد مگر اینکه امور مربوط جنبه معلوماتی داشته باشد. خدمات مشورتی شامل طرح (دیزاین)، نظارت، آموزش، بررسی (تفتیش)، ایجاد نرم افزار (پروگرام های کمپیوتری)، نظریات و پیشنهادات متخصصین، و خدمات مشابه تخنیکی و مسلکی می باشد.</p>  |
| <p><b>CONSUMABLE MATERIAL:</b> <i>see Expendable material</i></p>  | <p><b>مواد مصرف شدنی:</b> به مواد قابل مصرف مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>CONTAINER:</b> A generic term used to describe any form of pack or receptacle containing goods, liquid or solid. However, in the context of marine transportation of goods it refers to special or specific type of steel receptacle. For facilitating their use universally, the International Organisation for Standardisation (ISO) has laid down their dimensional standards.</p>  | <p><b>محتوی (کانتینر):</b> عبارت از یک اصطلاح کلی جهت توضیح هرگونه شکل بسته بندی یا اجناس مربوطه شامل، که خواه به شکل مایع یا جامد، میباشد. به هر حال، در زمینه نقلات اجناس از طریق کشتی به معنی نوع خاص یا مشخص ظرف فولادی میباشد. برای سهولت استفاده جهانی آنها، موسسات بین المللی جهت معیاری سازی (ISO) معیارات ابعادی شان را جا گذاری نموده اند.</p>   |
| <p><b>CONTENT NOTE:</b> A statement attached to a package, listing the items enclosed in that particular package.</p>  | <p><b>یادداشت محتویات:</b> عبارت از ابلاغیه ضمیمه شده به یک بسته، که حاوی لست اقلامیکه در آن بسته مخصوص قرار داده شده اند، میباشد.</p>   |
| <p><b>CONTRACT:</b> <i>see Procurement contract</i></p>  | <p><b>قرارداد:</b> به قرارداد تدارکات مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>CONTRACT, COST-PLUS-A-FIXED-FEE:</b> A contract which provides reimbursement of cost of materials used in fabrication of equipment and/ or construction of plant and/ or specific costs of services (for example travel costs) on an actual basis plus a fixed (amount) fee for the supplier, the fee bearing no relationship to the cost of materials or services.</p>  | <p><b>قرارداد، قیمت - جمع - یک - فیس - معین:</b> عبارت از قراردادی میباشد که برای جبران نمودن مصرف مواد استفاده شده در ساخت لوازم و یا ایجاد یک کارخانه و یا مصارف مشخص خدمات (برای مثال سفریه یا مصارف سفر) بر مبنای یک واقعبیت جمع یک فیس معین (مبلغ) برای تهیه کننده، فیسیکه هیچ ارتباطی با مصرف مواد یا خدمات نداشته، میباشد.</p>  |
| <p><b>CONTRACT, COST-PLUS-A-PERCENTAGE-OF-COST:</b> A contract in which a fee is set at a specified percentage of the supplier's actual cost of accomplishing the work.</p>  | <p><b>قرارداد، قیمت - جمع - یک - فیصدی - مصرف:</b> عبارت از یک قراردادی که در آن یک فیس به شکل فیصدی مشخص مصرف واقعی اجرای کار تهیه کننده تعیین میشود.</p>   |
| <p><b>CONTRACT, COST-PLUS-INCENTIVE-FEE:</b> A cost reimbursement type of contract for a construction of a turnkey project where the supplier's fee is linked to the actual costs in relation to the estimated or the target cost so that there is an incentive for the supplier for cost reduction.</p>   | <p><b>قرارداد، قیمت - جمع - فیس - مشوق آغاز:</b> عبارت از یک نوع مصرف قابل جبران قرارداد برای ساختن یک پروژه زندانبان (ترن کی) که در آن فیس تهیه کننده با مصارف واقعی تخمینی یا مورد هدف به گونه ای که مشوقی برای تهیه کننده جهت تخفیف دادن قیمت هایش وجود دارد، ارتباط داده میشود.</p>  |
| <p><b>CONTRACT DOCUMENTS:</b> Is a set of documents that are derived from contract and now convey the meaning of the agreement between the procuring entity and the supplier in such a way as to minimise misunderstanding. They could include: (a) the instrument of the contract - the actual document signed by both parties; (b) general conditions of contract; (c) special conditions of contract; (d) specifications/ terms of reference/ drawings/ bills of quantities/ time tables/ schedules of rates/ terms of delivery/ etc.; (e) copies of any relevant meeting minutes or letters which have been exchanged; (f) curricula vitae of staff selected to carry out the activities; and (g) specimen of bonds.</p> | <p><b>اسناد قرارداد:</b> عبارت از مجموعه اسنادیکه از قرارداد گرفته شده و حالا به معنی موافقتنامه میان اداره تدارکاتی و تهیه کننده به گونه ای که غلط فهمی میان جانبین را کم نماید. این اسناد شامل: (الف) سند قرارداد - سند واقعی امضا شده توسط جانبین؛ (ب) شرایط عمومی قرارداد؛ (ج) شرایط خاص قرارداد؛ (د) مشخصات یا لائحة وظایف، ترسیمات، سند کمیت، جدول های زمانی، جدول نرخ، شرایط تحویلی و غیره؛ (ه) کاپی های از رویدادهای هرگونه جلسه مربوطه یا مکاتبات رد و بدل شده؛ (و) سوانح مختصر کارمندان انتخاب شده جهت پیشبرد فعالیت ها؛ و (ز) نمونه از تعهدنامه ها شده میتواند.</p> |
| <p><b>CONTRACT, FIR/ FIXED PRICE:</b> A contract that provides for a fixed price not subject to any adjustment on account of cost increases that a supplier may experience in the course of execution of the contract.</p>   | <p><b>قرارداد، قیمت معین:</b> عبارت از قراردادی میباشد که بالای یک قیمت معین توافق صورت میگیرد که هیچ گونه تعدیل در رابطه با ازدیاد مصارف تهیه کننده که ممکن در جریان اجرای قرارداد به آن روبرو شود، قابل پذیرش نخواهد بود.</p>  |
| <p><b>CONTRACT, FIXED-PRICE WITH REVISION:</b> Is a variation of a fixed-price type of contract which provides for the upward or downward changes in prices of specified materials and/ or of labour costs.</p>  | <p><b>قرارداد، قیمت معین با تجدید نظر:</b> عبارت از نوع قراردادی میباشد که روی قیمت معین توافق صورت میگیرد تا در صورت تغییرات مثل پائین یا بلند رفتن قیم مواد مشخص و یا مصارف کارگر مورد ملاحظه قرار گرفته میتواند.</p>  |

|  |  |
|--|--|
| <p><b>CONTRACT MODIFICATION:</b> Any change in the provision of any one or more of the terms and conditions of a contract, proposed by one party and carried out with the agreement of the other party. Legally a modification in a contract amounts to agreeing to a new contract unless the intended modifications are provided for in the contract, e.g. plus/ minus option on quantities, lot sizes, etc.<br/><i>see also: Buyer's option, Change order</i></p>  | <p><b>تعدیل قرارداد:</b> عبارت از هرگونه تغییر یا تعدیل در یک یا بیشتر مقررات و شرایط یک قرارداد که توسط یکی از جانبین پیشنهاد شده، و توسط جانب دیگر موافقه شود، میباشد. یک تعدیل قانونی در یک قرارداد منجر به موافقه یک قرارداد جدید شده میتواند مگر اینکه تعدیلات مذکور در قرارداد درج شده باشد، به طور مثال، اختیارات کم یا زیاد نمودن در کمیت ها، مقدار حصه، و غیره.<br/>همچنان: به اختیار خریدار و تغییر فرمایش خریداری مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>CONTRACT PERIOD:</b> An arrangement for the supply of goods or services established for a fixed period of time.</p>  | <p><b>میعاد قرارداد:</b> عبارت از ترتیباتی که جهت تهیه اجناس یا خدمات برای یک مدت معین گرفته شود، میباشد.</p>  |
| <p><b>CONTRACTING AUTHORITY:</b> The legal entity requesting and buying goods, works or services through contracts and -in most cases- in return pay for these.<br/><i>see also: Procuring entity</i></p>  | <p><b>مقامات عقد کننده قرارداد:</b> نهاد هائیکه خریداری و یادخواست قانونی برای اجناس، امور ساختمانی یا خدمات از طریق قراردادها نموده و - در بسیاری از قضایا- برای اینها می پردازند.<br/>همچنان: به اداره تدارکاتی مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>CONTRACTOR<sup>9</sup>:</b> A person under contract with a procuring entity to supply, according to the context, goods, works or services.<br/><i>see also: Contractor, prime, Subcontractor</i></p>   | <p><b>متعهد (قراردادی)<sup>9</sup>:</b> شخصی است که در مورد تهیه اجناس، تدارک خدمات و امور ساختمانی با اداره تدارکاتی عقد قرارداد مینماید.<br/>همچنان: به متعهد، آغاز و قرارداد فرعی مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>CONTRACTOR, PRIME:</b> In a large project contract involving supply of materials, machinery, equipment, construction works etc. a procuring entity may prefer to appoint a prime contractor who may sub-contract parts of supplies, or fabrication of machinery to other sub-contractors, with overall responsibility of project execution remaining with the prime contractor.<br/><i>see also: Contractor, Subcontractor</i></p>   | <p><b>متعهد (قراردادی)، آغاز:</b> در یک قرارداد پروژه بزرگ شامل تهیه مواد، ماشین آلات، لوازم، امور ساختمانی و غیره، اداره تدارکاتی میتواند ترجیح دهد تا یک قراردادی اصلی را که اونیز میتواند قسمت های از امکانات، یا ساخت ماشین آلات را، با پذیرفتن مسولیت های کلی اجرای پروژه برعهده خود، به قراردادی های فرعی عقد قرارداد نماید.<br/>همچنان: به قراردادی، و قراردادی فرعی مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>CONTRACT SCHEDULING:</b> Is a systems approach to help monitor contract implementation particularly useful for contracts for large projects where different activities have to be carried out in a sequence within a time frame and where delay in the completion of one segment of project is likely to delay the execution of the whole project.<br/><i>see also: Expedite, Follow-up</i></p>  | <p><b>جدول بندی قرارداد:</b> عبارت از سیستم دسترسی به کمک جهت بررسی اجرای قرارداد به خصوص مفید برای قرارداد های پروژه های بزرگ ضرورت به فعالیت های مختلف به تعقیب در یک چهارچوب زمانی دارند که هرگاه گمان برده شود که در تکمیل قسمتی از پروژه یا در اجرای تمام پروژه تاخیر صورت گرفته است، میباشد.<br/>همچنان: به تسریع و پی گیری کردن مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>CORRUPT PRACTICE<sup>10</sup>:</b> defines the offering, giving, receiving, or soliciting, directly or indirectly, of anything of value to influence the action of a public official in the procurement process or in contract execution.</p>  | <p><b>عمل آغشته با فساد<sup>10</sup>:</b> عبارت از پیشکش، دادن، دریافت کردن، یا درخواست کردن، مستقیم یا غیر مستقیم هر چیز با ارزشیکه وظیفه یک کارمند رسمی را در پروسه تدارکات یا در اجرای قرارداد تحت تاثیر قرار بدهد، میباشد.</p>   |
| <p><b>COST ESTIMATE:</b> A cost estimate prepared by the technical and commercial departments of the procuring entity for goods, works or services which provides a bench mark or a basis for evaluation and/ or negotiations when bids/ offers are received from bidders. It also serves as an instrument of project planning and budgeting.</p>  | <p><b>برآورد تخمینی قیمت:</b> عبارت از یک برآورد ابتدائی که توسط ریاست های تکنیکی و تجارتي اداره تدارکاتی جهت تهیه اجناس، تدارک امور ساختمانی یا خدمات مبنی بر ارزیابی و یا مذاکرات در هنگام دریافت آفرها از داوطلبان صورت میگردد، میباشد. این برآورد همچنان منبث سند پلان گذاری و تخصیص بودجه نیز بکار میرود.</p>   |
| <p><b>COST AND FREIGHT (CFR):</b> INCOTERM, defines that the supplier must pay the costs and freight necessary to bring the goods to the named port of destination but the risk of loss of or damage to the goods, as well as any additional costs due to events occurring after the time the goods have been delivered on board the vessel, is transferred from the supplier to the procuring entity when the goods pass the ship's rail in the port of shipment. The CFR term requires the supplier to clear</p> | <p><b>کرایه و مصرف (CFR):</b> شرایط بین المللی تجارت (اینکوترم)، واضح میسازد که تهیه کننده باید مصارف و کرایه های ضروری برای انتقال اجناس به محل نامگذاری شده را بپردازد اما خطر زیان یا خساره به اجناس، و همچنان تمام مصارفی را که در اثرو قایع بعد از زمانی که اجناس در بندر کشتی تحویل داده شد، و قتی که این اجناس از قطار کشتی ها در بندر حمل و نقل میگردد مسولیت پرداخت آنها از تهیه کننده به اداره تدارکاتی انتقال میابد. این شرایط کرایه و مصرف تهیه کننده را و ادار میسازد تا تصفیه حساب اجناس برای صدور را انجام دهد. این شرایط صرف برای انتقالات دریایی وزمینی استفاده</p> |

9 PPL, Art.3 (6)

<sup>10</sup> World Bank definition.

|   |   |
|---|---|
| <p>the goods for export. This term can only be used for sea and inland waterway transport. When the ship's rail serves no practical purpose, such as in the case of roll-on/ roll-off or container traffic the CPT term is more appropriate to use.<br/><i>see also: Incoterms</i></p>  | <p>شده میتواند. زمانیکه قطار کشتی به هدف عملی، مثلاً در صورت لول خوردن یا ازدحام کانتینر شرایط کرایه حمل پرداخت شده (CPT) برای استفاده بسیار مناسب میباشد.<br/>همچنان: به شرایط بین المللی تجارت مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>COST, INSURANCE AND FREIGHT (CIF):</b> INCOTERM, defines that the supplier has the same obligations as under CFR but with the addition that he has to procure marine insurance against the procuring entity risk of loss of or damage to the goods during the carriage. The supplier contracts for insurance and pays the insurance premium. The procuring entity should note that under the CIF term the supplier is only required to obtain insurance on minimum coverage. The CIF term requires the supplier to clear the goods for export. This term can only be used for sea and inland waterway transport. When the ship's rail serves no practical purposes such as in the case of roll-on/ roll-off or container traffic, the CIP term is more appropriate to use.<br/><i>see also: Incoterms</i></p> | <p><b>مصارف حمل ونقل و بیمه پرداخت شده (CIF):</b> شرایط بین المللی تجارت (اینکوترم)، واضح میسازد که تهیه کننده عین مکلفیت ها را تحت قرارداد مصرف، بیمه و کرایه خواهد داشت اما به علاوه آن او باید بیمه دریایی در مقابل خطر زیان یا خساره اجناس در جریان انتقال را برای اداره تدارکاتی نیز تهیه نماید. تهیه کننده برای بیمه قرارداد نموده و وثیقه بیمه را نیز خواهد پرداخت. اداره تدارکاتی باید یادداشت نماید که تحت شرایط قرارداد مصرف، بیمه و کرایه، تهیه کننده صرف مکلف به بدست آوردن پوشش حد اقل بیمه میباشد. این قرارداد مصرف، بیمه و کرایه، تهیه کننده را وادار به تصفیه حساب اجناس صادراتی مینماید. این شرایط صرف برای انتقالات دریایی وزمینی استفاده شده میتواند. وقتیکه قطار کشتی اهداف مانند حوادث لول خوردن یا چپ شدن یا ازدحام کانتینر را نداشته باشد، شرایط قرارداد CIP برای استفاده بسیار مناسب به نظر می رسد.<br/>همچنان: به شرایط بین المللی تجارت مراجعه شود.</p> |
| <p><b>COUNTER OFFER:</b> Is the acceptance of a bidder's offer by the procuring entity but with modification in one or more terms and conditions of offer. In legal terms it amounts to a new proposal to the bidder which will be construed as contract only if he accepts the revised proposal of the procuring entity without any qualifications.<br/><i>see also: Acceptance of bid/ offer</i></p>  | <p><b>آفر معکوس:</b> عبارت از قبولی آفردا و طلب توسط اداره تدارکاتی اما با تعدیل در یک یا بیشتر شرایط آن میباشد. در اصطلاح قانونی این امر منجر به یک پیشنهاد جدید به داوطلب که صرف منحیث یک قرارداد در صورتیکه وی پیشنهاد تجدید نظر شده توسط اداره تدارکاتی را بدون کدام خصوصیات بپذیرد، تعبیر خواهد شد.<br/>همچنان: به قبولی آفر مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>COUNTER-TRADE:</b> A trade arrangement in which import obligations are generally cleared in goods without the use of monetary and banking instruments of exchange in whole or part of the transaction.</p>  | <p><b>تجارت معکوس:</b> عبارت از یک ترتیبات تجارتي که در آن مکلفیت های وارداتی عموماً در اجناس بدون استفاده از وجوه پولی و اسناد بانکی تبادل به صورت عمومی یا قسمی معاملات تصفیه میشود.</p>  |
| <p><b>CPT:</b> <i>see Carriage paid to</i></p>  | <p><b>کرایه حمل پرداخت شده CPT:</b> به کرایه حمل پرداخت شده مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>CURRENCY<sup>11</sup>:</b> means the Afghani (AFN).</p>   | <p><b>اسعار<sup>11</sup>:</b> عبارت از واحد پولی افغانی میباشد.</p>   |
| <p><b>CUSTOMS CLEARANCE:</b> <i>see Clearance of goods</i></p>  | <p><b>تصفیه حساب گمرکی:</b> به تصفیه حساب اجناس مراجعه شود</p>  |
| <p><b>CUSTOMS DUTIES:</b> Taxes levied upon goods on entry into (import, duties) or exit from (export duties) the country.<br/><i>see also: Bill of entry, Customs tariff, Import duties</i></p>  | <p><b>مکلفیت های پرداخت گمرکی:</b> مالیات وضع شده بالای اجناس وارداتی (مسئولیت ها، واردات) یا خروج از (مسئولیت های صادراتی) کشور میباشد.<br/>همچنان: به سند ورود، تعرفه های گمرکاتی و مسئولیت های وارداتی مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>CUSTOMS TARIFF:</b> Schedules or rates of customs duties laid down for different goods imported or exported from the country. Schedules of duties for imports and exports are usually issued separately or as two sections in the same document.<br/><i>see also: Bill of entry, Customs duties, Import duties</i></p>  | <p><b>تعرفه گمرکی:</b> عبارت از جدول ها یا نرخ پرداخت های گمرکاتی تعیین شده برای اجناس مختلف وارداتی یا صادراتی از کشور میباشد. جدول های پرداخت وارداتی و صادراتی معمولاً طور جداگانه یا به دو قسمت در عین سند صادر میشوند.<br/>همچنان: به سند ورود، مکلفیت های پرداخت گمرکی و وارداتی مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>D</b></p>   |   |
| <p><b>DAF:</b> <i>see Delivered at frontier</i></p>   | <p><b>تحویلی در مرز DAF:</b> به تحویلی در مرز مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>DANGEROUS/ HAZARDOUS GOODS:</b> Any cargo which</p>   | <p><b>اجناس خطرناک یا پرخطر:</b> عبارت از هر آن محموله ای که تحت شرایط</p>  |

<sup>11</sup> PPU/C005/1386, Art. 3(9)



|  |   |
|--|---|
| <p>under normal conditions of transportation can pose an unreasonable risk to health and safety of crew, other cargo and the ship, aircraft, etc. This includes goods classified as explosive, flammable, corrosive, combustible, oxidative, poisonous, compressed gases, toxics, unduly magnetised, biological and radiological, and substances associated therewith.</p>   | <p>نورمال حمل و نقل، یک خطر غیرموجه و مضر به صحت و سلامتی راننده کشتی، سایر محموله و کشتی، هواپیما و غیره را مطرح کرده بتواند. این موضوع شامل اجناس دسته بندی شده مثل وسایل منفجر شونده، قابل اشتعال، فاسد شونده، قابل احتراق، اکسیجنی، زهری، گازهای به هم فشار داده شده، سمی، بیهوده مقناطیسی شده، بیولوژیکی و رادیولوژیکی، و مواد آلوده شده میباشد.</p>   |
| <p><b>DDP:</b> <i>see Delivered duty paid</i></p>  | <p><b>تحویل پس از پرداخت حقوق گمرکی (DDP):</b> به تحویلی پس از پرداخت مکلفیت های گمرکی مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>DDU:</b> <i>see Delivered duty unpaid</i></p>  | <p><b>تحویل پس از پرداخت حقوق گمرکی (DDU):</b> به تحویلی بدون پرداخت مکلفیت های گمرکی مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>DEAD STORAGE:</b> Goods stored which are not likely to be used for a long period of time.</p>  | <p><b>ذخیره طولانی:</b> ذخیره اجناس برای مدت زمان طولانی که استفاده از آنها در آن مدت زیاد محسوس نباشد.</p>   |
| <p><b>DECLARED VALUATION:</b> Is the valuation placed on a consignment of goods before being delivered to a carrier.</p>   | <p><b>ارزش اعلان شده:</b> عبارت از بهای میباشد که قبل از تحویلی به انتقال دهنده در محموله جاگذاری شده است.</p>  |
| <p><b>DEFAULT:</b> Failure of a supplier or a procuring entity to comply with any one or more of the terms and conditions of a contract.<br/><i>see also: Breach of contract</i></p>   | <p><b>قصور:</b> ناکامی تهیه کننده یا یک اداره تدارکاتی جهت اجراء در مطابقت با یک یا بیشتر حالات و شرایط قرارداد میباشد.<br/>همچنان: به نقض قرارداد مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>DEFICIENT MATERIAL:</b> Material found to be not conforming to the specifications as to design and quality and, therefore, not fit for the intended use.<br/><i>see also: Technical specification</i></p>  | <p><b>مواد ناقص:</b> عبارت از موادی میباشد که در هنگام دریافت در مطابقت با مشخصات و کیفیت طرح شده نبوده، و از اینرو برای استفاده مقصود مناسب به نظر نمی رسد.<br/>همچنان: به مشخصات تخنیکی مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>DELIVERED AT FRONTIER (DAF):</b> INCOTERM, defines that the supplier fulfils his obligation to deliver when the goods have been made available and cleared for export, at the named point and place at the frontier, but before the customs border of the adjoining country. The term frontier may be used for any frontier including that of the country of export. Therefore, it is of vital importance that the frontier in question be defined precisely by always naming the point and place in the term. The term is primarily intended to be used when goods are to be carried by rail or road, but it may be used for any mode of transport.<br/><i>see also: Incoterms</i></p>  | <p><b>تحویل در مرز:</b> شرایط بین المللی تجارت (اینکوترم) واضح میسازد که تهیه کننده مکلفیت های خویش در قبالت تصفیه تحویلی اجناس، زمانیکه قابل دسترس و آماده برای صدور به نقطه یا محل تعیین شده در سرحد باشد، اما در مقابل سرحد گمرکی کشوری که به آن مواصلت میورزد، را تکمیل مینماید. اصطلاح سرحد برای هر نوع سرحد به شمول سرحد کشوری که صادرات صورت میگیرد، استفاده شده میتواند. به همین منظور، این بسیار مهم است که سرحد مورد نظر به صورت دقیق با علاوه نمودن نام نقطه یا محلی که به آن انتقال میابد، واضح ساخته شود. این اصطلاح نخست از همه برای انتقال اجناس از طریق قطار یا سربک قابل استفاده بوده، اما برای تمام راه های انتقالی استفاده شده میتواند.<br/>همچنان: به شرایط بین المللی تجارت مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>DELIVERED DUTY PAID (DDP):</b> INCOTERM, defines that the supplier fulfils his obligation to deliver when the goods have been made available at the named place in the country of importation. The supplier has to bear the risks and costs, including duties, taxes and other charges of delivering the goods thereto, cleared for importation. Whilst the EXW term represents the minimum obligation for the supplier; DDP represents the maximum obligation. This term should not be used if the supplier is unable directly or indirectly to obtain the import licence. If the parties wish the procuring entity to clear the goods for importation and to pay the duty, the term DDU should be used. If the parties wish to exclude from the supplier's obligations some of the costs payable upon importation of the goods (such as value added tax (VAT)), this should be made clear by adding words to this effect: Delivered duty paid, VAT unpaid [name place of destination]. This term may be used irrespective of the mode of transport.<br/><i>see also: Incoterms</i></p> | <p><b>تحویل پس از پرداخت حقوق گمرکی:</b> شرایط بین المللی تجارت واضح میسازد که تهیه کننده باید مکلفیت های خویش در قبالت تحویلی اجناس را، و قتی که در محل معینه در کشور وارد شونده در دسترس قرار میگیرد، تکمیل نماید. تهیه کننده باید تمام خطرات و مصارف مانند پرداخت های گمرکی، مالیات سایر پرداخت های قابل تادیه از آنجا برعهده گرفته برای وارد شدن تصفیه نماید. در حالیکه شرایط تحویلی در محل کار (EXW) حد اقل مسؤلیت هارا بالای تهیه کننده تعیین مینماید؛ تحویل پس از پرداخت حقوق گمرکی (DDP) حد اکثر مسؤلیت ها را به وی تعیین میکند. در صورتیکه تهیه کننده توانایی بدست آوردن لیسنس یا اجازه نامه وارداتی را نداشته باشد، این اصطلاح نباید استفاده شود. هرگاه جانبین خواهان این باشند که اداره تدارکاتی باید اجناس وارداتی را تصفیه نموده و مکلفیت پرداخت هارا برعهده بگیرد، اصطلاح DDU یا تحویلی بدون پرداخت حقوق گمرکی باید بکار برده شود. اگر جانبین خواهان خارج ساختن بعضی از مصارف قابل پرداخت بعد از ورود اجناس از سرجمع مکلفیت های تهیه کننده (مانند ارزش اضافه شده به مالیات (VAT) باشند، این موضوع باید باهمچو عبارات: تحویلی با پذیرش پرداخت مکلفیت های پرداخت گمرکی، VAT بدون پرداخت { نام جای یا مقصد}، واضح ساخته شود. این اصطلاح بدون در نظر داشت شیوه انتقالی استفاده شده میتواند.</p> |

|  |   |
|--|---|
| <p><b>DELIVERED DUTY UNPAID (DDU):</b> INCOTERM, defines that supplier fulfils his obligation to deliver when the goods have been made available at the named place in the country of importation. The supplier has to bear the costs and risks involved in bringing the goods thereto (excluding duties, taxes and other official charges payable upon importation as well as the costs and risks of carrying out customs formalities). The procuring entity has to pay any additional costs and to bear any risks caused by his failure to clear the goods for import in time. If the parties wish the supplier to carry out customs formalities and bear the costs and risks resulting thereof, this has to be made clear by adding words to this effect. If the parties wish to include in the supplier's obligations some of the costs payable upon importation of the goods (such as value added tax (VAT)), this should be made clear by adding words to this effect: Delivered duty unpaid, VAT paid, [name place of destination]. This term may be used irrespective of the mode of transport.<br/><i>see also: Incoterms</i></p> | <p>همچنان: شرایط بین المللی تجارت مراجعه شود.</p> <p><b>تحویلی بدون پرداخت مسؤلیت (DDU):</b> شرایط بین المللی تجارت (اینکوترم)، واضح میسازد که تهیه کننده مکلفیت های خویش در قبال تحویلی اجناس، هنگامیکه در محل نامگذاری شده در کشوری که وارد میشود قابل دسترس باشد، انجام دهد. تهیه کننده باید مصارف و خطرات شامل در انتقال اجناس از آنجا را (به استثنای مکلفیت های پرداخت گمرکی، مالیات و سایر مصارف رسمی قابل پرداخت بعد از ورود همچنان مصارف و خطرات انتقالی مکلفیت های پرداخت گمرکی) متحمل شود. اداره تدارکاتی مسؤلیت تمام مصارف اضافی را بر عهده داشته و تمام خطرات واقع شده در اثر عدم موفقیت او در تصفیه به موقع اجناس وارداتی را نیز متحمل میشود. در صورتیکه جانبین خواهان این باشند که تهیه کننده باید مسؤلیت های پرداخت گمرکی بر عهده بگیرد و مصارف و خطراتیکه در نتیجه آن بوجود میاید را متحمل شود، این موضوع باید با علاوه نمودن همچو کلمات واضح ساخته شود. هرگاه جانبین خواهان این باشند که بعضی از مصارف قابل پرداخت بعد از ورود اجناس (مانند بهای اضافه شده به مالیات (VAT) به مکلفیت های تهیه کننده علاوه شود، این موضوع باید با علاوه نمودن عباراتی همچون: تحویلی بدون پذیرش پرداخت مکلفیت های پرداخت گمرکی، پرداخت VAT، نام محل مقصود، واضح ساخته شود. این اصطلاح بدون در نظر داشت شیوه انتقالی استفاده شده میتواند.</p> <p>همچنان: به شرایط بین المللی تجارت مراجعه شود</p> |
| <p><b>DELIVERED EX QUAY (DUTY PAID) (DEQ):</b> INCOTERM, defines that the supplier fulfils his obligation to deliver when he has made the goods available to the procuring entity on the quay (wharf) at the named port of destination, cleared for importation. The supplier has to bear all risks and costs including duties, taxes and other charges of delivering the goods thereto. This term should not be used if the supplier is unable directly or indirectly to obtain the import licence. If the parties wish the procuring entity to clear the goods for importation and pay the duty the words "duty unpaid" should be used instead of "duty paid". If the parties wish to exclude from the supplier's obligations some of the costs payable upon importation of the goods (such as value added tax (VAT)), this should be made clear by adding words to this effect: "Delivered ex quay, VAT unpaid [name port of destination]". This term can only be used for sea or inland waterway transport.<br/><i>see also: Incoterms</i></p>   | <p><b>تحویل دربندر (پرداخت مکلفیت گمرکی) (DEQ):</b> شرایط بین المللی تجارت (اینکوترم)، واضح میسازد که تهیه کننده مکلفیت های خویش در قبال تحویلی اجناس، هنگامیکه او این اجناس را در دسترس اداره تدارکاتی دربندر (لنگرگاه) مقصود و برای تصفیه ورود آماده نموده است، انجام دهد. این تهیه کننده تمام خطرها و مصارف به شمول مکلفیت های پرداخت گمرکی، مالیات و سایر پرداخت های ناشی از تحویلی اجناس در آنجا را متحمل میشود. در صورتیکه تهیه کننده توانایی آن را نداشته باشد که مستقیم و یا غیر مستقیم اجازه نامه ورود را بدست بیاورد، این اصطلاح نباید بکار برده شود. هرگاه جانبین خواهان این باشند که اداره تدارکاتی باید حسابات ورودی اجناس را تصفیه و مکلفیت های پرداخت گمرکی را بپذیرد، به جای عبارتی "تحویلی بدون پذیرش پرداخت مکلفیت گمرکی" عبارت "تحویلی با پذیرش پرداخت مکلفیت گمرکی" استفاده شود. اگر جانبین خواهان آن باشند که بعضی از مصارف قابل پرداخت بعد از ورود اجناس را از جمله مکلفیت های تهیه کننده (مانند بهای مالیات اضافه شده (VAT)) را خارج سازند، این موضوع باید با علاوه کردن عباراتی همچون: "تحویلی در ساحل، بدون پذیرش پرداخت بهای مالیات اضافه شده" نام بندر مقصود، واضح ساخته شود. این اصطلاح صرف برای ترانسپورت های دریایی یا زمینی قابل استفاده میباشد.</p>   |
| <p><b>DELIVERED EX SHIP (DES):</b> INCOTERM, defines that the supplier fulfils his obligation to deliver when the goods have been made available to the procuring entity on board the ship uncleared for import at the named port of destination. The supplier has to bear all the costs and risks involved in bringing the goods to the named port of destination. This term can only be used for sea or inland waterway transport.<br/><i>see also: Incoterms</i></p>  | <p><b>تحویل از کشتی (DES):</b> شرایط بین المللی تجارت (اینکوترم)، واضح میسازد که تهیه کننده مکلفیت های خویش در قبال تحویلی اجناس، هنگامیکه اجناس در دسترس اداره تدارکاتی در کشتی که هنوز برای ورود در بندر نامگذاری شده مقصود تصفیه نشده باشد، تکمیل نماید. این تهیه کننده باید تمام مصارف و خطرات شامل در انتقال اجناس به بندر نامگذاری شده مقصود را متحمل میشود. این اصطلاح صرف برای انتقالات زمینی و دریایی استفاده شده میتواند.</p> <p>همچنان: به شرایط بین المللی تجارت مراجعه شود</p>   |
| <p><b>DELIVERY:</b> Transfer of physical possession of goods from the carrier to the consignee. The term is primarily intended to be used when goods are to be carried by rail or road but it may be used irrespective of the mode of transport.</p>   | <p><b>تحویل:</b> انتقال فیزیکی ملکیت اجناس از انتقال دهنده به گیرنده بار میباشد. این اصطلاح اولاً در وقتیکه اجناس برای انتقال توسط قطار یا سرک باشد استفاده میشود اما بدون در نظر داشت شیوه ترانسپورتی استفاده شده میتواند.</p>   |
| <p><b>DELIVERY SCHEDULE:</b> The date and/ or the rate of delivery of the goods or works or services by the supplier to the procuring entity as incorporated in a contract.</p>  | <p><b>جدول تحویلی:</b> تاریخ و یا سرعت در تحویلی اجناس یا امور ساختمانی و یا خدمات توسط تهیه کننده به اداره تدارکاتی طوریکه در قرارداد ذکر شده است.</p>   |

|   |   |
|---|---|
| <p><i>see also: Delivery terms, Incoterms</i></p>   | <p>همچنان: به شرایط تحویلی و شرایط بین المللی تجارت مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>DELIVERY TERMS:</b> Conditions as specified in a sale/purchase contract as to delivery schedule and methods of transportation.<br/><i>see also: Delivery schedule, Incoterms</i></p>  | <p><b>شرایط تحویلی:</b> شرایط طوریکه در یک قرارداد فروش یا خرید طبق جدول تحویلی و روش های ترانسپورتهی مشخص شده است، میباشد.<br/>همچنان: به جدول تحویلی و شرایط بین المللی تجارت مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>DEMURRAGE:</b> Is a penalty imposed by a vessel owner or carrier on a consignee/ consignor for delays in loading/unloading of cargo beyond the time specified in the charter-party. Demurrage charges may be also claimed for storage or use of shipper's owned containers beyond a specified period.<br/><i>see also: Detention, Free time, Lay days</i></p>   | <p><b>خساره معطلی:</b> عبارت از جریمه ای میباشد که توسط یک مالک کشتی یا انتقالدهنده بالای گیرنده بار یا فرستنده به خاطر عطلت وی در بارگیری و تخلیه محموله ناوقت از وقت مشخص شده در قرارداد کرایه درستی وضع میشود. خساره معطلی برای ذخیره کردن یا استفاده کانینر های مالک کشتی بیشتر از ميعاد مشخصه نیز ادعا شده میتواند.<br/>همچنان: به توقیف، وقت و روز های بیکاری مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>DEQ:</b> <i>see Delivered ex quay</i></p>   | <p><b>تحویل در بندر (DEQ):</b> به تحویلی در بندر مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>DES:</b> <i>see Delivered ex ship</i></p>   | <p><b>تحویلی از کشتی (DES):</b> به تحویل از کشتی مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>DESIGN SPECIFICATIONS:</b> Specifications which indicate the essential characteristics which a product to be fabricated and supplied should possess. These have to be as detailed as possible, illustrated with drawings where necessary so as to enable the bidders to know precisely what the procuring entity needs are and what he wants. On the other side they should leave enough room for a competition between the makes of several bidders to secure as much competition (also quality competition) as possible.<br/><i>see also: Certificate of inspection, Inspection, Specification, Technical specification</i></p> | <p><b>مشخصات دیزاین:</b> خصوصیات ضروری تولیدیکه ساخته و تهیه میشود، باید آن را داشته باشد. این خصوصیات باید به اندازه ممکن با جزئیات بوده، و باطراحی توضیح داده شده باشد تا به داوطلبان توانایی فهم دقیق در مورد ضروریات و خواستههای اداره تدارکاتی را بدهد. از طرف دیگر آنها باید جای برای رقابت (همچنان رقابت در کیفیت) میان چندین داوطلب را جهت تامین تا حد امکان را داشته باشد.<br/>همچنان: به تصدیق تفتیش، تفتیش، مشخصات و مشخصات تخنیکي مراجعه شود.</p> |
| <p><b>DESTINATION:</b> The port or place to which goods are shipped for delivery.</p>   | <p><b>مقصد (محل نهایی انتقال):</b> بندر یا جاییکه اجناس برای تحویلی انتقال داده میشوند.</p>   |
| <p><b>DESTINATION INSPECTION:</b> Inspection by the procuring entity or his agents of goods on receipt at destination to assess whether the goods conform to the specifications laid down in the purchase contract.</p>   | <p><b>تفتیش در محل نهایی انتقال:</b> تفتیش اجناس توسط اداره تدارکاتی یا نماینده های آن بعد از رسیدن در محل نهایی جهت اطمینان از اینکه آیا اجناس با مشخصات معینه در قرارداد مطابقت دارند یا خیر، میباشد.</p>   |
| <p><b>DETENTION:</b> An owner of a vessel which is delayed beyond the period specified for demurrage in a charter-party can claim unlimited damages for any further delays called detention.<br/><i>see also: Demurrage</i></p>   | <p><b>معطلی:</b> یک مالک کشتی که فراتر از ميعاد مشخصه برای معطلی در قرارداد اجاره کشتی تاخیر نموده است، ادعای خساره بدون محدودیت برای تاخیرات را که بنام معطلی یاد میشود، صورت گرفته میتواند.<br/>همچنان: به کرایه معطلی مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>DEVELOPMENT COSTS:</b> Supplier's expenses in development of a design or a prototype to help the procuring entity (contracting authority) decide whether the product conforming to this would meet his intended use. As part of a two-stage tendering procedure, these costs will not be reimbursed by the procuring entity.</p>  | <p><b>مصارف انکشافی:</b> عبارت از مصارف تهیه کننده در انکشاف دیزاین یا نمونه اصلی جهت کمک به اداره تدارکاتی (مقامات قرارداد کننده) مبنی بر این تصمیم که آیا این تولید با ضروریات قابل استفاده وی مطابقت دارند یا خیر میباشد. منحیث بخشی از طرز العمل مناقصه دومرحله ای، این مصارف توسط اداره تدارکاتی قابل جبران نخواهد بود.</p>  |
| <p><b>DIRECT CONTRACTING:</b> Selection of a supplier without obtaining bids/ offers from bidders. Used for small purchase values or in case of extreme urgency.<br/><i>see also: Single-source procurement, Direct procurement</i></p>   | <p><b>عقد مستقیم قرارداد:</b> عبارت از انتخاب یک داوطلب بدون آفرگیری از داوطلبان برای خریداری های دارای ارزش کم یا در صورت تدارکات عاجل بکاربرده میشود.<br/>همچنان: به تدارک از منبع واحد و تدارکات مستقیم مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>DIRECT PROCUREMENT:</b> A procurement procedure where required goods, services or works are obtained by the procuring entity without any competition through a contract with a supplier, directly selected. International procurement refers to direct contracting for the same procedure.<br/><i>see also: Single-source procurement, Direct contracting</i></p>   | <p><b>تدارکات مستقیم:</b> طرز العمل تدارکاتی که برای اجناس، خدمات یا امورشاختمانی تهیه و تدارک شده بدون روند رقابتی از طریق یک قرارداد با تهیه کننده ایکه به صورت مستقیم توسط اداره تدارکاتی انتخاب شده بکار می رود. در تدارکات بین المللی برای قرارداد مستقیم، عین طرز العمل استفاده میشود.<br/>همچنان: به تدارک از منبع واحد و قرارداد مستقیم مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>DISCOUNT:</b> Price deduction granted by the supplier to</p>  | <p><b>تخفیف:</b> پیشکش تخفیف در قیمت از جانب تهیه کننده، معمولاً</p>  |

|  |   |
|--|---|
| <p>the procuring entity, usually when certain stipulated conditions are met by the procuring entity such as prompt payment, bulk order quantity, etc. Discounts are also granted by a supplier on nominal list prices which may vary from one procuring entity to another because of order size, payment terms, relationship or as an element of marketing strategy of the supplier.<br/><i>see also: Cash discount, Quantity discount, Concealed discount, List price, Price discrimination, Rebate, Trade discount</i></p> | <p>هنگامیکه شرایط معینه تصریح شده مانند پرداخت های فوری، امر خریداری های عمده، وغیره، از جانب اداره تدارکاتی رعایت شده میباشد. تخفیفات توسط تهیه کننده در یک لست جزئی نرخ ها که از یک اداره تدارکاتی تا اداره تدارکاتی دیگر به خاطر مقدار امر خریداری، شرایط پرداخت، روابط یا منحیت یک عنصر استراتژی بازار تهیه کننده فرق میکند، نیز صورت میگیرد.<br/>همچنان: به تخفیف در پول نقد، تخفیف در مقدار، تخفیف لغو شده، جدول نرخ ها، کاهش، و تخفیف تجارتي مراجعه شود.</p> |
| <p><b>DISCREPANCY REPORT:</b> The report indicating that the delivered goods were unsatisfactory for any reason or that the goods (their number, packages, etc.) did not correspond with those indicated in various shipping documents (<i>e.g.</i> the invoice).</p>  | <p><b>راپور تفاوت:</b> عبارت از گزارش حاوی این مطلب که اجناس تحویل داده شده نظریه دلایلی قناعت بخش نبوده یا اینکه اجناس (شماره های آنها، بسته بندی ها، وغیره) با آنهایکه در اسناد انتقالی مختلف بیان شده است (مثال: صورت حساب) جوابگو نمیشود.</p>   |
| <p><b>DOCUMENTARY CREDIT:</b> <i>see Letter of credit (L/C)</i></p>  | <p><b>سند اعتبار:</b> به اعتبارنامه مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>DRAFT CONTRACT:</b> A contract specimen filled in and signed by the bidder and submitted to the procuring entity as part of his bid.<br/><i>see also: Bid, Offer</i></p>   | <p><b>پیش نویس قرارداد:</b> عبارت از یک قرارداد نمونوی خانه پری و ارائه شده توسط داوطلب منحیت قسمتی از آفر خویش به اداره تدارکاتی میباشد.<br/>همچنان: به آفر مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>E</b></p>  |   |
| <p><b>EARNEST MONEY:</b> A sum of money given by one contracting party to another on entering into the contract, to be forfeited by the giver if he fails to carry out his obligations under the contract.<br/><i>see also: Performance security</i></p>   | <p><b>پول بیعانه:</b> عبارت از مبلغ پول داده شده توسط یکی از جانبین قرارداد به جانب دیگر به منظور داخل شدن به قرارداد، که در صورت عدم موفقیت پول دهنده در اجرای مکلفیت های خویش طبق قرارداد، مبلغ مذکور ضبط میگردد.<br/>همچنان: به تامین اجرا مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>ECONOMIC ANALYSIS:</b> In purchasing, it refers to economic evaluation of offers, particularly in case of capital equipment of high value, where different bidders may offer different payment and/ or financing terms with an impact on the total cost of acquisition. Also refers to evaluation of when and how much to buy taking into account the level of inventories, the likely demand, ordering and holding costs as well as the present and the likely international market situation.</p>                    | <p><b>تحلیل و تجزیة اقتصادی:</b> در پروسه خریداری، به معنی ارزیابی اقتصادی آفرها، به خصوص در صورت تجهیزات عمده دارای ارزش بلند، که داوطلبان مختلف میتوانند پرداخت های و یا شرایط مالی مختلف را که بالای قیمت مجموعی خریداری اثر بگذارد پیشکش مینمایند. همچنان: عبارت از ارزیابی چه وقت، چطور و چه مقدار خریداری بادر نظر داشت سطح موجودی، همچون تقاضا، امر و نگهداشت مصارف همچنین وضعیت فعلی و مورد نظر بازار میباشد.</p>   |
| <p><b>ECONOMIC ORDER QUANTITY (EOQ):</b> That order quantity which gives lowest total variable costs, including both costs of procurement and of stock holding.<br/><i>see also: Inventory control</i></p>   | <p><b>امر مقدار خریداری اقتصادی (EOQ):</b> عبارت از امر خریداری که مصارف کم قابل تشخیص، به شمول مصارف تدارکاتی و ذخیره سازی، در آن در نظر گرفته شود.<br/>همچنان: به کنترل موجودی مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>ECONOMIES OF SCALE:</b> A concept that, when procuring goods or services, examines the effect of combining like requirements to increase the scale of procurement thereby providing greater leverage in achieving maximum value for money when getting bids/ offers from bidders.<br/><i>see also: Aggregation, Bulk buying, Forward purchasing</i></p>  | <p><b>اقتصادی بودن:</b> عبارت از مفهومی است، که هنگام تهیه اجناس یا خدمات، با یکجانبودن ضروریات مشابه به منظور بلند بردن حجم تدارکاتی با قدرت بزرگتر در بدست آوردن و استفاده درست پول در هنگام دریافت آفرها از داوطلبان در نظر گرفته میشود.<br/>همچنان: به جمع کردن، خریداری بزرگ و خریداری پیش از وقت مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>ELIGIBILITY:</b> Special requirements set up for bidders. If not met these will not be allowed to bid or their bids/ offers already submitted will be rejected. Requirements can be the nationality of the bidder, presentation of a specific business license etc.</p>  | <p><b>شایستگی (واجد شرایط بودن):</b> عبارت از شرایط خاص تعیین شده برای داوطلبان میباشد. در صورتیکه دارای چنین شرایط نبوده باشد، اجازه تسلیمی آفر را نداشته و یا آفرهای قبلاً ارائه شده آنها رد خواهد شد. این شرایط شامل تابعیت داوطلب، ارائه جواز کار تجارتي مشخص وغیره شده میتواند.</p>  |
| <p><b>EMERGENCY PURCHASE:</b> Procurement necessitated to meet a requirement which could not be anticipated and provided for in advance by the procuring entity; <i>e.g.</i></p>   | <p><b>خریداری فوق العاده:</b> عبارت از تدارک ضروریات پیش آمده که توسط اداره تدارکاتی که از قبل قابل پیش بینی نبوده و در نظر گرفته نشده است؛ به طور مثال: خراب شدن تجهیزات و جا بجایی یک سامان</p>   |

|   |   |
|---|---|
| break-down of equipment and replacement of a part, natural disasters.   | در آن و آفت های طبیعی میباشد.   |
| <b>ENQUIRY:</b> An invitation from a procuring entity to bidders to submit their price quotes and other terms and conditions for supply of a product (or products) as specified.  | <b>استعلام:</b> عبارت از دعوتنامه یی میباشد که از طرف اداره تدارکاتی به داوطلبان به منظور ارائه نرخ ها و سایر شرایط جهت تهیه یک تولید (یا تولیدات) طوریکه در آن مشخص شده اند، میباشد.   |
| <b>EOQ:</b> see <i>Economic order quantity</i>  | <b>امر مقدار خریداری اقتصادی (EOQ):</b> به امر مقدار خریداری اقتصادی مراجعه شود.  |
| <b>EQUIPMENT:</b> see <i>Goods</i>  | <b>تجهیزات:</b> به اجناس مراجعه شود.  |
| <b>ESCALATION:</b> see <i>Price revision</i>  | <b>تعدیل قیمت:</b> به تجدید نظر در قیمت مراجعه شود.   |
| <b>EXPEDITE:</b> Action taken, or to be taken, to ensure that the work (of fabrication, construction, etc.) is proceeding according to schedule and that the supplier will be able to deliver the product or complete the project as per delivery or completion date mentioned in the contract. In large-scale projects where activities are interdependent and certain activities have to precede others, delays by one contractor or subcontractor can disrupt the implementation schedule of the project. Expediting in such cases is of special importance.<br><i>see also: Contract scheduling, Follow-up</i>  | <b>تسریع کردن:</b> عبارت از اقدام یا عملی میباشد که به منظور اطمینان از روند پیشرفت کار (ساخت یا اجرای امور ساختمانی، و غیره) طبق جدول زمانی که آیا تهیه کننده توانایی تحویلی تولیدات یا تکمیل پروژه را در تاریخ ذکر شده در قرارداد دارد و یا خیر، میباشد. در پروژه های بزرگ که فعالیت ها متکی به یکدیگر بوده و فعالیت های معینی مقدم بر دیگر صورت میگیرد، عطلت توسط یک قراردادی یا قراردادی فرعی میتواند جدول اجرایی پروژه را منقطع سازد. تسریع کردن در همچون شرایط از اهمیت خاص برخوردار خواهد بود.<br>همچنان: به جدول قرارداد و پی گیری مراجعه شود.  |
| <b>EXPENDABLE MATERIAL:</b> Items that are consumed in use and that do not ordinarily retain their original features during the period of use ( <i>e.g.</i> paper, fertilisers. etc.).<br><i>see also: non-expendable material</i>  | <b>مواد مصرف شدنی:</b> عبارت از اقلامی (مثال: کاغذ، کود، و غیره) میباشد که در اثر استفاده مصرف میشوند و به صورت معمول ماهیت اصلی خود را در جریان مدت استفاده، حفظ کرده نمیتوانند.<br>همچنان: به مواد مصرف نشدنی مراجعه شود.   |
| <b>EXPORT CREDIT GUARANTEE:</b> A guarantee issued by a financial institution, specially set up for this purpose, on the basis of which an exporter can seek pre/ post shipment credit from a banking institution.  | <b>تضمین اعتبار اجناس صادراتی:</b> عبارت از ضمانتی که توسط یک نهاد مالی، به خصوص به همین منظور ایجاد شده، بر مبنای اینکه یک صادرکننده میتواند قبلاً یا بعداً تقاضای دریافت آن را دارد، میباشد.  |
| <b>EXPRESS WARRANTY:</b> A written affirmation by a supplier to a procuring entity that the goods are of the same quality and the requisite performance standard as in the contract. An express warranty does not exclude implied warranty.<br><i>see also: Certificate of quality, Self-certification, Technical specification</i>   | <b>اظهارنامه ضمانت:</b> عبارت از تأییدیه تحریری توسط یک تهیه کننده به اداره تدارکاتی مبنی بر اینکه اجناس دارای عین کیفیت و معیار اجرایی تقاضا شده در قرارداد میباشد. یک اظهارنامه ضمانت، باعث از بین رفتن تضمین قابل تطبیق نمیشود.<br>همچنان: به تصدیق کیفیت، تصدیق خودی و مشخصات تخنیکی مراجعه شود.  |
| <b>EXPRESSION OF INTEREST:</b> A note received from a bidder, usually in response to a public advertisement invitation to bid or prequalification, for the supply of specific goods, works or services.   | <b>ابراز علاقمندی:</b> عبارت از یادداشت دریافت شده از داوطلب، معمولاً در جواب به یک اعلان دعوت به داوطلبی یا ارزیابی قبلی، جهت تهیه اجناس مشخص، امور ساختمانی یا خدمات میباشد.  |
| <b>EX WORKS (EXW):</b> INCOTERM defines that the supplier fulfils his obligation to deliver when he has made the goods available at his premises ( <i>i.e.</i> works, factory, warehouse, etc.) to the procuring entity. In particular, he is not responsible for loading the goods on the vehicle provided by the procuring entity or for clearing the goods for export, unless otherwise agreed. The procuring entity bears all costs and risks involved in taking the goods from the supplier's premises to the desired destination. This term thus represents the minimum obligation for the supplier. This term should not be used when the procuring entity cannot carry out directly or indirectly the export formalities. In such circumstances, the FCA term should be used.<br><i>see also: Incoterms</i> | <b>تحویل در محل کار:</b> شرایط بین المللی تجارت (اینکوترم) واضح میسازد که تهیه کننده مکلفیت های خویش در قبال تحویلی را زمانیکه وی اجناس (مثال: امور ساختمانی، کارخانه، تحویلخانه یا گدام، و غیره) را برای اداره تدارکاتی در محوطه خود آماده دسترسی نموده است، تکمیل مینماید. علی الخصوص، مسؤلیت بار کردن اجناس در موتری را که اداره تدارکاتی آماده نموده، و یا تصفیه حساب اجناس برای صادرات بر عهده او نیست، مگر اینکه طور دیگری موافقه صورت گرفته باشد. اداره تدارکاتی تمام مصارف و خطرهای ناشی از انتقال اجناس از محوطه تهیه کننده به محل تعیین شده برای تخلیه را متحمل میشود. این شرایط همچنان حد اقل مکلفیت ها برای تهیه کننده را پیش کش مینماید. این شرایط در صورتیکه اداره تدارکاتی نتواند به صورت مستقیم یا غیر مستقیم مسؤلیت های رسمی صادراتی را انجام دهد، نباید استفاده شود. در همچو حالات، باید شرایط FCA مورد استفاده قرار گیرد.<br>همچنان: به شرایط بین المللی تجارت مراجعه شود. |

| <b>F</b>   |  |
|--|--|
| <b>FAS:</b> <i>see Free alongside ship</i>   | <b>انتقال رایگان تا کشتی (FAS):</b> به انتقال رایگان تا رسیدن به کشتی مراجعه شود.  |
| <b>FCA:</b> <i>see Free carrier</i>  | <b>انتقال رایگان:</b> به انتقال رایگان مراجعه شود.   |
| <b>FINAL ACCEPTANCE:</b> The procuring entity grants technical acceptance upon expiry of the guarantee period provided the supplier has met all his obligations. For items replaced, repaired or modified, the guarantee period shall be prolonged by a period equal to that during which they are unavailable.<br><i>see also: Acceptance of goods, Provisional acceptance</i>  | <b>قبولی نهایی:</b> اداره تدارکاتی اظهارقبولی تخنیکي خود را بعد از ختم تاریخ تضمین، در صورتیکه تهیه کننده تمام مکلفیت های خویش را انجام داده باشد، مینماید. برای اقلامیکه جایگزین، ترمیم یا تغییر داده شده اند، میعاد تضمین باید برای عین مدتیکه برابر با زمان برای بدست آوردن آنها سپری شده است، تمدید شود.<br>همچنان: به قبولی اجناس، و قبولی موقتی مراجعه شود.                                  |
| <b>FIRM BID/ OFFER:</b> A definite price proposal, as differentiated from an estimated cost bid/ offer. It binds the bidder for the validity time of his bid/ offer.<br><i>see also: Bid</i>   | <b>آفر ثابت:</b> عبارت از پیشنهاد قطعی قیمت، طوریکه با قیمت تخمینی آفر تفاوت داشته باشد. این پیشنهاد داوطلب را مقید به پایبندی برای اعتبار زمانی پیشنهاد شده در آفرش میسازد.<br>همچنان: به آفر یا پیشنهاد قیمت مراجعه شود.   |
| <b>FIRST GRADE AWARD AUTHORITY<sup>12</sup>:</b> Is a Minister of other Head of a procuring entity having the award authority indicated in the Public Procurement Law Annex A.   | <b>آمر اعطای درجه اول<sup>12</sup>:</b> عبارت از وزیر یا سایر رؤسای ادارات تدارکاتی مندرج ضمیمه 1 قانون تدارکات عامه افغانستان که صلاحیت اعطای قرارداد را دارد، میباشد.  |
| <b>FLOATING POLICY:</b> Is a cargo insurance policy similar to an open cover. It is issued with a sum insured to cover a number of consignments on a running basis. As and when a consignment is made and declared the valuation in the policy is reduced by the value of the goods until the value of the policy is exhausted.<br><i>see also: Open policy</i>  | <b>پالیسی تغییر پذیر:</b> عبارت از پالیسی بیمه محموله دریایی مشابه یک پوشش باز میباشد. این پالیسی به منظور تحت پوشش قراردادن علی الدوام تعدادی از مرسوله ها صادر میشود. چگونه و چه زمان یک مرسوله آماده و نرخ آن در پالیسی بیان میشود، بواسطه بهای اجناس تازمانیکه ارزش پالیسی تمام شد، کاسته میشود.<br>همچنان: به پالیسی باز مراجعه شود   |
| <b>FOB:</b> <i>see Free on board</i>   | <b>تحویلی در کشتی (FOB):</b> به تحویلی در کشتی مراجعه شود  |
| <b>FOLLOW-UP:</b> In procurement, to monitor the implementation of the contract and to take necessary action if warranted.<br><i>see also: Contract scheduling, Expedite</i>   | <b>پیگیری:</b> در تدارکات نظارت از اجراء تدارکاتی در یک قرارداد و اقدام ضروری در زمینه در صورتیکه گواهی داده شده باشد.<br>همچنان: به جدول اجرای قرارداد و تسریع کردن مراجعه شود.   |
| <b>FORCE MAJEURE:</b> An expression which implies circumstances beyond one's control the occurrence, accidents caused by unforeseeable circumstances, natural catastrophes which could not have been prevented or avoided, including government decrees, edicts, strikes, etc., of which can be pleaded as a legal excuse for non-fulfilment of contract. No one can be held liable for damage to or loss of goods due to <i>force majeure</i> . | <b>حالات غیر مترقبه:</b> بیان وقوع حالاتی رامینماید که خارج از کنترل میباشد، مانند وقوع حوادث در اثر حالات غیر قابل پیش بینی، آفت های طبیعی که جلوگیری و اجتناب از آن صورت گرفته نمیتواند همچو حالات شامل فرامین دولتی، احکام، اعتصابات و غیره که در عدم تکمیل قرارداد تاثیر گذار بوده، منحيث معذرت قانونی پذیرفته میشود. هیچ کسی در مقابل خساره یا مفقودی در حالات غیر مترقبه مقصر دانسته نمیشود. |
| <b>FORWARD PURCHASING:</b> Purchasing of quantities in excess of immediate requirements, a procurement strategy which may be adopted when indications are that the supplies in the international market may become short and/ or when prices are expected to rise sharply.<br><i>see also: Economies of scale</i>  | <b>خریداری احتیاطی:</b> خریداری بلافاصله مقدار زیادی ضروریات، یک استراتژی تدارکاتی، هرگاه نشانه ها چنان به نظر برسد که منابع در بازارهای بین المللی کاهش یافته و با انتظار می رود نرخ ها به سرعت بالا برود، قابل قبول شده میتواند.<br>همچنان: به اقتصادی بودن مراجعه شود   |
| <b>FORWARDER, FREIGHT:</b> A person or a firm engaged in the business of collecting goods, arranging for their transportation from the factory or warehouse for delivery at the port of shipment, arranging for customs clearance and booking freight for shipment to the port of destination as the agent of the supplier or the  | <b>فرستنده بار کشتی:</b> شخص یا نهادیکه در جمع آوری اجناس، ترتیبیات برای انتقال آنها از کارخانه یا تحویلخانه یا گام جهت تحویلی در بندر کشتی، با پذیرفتن تصفیه حساب های گمرکی و ثبت نمودن بار کشتی برای انتقال تا بندر یا محل منحيث نماینده تهیه کننده یا اداره تدارکاتی (بدر نظر داشت شرایط قرارداد) میباشد.   |

<sup>12</sup> PPL, Art. 3(30) and PPU/C005/1386, Art. 3(10)<sup>13</sup> World Bank definition

|  |  |
|--|--|
| procuring entity (depending on the terms of contract).   |  |
| <b>FRAME CONTRACT:</b> <i>see Basic agreement, Blanket order, Rate contract</i>  | <b>قرارداد چهارجوبی:</b> به موافقتنامه اساسی، امر خریداری عمومی و قرارداد برآوردی مراجعه شود.  |
| <b>FRANCHISE:</b> A percentage shown in a cargo policy which has to be attained before a partial loss claim becomes admissible for payment. Once the franchise is attained the claim is paid in full.  | <b>امتیاز:</b> عبارت از یک فیصدی نشان داده شده در پالیسی محموله که قبل از ادعای مفقودی قسمی برای پرداخت قابل قبول شده باشد. وقتیکه امتیاز درج شد، به صورت مکمل پرداخت خواهد شد.  |
| <b>FRAUDULENT PRACTICE</b> <sup>13</sup> : Defines a misrepresentation or omission of facts in order to influence a procurement process or the execution of a contract.  | <b>عملکرد فریب آمیز</b> <sup>13</sup> : عبارت از نماینده گی غلط یا پوشانیدن حقایق به منظور تحت تاثیر قرار دادن پروسه تدارکاتی یا اجرای قرارداد، میباشد.  |
| <b>FREE ALONGSIDE SHIP (FAS):</b> INCOTERM, defines that the supplier fulfils his obligation to deliver when the goods have been placed alongside the vessel on the quay or in lighters at the named port of shipment. This defines that the procuring entity has to bear all costs and risks of loss of or damage to the goods from that moment. The FAS term requires the procuring entity to clear the goods for export. It should not be used when the procuring entity cannot carry out directly or indirectly the export formalities. This term can only be used for sea or inland waterway transport.<br><i>see also: Incoterms</i>   | <b>رایگان تا رسیدن به کشتی (FAS):</b> شرایط بین المللی واضح میسازد که تهیه کننده مکلفیت های خویش در قبال تحویلی اجناس را زمانیکه نزدیک کشتی در ساحل یا در قایق های باربری در بندر نامگذاری شده برای بارگیری می رسد، انجام دهد. این مقررات واضح میسازد که اداره تدارکاتی تمام مصارف و خطرات مفقودی یا خساره اجناس را سر از همان لحظه متحمل خواهد شد. طبق این مقررده انتقال رایگان تا پهلو کشتی (FAS)، اداره تدارکاتی باید اجناس را برای صدور تصفیه نماید. این مقررده در صورتیکه اداره تدارکاتی نتواند به صورت مستقیم یا غیر مستقیم رسمیات صادراتی را بجا بیاورد، نباید استفاده شود. این اصطلاح صرف در انتقالات یا ترانسپورت های زمینی و دریایی قابل استفاده میباشد.   |
| <b>FREE CARRIER (FCA):</b> INCOTERM, defines that the supplier fulfils his obligation to deliver when he has handed over the goods, cleared for export, into the charge of the carrier named by the procuring entity at the named place or point. If no precise point is indicated by the procuring entity, the supplier may choose within the place or range stipulated where the carrier shall take the goods into his charge. When, according to commercial practice, the supplier's assistance is required in making the contract with the carrier (such as in rail or air transport) the supplier may act at the procuring entity's risk and expense. This term may be used for any mode of transport, including multi modal transport. If the procuring entity instructs the supplier to deliver the cargo to a person, <i>e.g.</i> a freight forwarder who is not a carrier, the supplier is deemed to have fulfilled his obligation to deliver the goods when they are in the custody of that person. Transport terminal defines a railway terminal, a freight station, a container terminal or yard, a multi-purpose cargo terminal or any similar receiving point.<br><i>see also: Incoterms</i> | <b>انتقال رایگان:</b> شرایط بین المللی تجارت واضح میسازد که تهیه کننده باید مکلفیت های خویش و مصارف در قبال تحویلی اجناس را وقتیکه تصفیه صادراتی شده در محل معینه تحویل داده شد، بر عهده انتقال دهنده ایکه توسط اداره تدارکاتی معرفی شده بسیار د. در صورتیکه نقطه دقیق از طرف اداره تدارکاتی تعیین نشده باشد، تهیه کننده میتواند وسط جایی تصریح شده را در نظر گرفته مصارف تا آن محل بدوش خود انتقال دهنده خواهد بود. زمانیکه در مطابقت با اجراءات تجاری، معاونت تهیه کننده در عقد قرارداد با انتقال دهنده (مثلاً در قطار، انتقالات هوایی) لازم باشد، تهیه کننده میتواند با تحمل خطر و مصرف از جانب اداره تدارکاتی اقدام نماید. این اصطلاح برای هر نوع روش ترانسپورتی، به شمول ترانسپورتهای چندین روشی استفاده شده میتواند. در صورتیکه اداره تدارکاتی به تهیه کننده هدایت میدهد تا محموله را به شخصی مثلاً فرستنده کشتی که مسولیت انتقال بر عهده وی نبوده، تحویل بدهد، بر تهیه کننده است تا مکلفیت های خویش در جهت تحویلی اجناس را زمانیکه در ذخیره گاه آن شخص موجود میباشد تکمیل نماید. ترمینال ترانسپورتی به معنی ترمینال قطار، ایستگاه کشتی، ترمینال کانتینر یا میدان، یک ترمینال محموله چندین هدفی و یا هر نقطه مشابه دریافت اجناس میباشد.<br>همچنان: به شرایط بین المللی تجارت مراجعه شود. |
| <b>FREE ON BOARD (FOB):</b> INCOTERM, defines that the supplier fulfils his obligation to deliver when the goods have passed over the ship's rail at the named port of shipment. This defines that the procuring entity has to bear all costs and risks of loss of or damage to the goods from that point. The FOB term requires the supplier to clear the goods for export. This term can only be used for sea or inland waterway transport. When the ship's rail serves no practical purpose, such as in the case of roll-on/ roll-off or container traffic, the FCA term is more appropriate to use.<br><i>see also: Incoterms</i>  | <b>تحویلی در کشتی:</b> شرایط بین المللی تجارت واضح میسازد که تهیه کننده مکلفیت های خویش در قبال تحویلی اجناس را زمانیکه در نقطه نامگذاری شده در بندرگاه کشتی یا قطار رسید تکمیل نماید. این شرایط بیان میدارد که اداره تدارکاتی باید تمام مصارف و خطرات مفقودی یا خساره اجناس از آن نقطه بعد را متحمل شود. طبق شرایط تحویلی در کشتی، تصفیه اجناس برای صادر کردن بر عهده تهیه کننده میباشد. از این شرایط صرف در انتقالات دریایی و یا زمینی استفاده میشود. زمانیکه قطار کشتی هدف عملی، مثلاً در صورت غلط خوردن یا ازدحام کانتینرها نداشته باشد، شرایط تحویل به انتقال دهنده FCA برای استفاده بسیار مناسب میباشد.<br>همچنان: به شرایط بین المللی تجارت مراجعه شود.   |

|   |  |
|---|--|
| <p><b>FREE TIME:</b> The period allowed loading or unloading transportation equipment before demurrage or storage charges begin to accrue.<br/><i>see also: Demurrage, Detention, Lay days</i></p>  | <p><b>وقت فراغت:</b> عبارت از میعاد مجاز برای بارگیری ویا تخلیه امکانات انتقالی قبل از اینکه منجر به مصارف معطلی یا ذخیره سازی شود، میباشد.<br/>همچنان: به مصارف معطلی، توقیف وروزهای بیکاری مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>FREIGHT ABANDONMENT:</b> A term in a hull policy (an insurance policy on the ship and not the cargo) whereby the underwriter waives his right to freight earned or to be earned by a ship that is the subject of a total loss claim.<br/><i>see also: Abandonment</i></p>   | <p><b>واگذاری کرایه کشتی:</b> یک اصطلاح درپالیسی کشتی (یک پالیسی بیمه در کشتی و نه درمحموله) میباشد که تعهد کننده از حق خود از کرایه بدست آمده از کشتی یا قابل دستیابی از آن درارتباط به ادعای یک خساره مجموعی، منصرف میشود.<br/>همچنان: به واگذاری مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>FREIGHT AT DESTINATION:</b> A provision in a contract of afreightment implying that the freight charges will be paid by the consignee upon the arrival of goods at the specified destination.</p>   | <p><b>حمل به هدف:</b> عبارت از یک حکم قرارداد درپیمان نامه کشتی مبنی براینکه مصارف کرایه کشتی توسط گیرنده بار، بعد از رسیدن درمحل معینه آن پرداخته خواهد شد، میباشد.</p>   |
| <p><b>FREIGHT FORWARDER:</b> <i>see Forwarder, Freight</i></p>  | <p><b>فرستنده کشتی:</b> به فرستنده وکرایه کشتی مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>FUNGIBLE GOODS:</b> Goods of which any one unit is similar to other units or where the qualities marketed by various producers are treated as equivalent or nearly similar, <i>e.g.</i> grains.</p>   | <p><b>اجناس قابل تعویض:</b> اجناسی درخواستی که از یک واحد به واحد دیگری مشابه بوده یا درصورتیکه کیفیت های به بازار عرضه شده توسط تولید کننده گان مختلف یکسان یا تقریباً مشابه هم، مثال: حبوبات دانسته شود.</p>   |
| <p><b>FUTURES:</b> Contracts for the sale and purchase of commodities (or securities, currencies, etc.) for future delivery. In futures trading commodities are not intended to be delivered physically (although this is not ruled out); instead, price differences are settled. Thus, if a supplier had agreed to deliver x tons of copper to the buyer at US\$900 per ton after 90 days and the actual price after that period is US\$800, the buyer pays to the supplier a difference of US\$100 per ton.<br/><i>see also: Commodity exchange, Hedging, Spot purchase</i></p> | <p><b>خریداری برای آینده:</b> عبارت از عقد قراردادهای جهت فروش و خرید اموال (یا تأمینات، اسعار، وغیره) برای تحویلی درآینده میباشد. درتجارت آینده اموال به مقصد اینکه به صورت فیزیکی ( اگرچه این ممنوع نیست) تحویل داده شوند نبوده؛ در عوض، تفاوت های قیمت تصفیه حساب میشوند. همچنان، درصورتیکه تهیه کننده موافقه نموده باشد که چندین تن از مس را برای خریدار، از قرار فی تن به قیمت 900 دالر آمریکایی بعد از 90 روز و قیمت واقعی را بعد از آن میعاد 800 دالر تحویل بدهد، خریدار تفاوت 100 دالر آمریکایی از قرار فی تن را به تهیه کننده می پردازد.<br/>همچنان: تبادل اجناس، طفره رفتن وخریداری فوری مراجعه شود.</p> |
| <p><b>G</b></p>   |  |
| <p><b>GENERAL AVERAGE:</b> <i>see Average general</i></p>   | <p><b>اوسط کلی:</b> به اوسط کلی مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>GROSS WEIGHT:</b> Is the weight of a package/ article, in a consignment, including that of its container and other packaging material.<br/><i>see also: Net weight, Tare weight</i></p>   | <p><b>وزن ناخالص:</b> عبارت از وزن یک بسته ویا مواد، دریک محموله به شمول وزن کانتینر وسایر مواد بسته بندی شده میباشد.<br/>همچنان: به وزن خالص ووزن اصلی مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>GOODS<sup>14</sup>:</b> Objects of every kind and description including raw materials, products and equipment, and objects in solid, liquid or gaseous form, and electricity, and encompasses services incidental to the provision of the goods if the value of those incidental services does not exceed that of the goods themselves.</p>   | <p><b>اجناس<sup>14</sup>:</b> عبارت از اهداف هر نوع توضیحات مواد خام، تولیدات و اموال، تجهیزات و اشیای به شکل جامد، مایع یا گاز، برقی، وخدمات ضمنی شامل درتهیه اجناس درصورتیکه ارزش آن خدمات ضمنی از قیمت خود اجناس تجاوز ننماید.</p>  |
| <p><b>GUARANTEE:</b> Is a surety by which one person undertakes to be answerable to another for the performance of some act by a third person. Usually guarantees are issued by banks. Guarantee is also used as synonymous for warranty.</p>   | <p><b>ضمانت:</b> عبارت از وثیقه پی است که توسط آن یک شخص تعهد میسپارد تا درمقابل اجرا یا اقدام توسط شخص سومی جوابگو باشد. معمولاً ضمانت خط ها توسط بانک صادر میشوند. ضمانت همچنان هم معنی تضمین یا بجای آن استعمال میشود.</p>  |
| <p><b>H</b></p>   |  |
| <p><b>HEDGING:</b> Is a purchase made by a procuring entity to protect itself against the effect of price fluctuations</p>  | <p><b>خریداری احتیاطی:</b> عبارت از خریداری توسط یک اداره تدارکاتی</p>   |

<sup>14</sup> PPU/C005/1386, Art.3(11). The PPL definition is slightly different.



|  |   |
|--|---|
| <p>over which it has no control and over which it does not wish to speculate. A basic principle of a price hedge is to take an equal but opposite position on the futures market to the physical metal's delivery position.<br/><i>see also: Commodity exchange, Futures, Spot purchase</i></p>  | <p>جهت حفاظت خویش در مقابل تاثیرات تورم و بلند رفتن نرخ ها میباشد که بالای آن کنترول نداشته و چیزیکه او نمیخواهد درمورد آن تشویش داشته باشد.<br/>همچنان: به تبادل اموال، خریداری برای آینده ها و خریداری فوری مراجعه شود.</p>   |
| <p> </p>   |   |
| <p><b>IDENTICAL BID:</b> An offer from a bidder in response to an invitation to bid which is similar in all respects to another submitted by another bidder.</p>   | <p><b>آفر یکسان:</b> عبارت از آفر ارائه شده توسط یک داوطلب در جواب یک دعوت به آفردهی که در تمام زوایا شباهت با آفریکه توسط یک داوطلب دیگر ارائه شده است دارد، میباشد.</p>   |
| <p><b>IF UNSOLD:</b> A conditional offer made by a bidder to supply the goods if these are not sold elsewhere between the time of the bid/ offer is made and the award of the contract.</p>  | <p><b>آفر مشروط:</b> عبارت از یک آفر توسط یک داوطلب میباشد که جهت تهیه اجناس در وسط زمان میان آفردهی و عقد قرارداد، در صورتیکه در جای دیگری به فروش نرسیده، میباشد.</p>   |
| <p><b>IMPORT DUTIES:</b> Taxes imposed by governments on imports of goods from abroad. The duties are levied to (a) raise revenues and/ or to (b) provide protection to domestic industry.<br/><i>see also: Bill of Entry, Customs duties, Customs tariff</i></p>  | <p><b>مکلفیت های وارداتی:</b> عبارت از مسؤلیت های مالیاتی میباشد که توسط حکومت به مجرد وارد شدن اجناس از خارج کشور وضع شده است. این مسؤلیت های مالیاتی به منظوری وضع میشوند که (الف) جهت بلند بردن عواید ویا (ب) برای محافظت صنایع کشور میباشد.<br/>همچنان: به سند ورود، مکلفیت های پرداخت گمرکی و تعرفه های گمرکاتی مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>IMPORT LICENCE:</b> A permit granted, usually by a designated government authority, authorising the holder to import the particular article indicated in the permit. The permit may also indicate the quantity and/ or the value limit of import and at times the country or the geographical region/ monetary area from which imports may be made.<br/><i>see also: licensing</i></p> | <p><b>جواز وارداتی:</b> عبارت از سند ورود، معمولاً توسط یک مقام تعیین شده دولتی، که به حامل آن اجازه وارد ساختن ماده مخصوص ذکر شده در آن سند را میدهد، صادر میشود. در این سند همچنان مقدار ویا ارزش محدود واردات و زمان، کشور یا موقعیت جغرافیایی یا واحد پولی ساحه ایکه واردات صورت میگیرد، نیز ذکر شده میتواند.<br/>همچنان: به اجازه نامه مراجعه شود.</p>                                     |
| <p><b>IMPORT RESTRICTIONS:</b> Direct regulation of the quantity or types of goods imported into a country, largely through licences or quotas.</p>  | <p><b>محدودیت های وارداتی:</b> عبارت از تنظیم مستقیم کمیت یا انواع اجناسیکه، به صورت هنگفت از طریق اجازه نامه ها یا سهمیه ها وارد کشور میشوند.</p>  |
| <p><b>IN BOND:</b> Goods on which import duty has not been paid are held in warehouses supervised by customs officials till such time the duty is paid or goods are re-exported, or otherwise dealt with as directed by the authorities.<br/><i>see also: Airway bill, Bonded warehouse, Clearance of goods, Waybill</i></p>   | <p><b>به تضمین گذاشته شده:</b> اجناسیکه مسؤلیت های وارداتی آن پرداخته نشده و در تحویلخانه ها یا گدام ها تحت نظر کارمندان گمرکاتی تا زمانیکه مسؤلیت های وارداتی آن پرداخته شده یا اجناس دوباره صادر شوند، یا طور دیگری با آنها طبق هدایت مقامات معامله صورت بگیرد، نگهداری میشوند.<br/>همچنان: به سند انتقالات هوایی، تحویلخانه های تضمین شده، تصفیه حساب های اجناس و بارنامه ها مراجعه شود.</p> |
| <p><b>INCOTERMS:</b> A set of trade terms for which precise definitions have been set down by the International Chamber of Commerce, Paris, which, when used in a contract, clearly indicate the rights and obligations of the procuring entity and the supplier.</p>  | <p><b>شرایط بین المللی تجارت (INCOTERMS):</b> عبارت از مجموعه ای از شرایطیکه تعریفات دقیق توسط اتاق تجارت بین المللی پاریس، هرگاه در یک قرارداد استفاده شود، به صورت روشن حقوق و مکلفیت ها اداره تدارکاتی و تهیه کننده را واضح میسازد.</p>  |
| <p><b>INDEFINITE QUANTITY BUYING:</b> <i>see Blanket order, Basic agreement, Rate contract</i></p>   | <p><b>مقدار نامعین خریداری:</b> به امر خریداری عمومی، موافقتنامه اساسی و قرارداد نرخ مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>INDEMNITY:</b> An undertaking which affords protection against loss or damage. Cargo insurance is an indemnity in as much as in the event of loss or damage the insurance company indemnifies (makes good) the loss to the consignees or consignor.</p>  | <p><b>جبران خساره:</b> عبارت از تعهدنامه میباشد که محافظت در مقابل زیان یا خساره را تضمین مینماید. بیمه محموله عبارت از جبران خساره میباشد که به هر اندازه که خساره یا زیان واقع شده باشد، شرکت بیمه آن را به گیرنده بار یا فرستنده جبران خواهد نمود.</p>   |
| <p><b>INELIGIBLE BIDDER:</b> A bidder who may have been disqualified to bid/ offer for anyone of such reasons as: unsatisfactory past performance, attempts at influencing the awards, or else inability to meet the</p>   | <p><b>داوطلب غیر واجد شرایط:</b> یک داوطلب از اشتراک در داوطلبی به نسبت دلایل مانند: اجراءات غیر قابل قبول وی در گذشته، تلاش وی برای تحت تاثیر قراردادن پروسه برای اعطاء، یا عدم توانایی های دیگر باین نظر داشت معیارات ارزیابی قبلی برای شمول در لست</p>   |

|   |  |
|---|--|
| <p>pre-qualification standards for inclusion in the list of approved bidders (holding the requested business license, nationality, etc.).</p>   | <p>داوطلبان منظور شده (جواز کار، ملیت، و غیره) سلب صلاحیت شده می‌تواند.</p>  |
| <p><b>INITIATION AUTHORITY</b><sup>15</sup>: The entity or person with authority to initiate procurement proceedings, in accordance with the levels of authority prescribed in the Public Procurement Law.</p>  | <p><b>مرجع آغاز</b><sup>15</sup>: نهاد یا شخصی است که صلاحیت آغاز مراحل تدارکاتی را طبق درجات صلاحیت نامه مندرج ضمیمه شماره (1) قانون تدارکات عامه دارا باشد.</p>  |
| <p><b>INSPECTION</b>: A survey carried out by a procuring entity or his agent to determine whether the goods or services conform to the specifications respectively the terms of reference laid down in the contract. This inspection may be carried out while goods are in the process of manufacture, before shipment or after shipment as well as throughout the implementation of a project. It includes the process of measuring, examining, testing, gauging or otherwise comparing activities and results with applicable requirements as specified in the contract.<br/><i>see also: Certificate of inspection, design specification, Provisioning, Specification, Technical inspection, Terms of reference</i></p> | <p><b>تفتیش</b>: راه اندازی سروی توسط یک اداره تدارکاتی یا نماینده وی به منظور اطمینان از اینکه آیا اجناس یا خدمات در مطابقت با مشخصات مندرج قرارداد بوده و یا خیر می‌باشد. این تفتیش هنگامیکه اجناس در مرحله ساختن، قبل از انتقال یا بعد از انتقال همچنان در طول میعاد اجرای پروژه، راه اندازی شده می‌تواند. این مراحل شامل پروسه اندازه گیری، امتحان، آزمایش، پیمانه گرفتن و یا مقایسه فعالیت ها و نتایج آن با شرایط قابل اجرا طوریکه در قرارداد ذکر شده است، می‌باشد.<br/>همچنان: به تصدیق از تفتیش، طرح مشخصات، شرایط، مشخصات، مشخصات تخنیکی و لائحة وظایف مراجعه شود.</p> |
| <p><b>INSPECTION LOT-SAMPLING</b>: Where the number of items is large and 100% inspection time consuming, inspection is carried out by taking a sample from a lot and accepting or rejecting the lot depending on the number of detectives in the sample being less or greater than the acceptable number. For services a similar activity can be carried out focusing on milestones identified for the particular project.<br/><i>see also: Acceptable quality level (AQL), Quality control</i></p>  | <p><b>تفتیش نمونه‌ی حصه</b>: هرگاه تعداد اقلام زیاد بوده و 100% تفتیش باعث ضیاع وقت شود، این تفتیش با گرفتن بخشی از آن منحصت نمونه بادر نظر داشت تعداد نواقص در نمونه کم و یا زیادت از تعداد قابل قبول، رد و یا قبول شده می‌تواند. برای خدمات و فعالیت های مشابه با توجه به معیارات شناخته شده برای پروژه خاص راه اندازی شده می‌تواند.<br/>همچنان: به سطح کیفیت قابل قبول و کنترل کیفیت مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>INSURED VALUE</b>: Is the monetary value of the insured property as shown in the policy plus insurance charges. To cover renewed acquisition and other costs involved with the loss of material often 110% of the value is insured as a standard international practise.</p>  | <p><b>ارزش بیمه شده</b>: عبارت از ارزش پولی ملکیت بیمه شده که در پالیسی جمع مصارفات بیمه نشان داده شده است، می‌باشد. به منظور تحت پوشش قرار دادن خریداری های جدید و سایر مصارف شامل در خساره مواد، مکرراً 110% این بها منحصت تعاملات معیاری بین المللی بیمه میشود.</p>   |
| <p><b>INTELLECTUAL PROPERTY</b>: Property of a non-physical nature capable of being transferred from one party to another.</p>  | <p><b>دارایی های ذهنی (فکری)</b>: عبارت از ملکیتی است که دارای ماهیت غیر فیزیکی قابل انتقال از یک دسته به دسته دیگر می‌باشد.</p>   |
| <p><b>INTERCHANGE-ABILITY</b>: The suitability of a product(s) to be used in place of another product(s) to fulfil the relevant requirements. The functional aspect of interchange-ability is called functional interchange-ability, and the dimensional aspect, dimensional interchange-ability.</p>   | <p><b>قابل مبادله بین هم</b>: عبارت از مناسب بودن استفاده یک تولید در عوض تولید دیگر جهت رفع ضرورت های مربوطه می‌باشد. از نقطه نظر وظیفه وی، قابل مبادله بین هم بنام قابل معاوضه، و از نقطه نظر ابعادی، بنام قابل مبادله ابعادی یاد میشود.</p>   |
| <p><b>INTERNATIONAL COMPETITIVE BIDDING (ICB)</b>: A procurement procedure where bidding is open to all local or international legal entities interested to submit a bid.</p>   | <p><b>مناقصه بین المللی رقابتی (ICB)</b>: عبارت از پروسه تدارکاتی می‌باشد که برای تمام نهاد های داخلی و بین المللی قانونی علاقمند جهت ارائه آفر باز است.</p>   |
| <p><b>INVENTORY</b>: A complete list or statement of the stock of all raw materials, parts, components, work-in-progress and/ or finished goods in possession of an organisation at a point of time. For stock control purposes, particularly of raw materials, an enumeration of goods received, issues effected and balance at hand is done on a day to day basis or at periodical intervals, as part of efficient inventory and stores management. For</p>   | <p><b>موجودی</b>: عبارت از لست مکمل یا بیانیه ذخیره تمام مواد خام، پرزه جات، اجزا، کار در حال پیشرفت و یا اجناس تمام شده از ملکیت یک موسسه در یک وقت معین می‌باشد. به منظور کنترل گدام یا ذخیره، به خصوص مواد خام، شمارش اجناس دریافتی، مسایل نتیجه وی و موجودی های روزانه یا دروقفه های میعاد، منحصت بخشی از موجودی مؤثر و مدیریت ذخایر می‌باشد. به خاطر جدول بلانس اقدام معمول ذخیره سازی اجناس و ارزیابی آنها در پایان سال می‌باشد. به</p>  |

<sup>15</sup> PPL, Art.3(8) and PPU/C005/1386, Art.3(12). Slight difference between the PPL and Circular definitions

|  |   |
|--|---|
| <p>balance sheet purposes the usual approach is to take stock of inventories and evaluate them at the end of an accounting year. However, the practice of a perpetual inventory system, indicating day to day changes is now being used more and more for better financial control.<br/><i>see also: Stock, Warehouse</i></p>  | <p>هرحال، سیستم یک موجودی همیشگی که بیانگر روزتاروز تغییرات است حالا بیشتر و بیشتر برای کنترل بهتر مالی استفاده میشود.<br/>همچنان: به ذخیره و گدام مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>INVENTORY CARRYING COSTS:</b> Monetary cost of holding stocks. These consist of: (a) interest on blocked capital; (b) cost of handling the material; (c) storage or warehousing costs; (d) premium on insurance (for theft, fire, etc.); (e) deterioration; and (f) obsolescence.</p>  | <p><b>مصارف اجرای موجودی:</b> عبارت از مصارف پولی ذخایر میباشد. اینها شامل: (الف) منافع سرمایه بند انداخته شده؛ (ب) مصرف اداره مواد (ج) مصارف ذخیره یا انبار کردن؛ (د) حق بیمه (برای دزدی، حریق، وغیره)؛ (ه) بدتر شدن؛ و (و) کهنگی میباشد.</p>  |
| <p><b>INVENTORY CONTROL:</b> A functional aspect of inventory management, which seeks to ensure that stocks of raw materials, parts and components, are at an optimal level, that is neither too low in relation to expected usage, nor too high as to increase avoidable holding costs.<br/><i>see also: Economic order quantity (EOQ), Order point control, Reorder point, Stock</i></p>   | <p><b>کنترل موجودی:</b> نقطه نظر وظیفه وی اداره موجودی اجناس که جهت اطمینان از اینکه ذخایر مواد خام، پرزه جات و اجزاء، در سطح قابل دید قرار دارند و برای استفاده انتظار آن میرود که نه بسیار پست، و نه بسیار بلند بوده که مصارف قابل اجتناب را زیاد نماید.<br/>همچنان: امر مقدار خریداری اقتصادی، کنترل نقطه امر خریداری، نقطه فرمایش دوباره و ذخیره مراجعه کنید.</p>                     |
| <p><b>J</b></p>  |   |
| <p><b>JOINT BID:</b> A bid/ offer submitted by a group of companies and/ or individuals which have formed a grouping (consortium) to bid for and (if awarded) implement a specific project. One lead company has to represent and act on behalf of all other members of the consortium towards the procuring entity. Nevertheless each member of the consortium remains jointly and severally liable for the fulfilment of the tender respectively the implementation of the contract.</p> | <p><b>آفر مشترک:</b> عبارت از ارائه آفر توسط یک گروهی از شرکت ها و یا افراد، که کنسرسیوم گروهی را جهت آفردهی و در صورت اعطای قرارداد اجرای یک پروژه مشخص تشکیل میدهند. یک شرکت رهبری کننده به نمایندگی از تمام اعضای دیگر کنسرسیوم در مقابل اداره تدارکاتی عمل مینماید. در حالیکه هر عضو کنسرسیوم به صورت مشترک و چندین عضو برای انجام یک مناقصه در اجرای قرارداد وفادار باقی میماند.</p> |
| <p><b>JURISDICTION:</b> The legal power to administer and enforce the law, the exercising of this power, the region within this power is valid or in which a person has authority.</p>   | <p><b>صلاحیت قانونی:</b> صلاحیت قانونی جهت اداره و تطبیق قانون، عملی نمودن این صلاحیت، ساحه محدوده آن قابل اعتبار بوده و یا اینکه یک شخص دارای صلاحیت میباشد.</p>   |
| <p><b>K</b></p>  |   |
| <p><b>KNOCKED DOWN (CKD):</b> Articles procured as parts and in unassembled form and referred to as in knocked down condition.</p>   | <p><b>به هم ریخته (CKD):</b> عبارت از موادی که به شکل بخش ها و یا پراکنده تهیه شده و منحصراً مواد به هم ریخته دانسته میشود.</p>   |
| <p><b>L</b></p>  |   |
| <p><b>LANDED PRICE:</b> A price including the cost of the goods, transportation, insurance and other cost incidental to delivery to the location specified by the purchaser. It also includes import duty where applicable.</p>  | <p><b>قیمت فرود آمده:</b> عبارت از قیمتیکه شامل مصارف اجناس، انتقالات، بیمه و سایر مصارف تصادفی در تحویلی در محل مشخصه توسط خریدار میباشد. این قیمت همچنان شامل مسؤلیت های وارداتی در صورتیکه قابل اجرا باشد، میشود.</p>  |
| <p><b>LATE BID:</b> A bid/ offer received after the closing time and date indicated in the bidding documents issued. A late bid shall always be returned unopened to the bidder.</p>   | <p><b>آفر ناوقت رسیده:</b> عبارت از آفریکه بعد از پایان تاریخ و زمان معینه در شرطنامه دریافت شده، میباشد. آفریکه دیر دریافت شده، باید باز نشده به داوطلب برگردانده شود.</p>   |
| <p><b>LATENT DEFECT:</b> A defect in a product that is normally difficult to notice visually or through ordinary and reasonable inspection and which becomes apparent in the course of its use.</p>  | <p><b>نقص پوشیده:</b> عبارت از نقص یا کاستی در یک تولید که معمولاً برای دید مشکل بوده و از طریق بررسی معمولی معقول که در جریان استفاده آشکارا میشود.</p>  |
| <p><b>LAY DAYS:</b> The number of days during which a vessel</p>   | <p><b>روزهای معطلی در بندر:</b> عبارت از تعداد روزهاییکه در جریان آن یک</p>   |

|  |   |
|--|---|
| <p>may load or unload without involving demurrage or dispatch. The days may be counted as running days (including weekends and other holidays), as working days (excluding Sundays and other holidays), or as weather working days, the days on which weather permits to proceed with loading/ unloading.<br/><i>see also: Free time, Demurrage, Detention</i></p>   | <p>کشتی بدون شمول حق معطلی یا ارسال، بارگیری و یا تخلیه نموده می‌تواند، میبایشد. این روزها منحصراً روزهای جاری (به استثنای یکشنبه و سایر روزهای رخصتی)، و یا روزهای کاری، روزهاییکه برای پیشرفت بارگیری و یا تخلیه اجازه داده میشود، حساب شده می‌تواند.<br/>همچنان: اوقات فراغت، روزهای معطلی و توقیف مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>LEAD TIME:</b> The period of time from date of placing the order with a supplier to the date by which the goods are delivered by him and received by the procuring entity. In inventory management, one has to allow for reasonable lead time (based on experience) so that orders are placed well ahead of requirements, providing for the delivery time as well as the time for haulage of the goods to the procuring entity's warehouse, so as to avoid the possibility of a stock out.<br/><i>see also: Administrative lead time</i></p>   | <p><b>میعاد تحویلی:</b> عبارت از مدت زمان شروع از صدور امر یا فرمان به تهیه کننده الی تاریخیکه اجناس توسط وی تحویل داده شده و توسط اداره تدارکاتی دریافت گردیده میبایشد. در مدیریت موجودی، باید برای وقت کافی و معقول (مبنی بر تجربه) طوری اجازه داده شود که فرامین خریداری قبل از ضروریات، وقت تحویلی و همچنان برای انتقال اجناس به تحویلخانه اداره تدارکاتی، جهت اجتناب از خالی شدن گدام در نظر گرفته شود.<br/>همچنان: به میعاد اداری تحویلی مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>LETTER OF CREDIT (L/C):</b> An order from a banker (or other person) at one place to his agent abroad (a foreign bank) authorising him to pay a given sum to the person or company named therein. Commercial letters of credit are extensively used as means of overseas payments. This requires the procuring entity to request his banker to open a letter of credit for a specified amount favouring the supplier and negotiable by a supplier's bank in his country. The procuring entity indicates in the application of credit to the opening bank the conditions which should be fulfilled by the supplier (e.g. submission of bill of lading and other documentation) and upon the fulfilment of which only should the negotiating bank release the money.<br/><i>see also: Confirmed letter of credit</i></p> | <p><b>اعتبارنامه (L/C):</b> عبارت از فرمان یک بانکدار (یا شخص دیگر) در یک جای به نماینده خود در خارج (یک بانک خارجی) با دادن صلاحیت به وی جهت پرداخت یک مبلغ داده شده به شخص یا شرکت معینه میبایشد. اعتبارنامه های تجارتی به صورت وسیع منحصراً وسیله پرداخت های فرامرزی استفاده میشود. طبق آن لازم است که اداره تدارکاتی از بانکدار خود تقاضا نماید تا اعتبارنامه یی برای یک مبلغ معین به طرفدار از تهیه کننده و قابل تبدیل به پول توسط بانک تهیه کننده در کشور خود باز نماید. اداره تدارکاتی در درخواست اعتبارنامه به بانک مربوطه شرایطی را که توسط تهیه کننده باید اجرا شود، تذکر مینماید (مثال: ارائه سند بارگیری کشتی و سایر اسناد) و بعد از تکمیل آن که صرف بانک مذاکره کننده باید پول را بپردازد.<br/>همچنان: به اعتبارنامه تأیید شده مراجعه شود.</p> |
| <p><b>LETTER OF INDEMNITY:</b> A letter issued by the supplier to the effect that he will be responsible for losses or damage arising from any faulty packaging.</p>   | <p><b>سند جبران خساره:</b> صدور نامه توسط تهیه کننده مبنی بر اینکه وی مسؤول برای جبران خساره یا زیان ناشی از هر نوع نقص در بسته بندی خواهد بود.</p>   |
| <p><b>LETTER OF INTENT:</b> A preliminary quasi-contractual arrangement by letter customarily used in circumstances where the goods, works or services, quantities, price and delivery dates are known, but where principal contract provisions may require additional time-consuming negotiations. A letter of intent is used to enter into interim agreement, pending a definite contract so as to permit the start of services, construction, production, or delivery of supplies or materials.</p>   | <p><b>مرام نامه:</b> عبارت از یک موافقتنامه ابتدایی شبیه قرارداد توسط نامه ایکه به صورت عادی درحالاتیکه اجناس، امورساختمانی یا خدمات، کمیت، قیمت و تاریخ تحویلی معلوم بوده، مگرطبق احکام اصلی قرارداد مذاکرات اضافی لازم شده می‌تواند، استفاده میشود. مرامنامه به منظور داخل شدن در یک موافقتنامه موقتی، برای قراردادیکه به تعویق افتیده است جهت اجازه آغاز خدمات، ساختمان، تولیدات، و یا تحویلی امکانات و مواد استفاده میشود.</p>  |
| <p><b>LICENSING:</b> The word is used in many different contexts. Essentially it means a document giving right to a person or a firm which it would not otherwise have. In business it may mean a legal arrangement transferring the rights to manufacture, or to market, a product or service rights to another. Such an arrangement is usually formalised by a document. There might be a consideration, perhaps in the form of a regular fee, or of a commission or royalty. In many countries, licensing is used as a method of deciding who should sell what.<br/><i>see also: Import licence</i></p>   | <p><b>اجازه نامه:</b> این کلمه برای معنی ها و مفاهیم مختلف استفاده میشود. اساساً این عبارت از سندی است که به یک شخص حقیقی را که در غیر آن نمیتواند داشته باشد، میدهد. در تجارت این میتواند به معنی یک ترتیبات قانونی انتقال حقوق به ساخت، بازار، تولید یا حق خدمت به یک شخص باشد. همچون یک ترتیبات معمولاً توسط یک سند رسماً گرفته میشود. ممکن ملاحظاتی که شاید به شکل یک فیس منظم، کمیشن و یا حق الامتیاز وجود داشته باشد. در بسیاری از کشورها، دادن جواز یا اجازه نامه منحصراً روش تصمیم گیری در زمینه اینکه چه کسی چه چیز باید بفروشد، استفاده میشود.<br/>همچنان: به جواز وارداتی مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>LIEN:</b> A right by which one person, usually a creditor, has to retain possession (property) of the goods of another until such times as the owner of the goods does not clear the liabilities. A common instance of a lien is the right of a carrier to retain possession of the</p>  | <p><b>حق رهن یا گروی:</b> حق حفظ یا قید نمودن ملکیت (دارایی) اجناس یک شخص توسط شخص دیگر، معمولاً یک طلبکار، تازمانیکه مالک اصلی اجناس، قرضداری خود را تادیه ننماید، میبایشد. یک مثال عام گروی عبارت از حق یک انتقالدهنده در حفظ مالکیت اجناس</p>  |

|   |  |
|---|--|
| goods and not deliver these until his charges are paid.   | و عدم تحویلی آن تا زمانیکه پول وی پرداخته شود میباشد.  |
| <b>LIFE-CYCLE COSTING:</b> A procurement technique for evaluation of bids/ offers that considers, besides acquisition costs (price), other cost elements of maintenance, operating, etc., in evaluating different supply bids/ offers to compare and to select the one with the lowest total cost for the entire period over which the product is expected to be in use.<br><i>see also: Analysis of bids, Tabulation of bids/ offers, Bid evaluation</i> | <b>مصارف کارایی:</b> عبارت از تخنیک تدارکاتی برای ارزیابی آفرها، بر علاوه مصارف خریداری (قیمت)، سایر مصارف عناصر حفظ و نگهداشت، عملیات و غیره، در ارزیابی آفرهای مختلف جهت مقایسه و انتخاب آفر دارای نازلترین قیمت برای طول مدتیکه محصول قابل استفاده بوده، میباشد.<br>همچنان: به تحلیل و تجزیه، جدول بندی و ارزیابی آفرها مراجعه شود.   |
| <b>LINER TERMS:</b> Terms of affreightment under which loading and discharging expenses will be to the ship owner's account. Liner terms are commonly applied by liner carriers.  | <b>مقررات کشتی یا هواپیما:</b> این مقررات کرایه کشتی میباشد که طبق آن مصارف بارگیری و تخلیه بر عهده مالک کشتی خواهد بود. مقررات کشتی یا هواپیما به صورت عموم توسط انتقالدهنده گان با کشتی یا هواپیما قابل اجرا میباشد.   |
| <b>LIQUIDATE DAMAGES:</b> Damages that become due to one of the parties to a contract when the other party fails to fulfil his contractual obligations, that is, there is a breach of contract on his part. Liquidated damages are usually specified in the contract itself and need not be related to an actual loss.<br><i>see also: Penalty clause</i>   | <b>خساره های نقدی:</b> خساره هایی واقع شده به قرارداد توسط یکی از جانبین شامل در آن زمانیکه جانب مقابل در اجرای مکلفیت های خود طبق قرارداد موفق نبوده، که من حیث نقض قرارداد از جانب وی دانسته میشود. خساره های نقدی معمولاً در خود قرارداد مشخص شده و ضرورت به ارتباط دادن آن به یک خساره واقعی نیست.<br>همچنان: به بند مجازات یا جریمه مراجعه شود.   |
| <b>LIST PRICE:</b> The prices published in a catalogue or any similar publication by a producer (or trader) from time to time. Often list prices are indicative prices on which discounts are offered.<br><i>see also: Cash discount, Concealed discount, Discount, Price discrimination, Quantity discount, Rebate, Trade discount</i>   | <b>جدول نرخ:</b> نرخ های که در یک کاتالگ یا هر نشریه مشابه آن توسط یک تولید کننده (یاتجار) هر از گاهی به نشر میرسد. بسیاری از اوقات لست نرخ ها قیم خیردهنده بوده که پیشنهاد تخفیفات در آن صورت میگردد.<br>همچنان: تخفیف پول نقد، تخفیف لغوشده، تخفیف، تفاوت قیمت، تخفیف در مقدار، کاهش، و تخفیف تجارتي مراجعه شود.   |
| <b>LOCATION CLAUSE:</b> A clause in a cargo insurance contract which limits insurance cover for a loss at any place prior to loading on to the vessel. This means that the value of the assured cargo in any one location can be higher than the stated limit and it will continue to be insured for that higher value but if it is damaged by, say a fire in a warehouse, the claim will extend only up to the stated limit.                             | <b>لایحه محل:</b> عبارت از یک بندی از قرارداد بیمه میباشد که بیمه را برای پوشش یک خساره در هر جا قبل از بارگیری در کشتی محدود میسازد. این بدان معنی است که ارزش محموله بیمه شده در هر یکی از محل میتواند نسبت به حدود تعیین شده بلند تر باشد و این بیمه با آن ارزش بلند تر ادامه خواهد داشت اما در صورتیکه بواسطه مثلاً یک آتش سوزی در یک گدام خساره مند شود، ادعا حقوق صرف تا حدود معینه آن وسعت خواهد داشت.                    |
| <b>M</b>  |  |
| <b>MANDATORY STANDARD:</b> A standard of which the application has been made mandatory by a regulation.<br><i>see also: Standard, Standardisation, Variety control</i>  | <b>معیار اجباری:</b> عبارت از معیاری است که در آن درخواست توسط یک مقرر اجباری ساخته شده است. همچنان: به معیار، معیاری سازی و کنترول متنوع مراجعه شود.  |
| <b>MANIFEST:</b> A detailed list of cargo being carried on board by a carrier (e.g. vessel or aircraft), including quantity, identifying marks, consignor and consignee of each item. This is made or signed by the captain of the vessel or aircraft. A copy is handed over to the customs. Copies of the manifest are also sent to the ship's agents at ports of call.<br><i>see also: Consist</i>  | <b>جدول معلومات اجناس:</b> عبارت از لست مفصل محموله که شامل کمیت، علامت های شناسایی، فرستنده و گیرنده گان بار که هر قلم عنوانی آنها ارسال شده است توسط یک انتقالدهنده (مثلاً کشتی یا هواپیما)، حمل میشود. این جدول معلومات توسط کاپیتان کشتی یا پیلوت هواپیما ساخته یا امضا میشود. یک کاپی از تحویلی ها به گمرکات، کاپی های جدول معلومات همچنان به نماینده کشتی در بندرهای فرخوان فرستاده میشود.<br>همچنان: به محتوی مراجعه شود. |
| <b>MARGINAL COSTING:</b> The extra cost of increasing production by one unit. It includes only the variable costs (direct costs) and no element of fixed costs (overheads).   | <b>مصارف احتیاطی:</b> عبارت از مصرف اضافی محصول توسط یک واحد میباشد. این مصرف تنها شامل مصارف مختلف (مصارف مستقیم) بوده و نه عنصری معینه (مصارف اضافی) میباشد.   |
| <b>MARK OF CONFORMITY:</b> A mark attesting that a product or a service is in conformity with specific standard or technical specifications.  | <b>علامت انطباق:</b> عبارت از علامت تصدیق کننده اینکه یک محصول یا خدمت در مطابقت با معیار مشخص یا مشخصات تخنیکی میباشد.  |

|   |  |
|---|--|
| <p><b>MARKET ANALYSIS:</b> Information required to make an assessment of market conditions such as demand and supply conditions, prices, discounts, etc., to enable a procuring entity to make the right purchase decision. Besides information through formal channels or a survey it also includes information through informal channels such as agents, other buyers, etc.<br/><i>see also: Sourcing</i></p> | <p><b>تحليل و تجزيه بازار:</b> عبارت از معلومات لازم جهت راه اندازی بررسی شرایط بازار مانند تقاضا و شرایط تهیه، قیمت، تخفیفات، و غیره به منظور توانایی بخشیدن اداره تدارکاتی تا تصمیم درست برای خریداری را اتخاذ نماید. بر علاوه معلومات از طریق چینل یا نهاد های رسمی یا سروی آن همچنان شامل معلومات از طریق چینل های نهاد های غیررسمی مانند نماینده گان، خریدار های دیگر، و غیره میباشد.<br/>همچنان: به منبع مراجعه شود.</p> |
| <p><b>MARKET LEADER:</b> Brand and/ or product with the largest market share. Often refers to the company producing and marketing the brand/ product concerned.<br/><i>see also: Price leadership</i></p>   | <p><b>رهبر بازار:</b> عبارت از علامت و یا محصول دارای سهم بزرگ در بازار میباشد. اکثر اوقات، به شرکت تولید کننده و نشان بازاری محصول مربوط اطلاق میشود.<br/>همچنان: نرخ پیشتاز مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>MARKING:</b> Applications of indications on a product or on a package primarily for the purpose of identifying marks, marks of conformity, characteristics of the product, etc. Marking may also be applied to equipment employed in transferring a product to the user; for example, dispensers such as petrol pumps.</p>  | <p><b>علامت گذاری:</b> عبارت از درخواست نشانه گذاری در یک محصول یا بسته اولاً به منظور شناخت علامت، علامت های انطباق، خصوصیات محصول، و غیره میباشد. علامه گذاری همچنان به استخدام تجهیزات جهت انتقال محصول یا تولید به استفاده کننده آن قابل اجرا میباشد. به طور مثال: به فروشگاه های مانند پمپ های پترول مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>MATERIAL:</b> <i>see Goods</i></p>  | <p><b>مواد:</b> به اجناس مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>MATERIAL DEFICIENCY:</b> Any deficiency (such as physical, chemical, electrical or functional) noted in material that is attributed to non-conformance to contract specifications. Substandard workmanship is considered to fall within this definition.<br/><i>see also: Non-conformance, Technical specification</i></p>  | <p><b>کمبود مواد:</b> هر نوع کمبود یا نقص (فیزیکی، کیمیایی، برقی یا کارایی) ملاحظه شده در مواد که به عدم مطابقت با مشخصات قرارداد نسبت داده شود. معیارات فرعی کارگری، داخل این تعریف شامل میشود.<br/>همچنان: به عدم مطابقت و مشخصات تکنیکی مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>MULTIPLE AWARD:</b> The award of separate contracts to two or more bidders for the same product where a single bidder does not offer to supply the entire quantity required or where the procuring entity wants to split a demanded quantity as part of his long-term purchasing strategy.<br/><i>see also: Multiple Source Buying</i></p>  | <p><b>عقد قرارداد با چندین اشخاص:</b> عبارت از اعطای قراردادهای جداگانه به دو یا بیشتر داوطلبان برای عین محصول یا تولید، در صورتیکه یک داوطلب پیشنهاد تهیه تمام مقدار لازم را ننماید یا اداره تدارکاتی میخواهد مقدار درخواست شده را منحصراً بخشی از استراتژی دراز مدت خریداری خویش از هم جدا سازد.<br/>همچنان: به خریداری چندین منبعی مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>MULTIPLE SOURCE BUYING:</b> A purchasing strategy by a procuring entity to diversify sources of supply, reduce his dependence on one or few suppliers and to increase competition.<br/><i>see also: Multiple award</i></p>  | <p><b>خریداری از چندین منبع:</b> عبارت از استراتژی اداره تدارکاتی جهت تنوع منابع تهیه کننده، کم کردن وابستگی خویش به یک یا چند تهیه کننده و از دیدار رقابت میباشد.<br/>همچنان: به اعطای چند گانه مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>MUTUAL ASSENT:</b> The basis for a contract is that each party agrees to the same thing. Each must know what the other intends; they must mutually assent to be in agreement.</p>   | <p><b>موافقت دوجانبه:</b> اساس یک قرارداد این است که هر یک از جانبین به عین چیز موافقت مینمایند. هر یک باید بدانند که مقصد دیگری چه میباشد؛ آنها باید به عین چیز باهم موافقه نمایند.</p>   |
| <p><b>N</b></p>   |  |
| <p><b>NEGOTIABLE INSTRUMENT:</b> A document of title to goods/ property which on transfer (affected through delivery with or without endorsement) passes the legal right to goods/ property named therein to the transferee.</p>  | <p><b>سند قابل مذاکره:</b> عبارت از یک سند و یا عنوان ملکیت اجناس که در مورد انتقال (از طریق تحویلی با و یا بدون موافقت) حق قانونی را در مورد اجناس و یا ملکیت متذکره به نام کسیکه اجناس به وی انتقال میابد، میسازد.</p>   |
| <p><b>NEGOTIATION:</b> The term refers to the bargaining process between a procuring entity and a bidder each advancing his arguments in trying to get the best contract terms from his viewpoint. It is allowed only in specific procurement methods.</p>  | <p><b>مذاکره:</b> این سند به پروسه داد و ستد میان یک اداره تدارکاتی و داوطلب که هر یکی در استدلال خود جهت تلاش برای بدست آوردن بهترین شرایط قرارداد از نقطه نظر خود مینمایند، اطلاق میشود. این سند با شرایط صرف در روش های مشخص تدارکاتی اجازه داده میشود.</p>   |
| <p><b>NET PRICE:</b> Final price after all adjustments have been made for all discounts and rebates.</p>  | <p><b>قیمت خالص:</b> عبارت از قیمت نهایی بعد از اینکه تعدیلات برای تمام تخفیفات و کاهش ها صورت گرفته، میباشد.</p>  |
| <p><b>NETWORK ANALYSIS:</b> Breaking down a complex project</p>   | <p><b>تحليل و تجزيه شبکه ها:</b> طبقه بندی یک پروژه پیچیده به یک سلسله</p>   |

|  |  |
|--|--|
| <p>into a series of activities, arranging these with precedence ordering, putting against each of the activities the estimated completion time and depicting the sequence on a diagram to facilitate the identification of inter-relationships and critical areas of activity a delay in any one of which is likely to delay the implementation of the project. It is a technique of contract monitoring and administration.</p> | <p>فعالیت ها، با در نظر داشت تقدم ترتيب، بادر مقابل قرارداد هر فعالیت، میعاد تخمینی تکمیل و وانمود ساختن بعدی آن در یک نما جهت تسهیلات در شناخت روابط بین هم و ساحات بحرانی فعالیت، تاخیر در هر یک که ممکن باعث تاخیر در اجرای پروژه شود، میباشد. این یک تخنیک تفتیش و اداره یک قرارداد میباشد.</p>  |
| <p><b>NET WEIGHT:</b> The weight of the contents of a package/ container/ wagon net of packaging material and/ or tare weight.<br/><i>see also: Gross weight, Tare weight</i></p>  | <p><b>وزن خالص:</b> عبارت از وزن خالص محتویات یک بسته یا کانتینر و یا واگون بسته های مواد و یا وزن خاص میباشد.<br/>همچنان: به وزن اصلی یا وزن خالص مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>NON-CONFORMANCE:</b> The failure of services and/ or material supplied by a supplier to conform to Technical specification or terms of reference and/ or specifications as incorporated in the contract.<br/><i>see also: Material deficiency</i></p>  | <p><b>عدم مطابقت:</b> عبارت از عدم موفقیت خدمات و یا مواد تهیه شده توسط یک تهیه کننده در مطابقت با مشخصات تخنیکی یا لانه وظایف مندرج در یک قرارداد میباشد.<br/>همچنان: به نواقص مواد مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>NON-CONSULTANCY SERVICES<sup>16</sup>:</b> means any object of procurement other than goods, works and consultants' services.</p>  | <p><b>خدمات غیر مشورتی<sup>16</sup>:</b> عبارت از هر موضوع تدارکاتی غیر از اجناس، امور ساختمانی و خدمات مشورتی میباشد.</p>   |
| <p><b>NON EXPENDABLE MATERIAL:</b> Items that are not consumed in use and that ordinarily retain their original features and characteristics during the period of use (e.g. typewriters, micro-computers, vehicles, etc.).<br/><i>see also: Expendable material</i></p>  | <p><b>مواد غیر مصرفی:</b> عبارت از اقلام یا اجناسیکه با استفاده از بین نرفته و به صورت عادی ماهیت اصلی و خصوصیات خویش را در جریان دوره استفاده (به گونه مثال: ماشین تایپ، کمپیوترهای کوچک، موترها، و غیره) از دست ندهند، میباشد.<br/>همچنان: به مواد مصرفی مراجعه شود.</p>                           |
| <p><b>NON-RECURRING DEMAND:</b> A request made by a user (department) on a one-time basis for a special purpose or use.<br/><i>see also: Recurring demand</i></p>  | <p><b>تقاضای غیر قابل برگشت:</b> عبارت از درخواست توسط یک استفاده کننده (دیپارتمنت) مبنی بر یک زمان به منظور استفاده مخصوص میباشد.<br/>همچنان: به تقاضای غیر قابل برگشت مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>NON-RESPONSIVE BID:</b> A bid/ offer made by a bidder which does not conform to the essential requirements of the tender.<br/><i>see also: Responsive bid</i></p>  | <p><b>شرطنامه غیر واجد شرایط:</b> عبارت از آفر ارائه شده توسط یک داوطلب میباشد که با شرایط لازم داوطلبی مطابقت ننماید.<br/>همچنان: به آفر جوابگو مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>O</b></p>  |  |
| <p><b>OFFER:</b> An offer is the positives answer issued by a bidder in response to an invitation to bid or an announcement to deliver goods, carry out works and/ or services to all or a specific procuring entity without a specific request or invitation to bid.<br/><i>See also: Bid, Offeree, Offeror</i></p>   | <p><b>آفر:</b> یک آفر عبارت از جواب مثبت صادر شده توسط یک داوطلب در مقابل دعوت به آفردهی یا یک اعلان جهت تحویلی اجناس، اجرای امور ساختمانی و یا انجام خدمات به تمام یا یک اداره تدارکاتی مشخص بدون یک درخواست مشخص یا دعوت به آفردهی میباشد.<br/>همچنان: به آفر، آفرگیر، و آفر دهنده مراجعه شود.</p> |
| <p><b>OFFEREE:</b> A person (a buyer) to whom a supply offer is made.<br/><i>see also: Bid, Offer, Offeror</i></p>   | <p><b>آفرگیر:</b> عبارت از شخصی (یا خریدار) میباشد که پیشنهاد تهیه به وی صورت میگیرد.<br/>همچنان: به آفر و آفر دهنده مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>OFFEROR:</b> A supplier who makes a bid or an offer in response to a purchase or an invitation to bid.<br/><i>see also: Bid, Offer, Offeree</i></p>  | <p><b>آفر دهنده:</b> عبارت از تهیه کننده ای میباشد که یک آفر را در جواب به دعوت خریداری یا آفردهی ارائه مینماید.<br/>همچنان: به آفر و آفرگیر مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>OPEN TENDER<sup>17</sup>:</b> The procurement method in which any contractor may submit a bid concerning the procurement of his interest, in compliance with the</p>   | <p><b>مناقصه باز<sup>17</sup>:</b> عبارت از روش تدارکاتی مندرج ماده بیست و سه قانون است که به اساس آن قراردادی علاقمند میتواند با رعایت</p>  |

<sup>16</sup> PPL, Art.3(9) and PPU/C005/1386, Art.3(14).

<sup>17</sup> PPL Art.3(9) and PPU/C005/1386, Art.3(15).

|   |  |
|---|--|
| specifications set forth in the bidding documents, to the relevant authority.   | مشخصات تخنیکي و سایر ضروریات مندرج شرطنامه، آفرخویش را به اداره مربوطه را تسلیم نماید.   |
| <b>OPEN COVER:</b> Standard arrangement by an exporter with his marine insurer, whereby all his shipments are automatically insured. By agreement, whereas the assured is obliged to inform the insurer of all his shipments the latter insures all those shipments. The arrangement may be cancelled by a notice period as provided for in the policy.   | <b>پوشش باز:</b> عبارت از ترتیبات معیاری توسط یک صادرکننده با بیمه کشتی خود، که تمام محموله ها را به صورت اتوماتیک بیمه مینماید، میباشد. طبق این موافقتنامه، بیمه شده مکلف به اطلاع دادن بیمه کننده در مورد تمام محموله های خود که بعدی تمام آن محموله هارا بیمه مینماید. این ترتیبات با دادن آگهی طبق مندرجات پالیسی لغو شده میتواند.   |
| <b>OPEN POLICY:</b> A cargo insurance policy designed to cover all consignments forwarded by the assured subject to a limit in any one vessel and, usually, a time limit during which declarations must attach. Unlike the floating policy it does not have an aggregate limit, but the underwriter can invoke a cancellation clause if he wishes to withdraw cover.<br><i>see: Floating policy</i> | <b>پالیسی باز:</b> عبارت از یک پالیسی بیمه طرح شده جهت تحت پوشش قرارداد تمام اجناس پیشکش شده توسط بیمه دریک محدوده در هر یک از کشتی و، معمولاً یک محدوده زمانی با ضمیمه بیانات آن میباشد. برخلاف پالیسی دریایی این یک محدوده دسته جمعی ندارد، اما تعهد کننده میتواند یک بند فسخ را در صورتیکه بخواهد از پوشش انصراف کند، مطالبه نماید.<br>همچنان: به پالیسی دریایی مراجعه شود. |
| <b>ORDER:</b> A will often documented in writing with the expression to buy with instructions, issued to a supplier for material and/ or services to be made available at specified price and time. Orders can be issued without any reference to a tender/ offer.<br><i>see also: Agreement, Procurement contract</i>  | <b>فرمایش:</b> بسیاری اوقات یک خواست به شکل سند تحریری همراه با بیان جهت خریداری با رهنمود های صادر شده توسط تهیه کننده برای مواد و یا خدماتیکه در مقابل قیمت و وقت مشخص در دسترس قرار بگیرد، میباشد. فرامین میتواند بدون مراجعه به کدام مناقصه یا آفر صادر شود.<br>همچنان: به موافقتنامه و قرارداد تدارکاتی مراجعه شود.   |
| <b>ORDERING COSTS:</b> Cost of placing an order.  | <b>مصارف امر خریداری:</b> عبارت از مصرف یک امر خریداری میباشد.   |
| <b>ORDER POINT CONTROL:</b> A method of inventory control which relies on defining a minimum stock level which when reached must trigger off procurement action of re-ordering.<br><i>see also: Inventory control, Reorder point</i>  | <b>کنترل نقطه خریداری:</b> عبارت از روش کنترل موجودی که بالای معرفی حد اقل زمانیکه به سطح ذخیره می رسد باید از اقدام دوباره فرمان دادن تدارکات ممانعت صورت گیرد.<br>همچنان: به کنترل موجودی و نقطه امر خریداری دوباره مراجعه شود.  |
| <b>ORIGINAL EQUIPMENT MANUFACTURER (OEM):</b> Producer who procures goods and/ or services and incorporates these (a component part) into a product, which he is manufacturing for sale without any changes in the goods procured.  | <b>سازنده اصلی تجهیزات (OEM):</b> عبارت از تولید کننده ایکه اجناس و یا خدمات را تولید نموده و اینهارا (منحیث یک جزء) در داخل یک محصولیکه او برای فروش بدون کدام تغییرات در اجناس تهیه شده جاسازی مینماید، میباشد.  |
| <b>P</b>  |  |
| <b>PACKING LIST:</b> A statement which lists in detail the contents of a particular package. It is also called PACKING NOTE.  | <b>لست بسته بندی:</b> عبارت از یک ابلاغیه ایکه تمام محتویات یک بسته خاص را به صورت مفصل لست مینماید. این همچنان به نام یادداشت بسته بندی نیز یاد میشود.  |
| <b>PARTICULAR AVERAGE:</b> <i>see Average particular</i>  | <b>اوسط خاص:</b> به اوسط خاص مراجعه شود.   |
| <b>PATENT:</b> A right or an authority granted by a designated government agency to an inventor to have a sole right of making, using or selling his invention for a specified period.<br><i>see also: Patent infringement, Propriety article</i>   | <b>حق امتیاز:</b> عبارت از یک حق یا صلاحیتیکه توسط یک نماینده حکومت به یک شخص مخترع که تنها وی حق ساختن، استفاده یا فروش اختراع خود را برای یک مدت معینه دارد، میباشد.<br>همچنان: به تخلف از حق امتیاز و رعایت ماده مراجعه شود.  |
| <b>PATENT INFRINGEMENT:</b> Unauthorised use by a manufacturer of a product or process invented by someone else and over which the latter has a patent right. The procuring entity, to protect himself against patent infringement by a supplier, usually has an appropriate clause inserted to this effect in the purchase contract.<br><i>see also: Patent</i>                                    | <b>تخلف از حق امتیاز:</b> استفاده نادرست و بدون اجازه سازنده یک تولید که توسط کسی دیگری که آن را اختراع نموده و حق امتیاز بالای آن را دارد، میباشد. اداره تدارکاتی، به منظور اینکه خود را در مقابل حق امتیاز تهیه کننده نگهداشته باشد، معمولاً یک ماده یا بند جداگانه درین مورد را در قرارداد خریداری علاوه مینماید.<br>همچنان: به حق امتیاز مراجعه شود.                       |
| <b>PAYMENT:</b> The contractually agreed equivalent to the goods, works and/ or services supplied by the supplier,  | <b>پرداخت:</b> عبارت از موافقه قراردادیکه مساوی به اجناس، امور ساختمانی و خدمات تهیه شده توسط یک تهیه کننده، تهیه شده  |



|   |  |
|---|--|
| <p>provided by the procuring entity usually in terms of money. Payment can be done in stages: advance payment, progress payments, final payment; upon evidence (presentation of vouchers) or as a lump sum or on the basis of an agreed rate per unit multiplied with the number of units justified.<br/><i>see also: Advance payment, Cash on delivery (COD), Cash with order, Progress payments, Terms of payment</i></p> | <p>توسط اداره تدارکاتی معمولاً تحت شرایط پولی میباشد. پرداخت در دو مرحله صورت گرفته میتواند: پرداخت پیشگی، پرداخت های پیشرفت کار، پرداخت نهایی؛ بعد از دریافت مدرک (ارائه اسناد) یا منحیث قرارداد بالمقطع یا مبنی بر یک نرخ موافقه شده فی واحد ضرب شده در تعداد واحدهای تعدیل شده صورت میگردد.<br/>همچنان: به پرداخت پیشگی، پول نقد در مقابل تحویلی، حواله پول نقد، پرداخت های پیشرفت کار و شرایط پرداخت مراجعه شود.</p> |
| <p><b>PENALTY CLAUSE:</b> A clause in a contract specifying the sum to be paid by the defaulting party to the other if the contract is not fulfilled. The sum is usually an estimate of the loss likely to be suffered by the party as a result of default.<br/><i>see also: Liquidated damages</i></p>   | <p><b>بند مربوط به جریمه:</b> عبارت از یک بند در یک قرارداد میباشد که مبلغ قابل تادیبه را، هرگاه قرارداد اجرا نشده توسط یکی از جانبین که از طرف وی در مقابل دیگری تخلف صورت گرفته است مشخص میسازد. این مبلغ معمولاً برای یک خساره تخمینی که ممکن بالای یکی از جانبین در نتیجه تعلل از جانب دیگر رخ واقع میشود، میباشد.<br/>همچنان: به جریمه نقدی مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>PERFORMANCE SECURITY:</b> A guarantee (bank guarantee or bond) executed by a seller/ contractor as security towards the performance and fulfilment of the contract within the terms and conditions agreed upon. Such guarantee can be issued as a bank guarantee or bond.<br/><i>see also: Earnest money</i></p>  | <p><b>تأمین اجرا:</b> عبارت از یک ضمانت (ضمانت بانکی یا تضمین) اجرا شده توسط یک فروشنده یا قراردادی میباشد که منحیث تأمین در مقابل اجرا و تکمیل قرارداد در داخل شرایط و مقرراتیکه بالای آن موافقه صورت گرفته است، میباشد. همچوتضمین میتواند منحیث یک ضمانت بانکی یا تضمین صادر شود.<br/>همچنان: به پول بیعانه مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>PERSON<sup>18</sup>:</b> A natural or legal person including companies, firms, and the like.</p>  | <p><b>شخص<sup>18</sup>:</b> عبارت از یک شخص طبیعی یا قانونی به شمول شرکت ها، نهاد ها و مانند آن میباشد.</p>  |
| <p><b>PHASED DELIVERIES:</b> Scheduling shipments of material or supplies at specific intervals of time as per contract terms.</p>  | <p><b>تحویلی های مرحله وار:</b> جدول بندی محموله مواد یا تهیه جات دروقفه های مشخص از ميعاد منحیث شرایط قرارداد میباشد.</p>   |
| <p><b>PRE-AWARD SURVEY:</b> A physical survey undertaken to make an evaluation of a bidder technical, financial and managerial capability to perform the contract (<i>i.e.</i> ability to supply the goods) before it is awarded, sometimes referred to as vendor survey. For service contracts bidder's references can be asked for or interviews with the key personnel proposed can be held.</p>                         | <p><b>بررسی قبل از اعطاء:</b> عبارت از یک سروی جهت ارزیابی یک داوطلب از لحاظ تخنیکی، مالی و توانایی مدیریت وی برای اجرای قرارداد (مثال: توانایی جهت تهیه اجناس) قبل از اعطاء، بعضی اوقات منحیث سروی فروشنده اطلاق میشود، میباشد. برای قراردادهای خدماتی ریفرنس یا مرجع داوطلبان تقاضا یا مصاحبه ها همراه با اشخاص کلیدی پیشنهاد شده صورت گرفته میتواند.</p>  |
| <p><b>PRECLUSIVE SPECIFICATION:</b> Specifications which are so restrictive as to limit or exclude competition.</p>   | <p><b>مشخصات مانعه:</b> عبارت از مشخصات تا اندازه محدود میباشد که باعث محدودیت یا ممانعت از رقابت شود.</p>   |
| <p><b>PREPAID (FREIGHT):</b> Means that transportation charges have been or are to be paid at the point of shipment and not at the destination.</p>   | <p><b>کرایه کشتی قبلاً پرداخت شده:</b> عبارت از مصارف ترانسپورتهای که پرداخت شده یا به مجرد آماده گی محموله ونه در محل مقصود تادیبه میشود.</p>   |
| <p><b>PRE-QUALIFICATION<sup>19</sup>:</b> The process described in the PPL Art.20.<br/><i>see also: Restricted tender, Registration of interest, Short list</i></p>   | <p><b>ارزیابی قبلی<sup>19</sup>:</b> عبارت از مرحله یا پروسه مندرج در ماده 20 قانون تدارکات عامه میباشد.<br/>همچنان: به مناقصه مقید، ثبت علاقمندی و شارتهای است مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>PRICE DISCRIMINATION:</b> The system, followed by a bidder, of charging different prices to different markets or classes of procuring entities. May be based on procuring entity-supplier relationship, volume of purchases/ orders, also as part of sales strategy or any other factor.<br/><i>see also: Cash discount, Concealed discount, Discount, List price, Quantity discount, Trade discount</i></p>          | <p><b>تفاوت قیمت:</b> عبارت از سیستمی میباشد که توسط یک داوطلب قیمت های مختلف را به بازارها یا اصناف ادارات تدارکاتی پیگیری میشود. ممکن با در نظر داشتن روابط میان اداره تدارکاتی و تهیه کننده، حجم خریداری ها یا فرامین، همچنان منحیث بخشی از استراتژی فروشات یا هر نوع عامل دیگر میباشد.<br/>همچنان: به تخفیف پول نقد، تخفیف لغوشده، تخفیف، فهرست نرخ، تخفیف کمیت و تخفیف تجارتهای مراجعه شود.</p>                     |

<sup>18</sup> PPL, Art.3(10) and PPU/C005/1386, art.3(6). "INCLUDING COMPANIES, FIRMS AND THE LIKE" is not mentioned in the PPL, only by the PPU/C005/1386.

<sup>19</sup> PPL, Art.3(18) and Art.42 (1),(2).

|  |  |
|--|--|
| <p><b>PRICE LEADERSHIP:</b> The lead taken by a company in setting a new price level. In a market with few bidders, usually the market leader takes the lead in establishing such a price level.<br/><i>see also: Market leader</i></p>  | <p><b>رهبری نرخ ها:</b> عبارت از رهبری که توسط یک شرکت در تعیین سطح نرخ جدید انجام یابد، میباشد. در یک بازار دارای چند داوطلب، معمولاً رهبری بازار مسئولیت رهبری در ایجاد همجو سطح نرخ را برعهده میگیرد.<br/>همچنان: به رهبر بازار مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>PRICE REVISION:</b> A provision in a contract for prices of products (usually a piece of equipment to be fabricated) or services to be increased or decreased if the costs of materials to be used (or the wages of labour) increase or decrease during the period of delivery. Generally, the contracts incorporate a formula for such price adjustments. A civil construction contract usually links wage costs of unskilled workers to any changes in a minimum wage laws or union wage settlements.<br/><i>see also: Composite price index</i></p> | <p><b>تجدید نظر نرخ ها:</b> عبارت از یک حکم در یک قرارداد برای نرخ های تولیدات (معمولاً یک قطعه از تجهیزات که ساخته میشود) یا خدمات تقلیل یا تکثیر یافته در صورتیکه مصارف مواد قابل استفاده (یادست مزد یک کارگر) در جریان میعاد تحویلی زیاد ویا کم شود، میباشد. عموماً، قراردادها یک فورمول برای همچو تعدیل قیمت را شامل میباشند. یک قرارداد ساختمانی معمولاً مصارف دست مزد کارگرهای بی تجربه جهت تغییرات در حد اقل قوانین معاش یا حل و فصل های اتحادیه معاشات را ارتباط میدهد.<br/>همچنان: به فهرست مرکب قیمت مراجعه شود.</p> |
| <p><b>PRIME CONTRACTOR:</b> <i>see Contractor, prime, subcontractor</i></p>  | <p><b>قراردادی ابتدایی:</b> به قراردادی ابتدایی و قراردادی فرعی مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>PROCUREMENT COMMITTEE<sup>20</sup>:</b> A group of persons appointed in accordance with the public procurement Law, to act as an approval award authority and conduct other procurement related functions in accordance with the Law.</p>  | <p><b>کمیته (هیئت) تدارکاتی<sup>20</sup>:</b> گروهی از اشخاص که در مطابقت با قانون تدارکات عامه که منحصراً امر اعطای منظوری دهنده و جهت راه اندازی سایر تدارکات مربوط به مأموریت تعیین میشوند.</p>   |
| <p><b>PROCUREMENT CONTRACT<sup>21</sup>:</b> The written agreement of the parties' will, regarding the procurement, of the agreed goods, works or services, on the basis of which rights and obligations of the parties are determined.</p>  | <p><b>قرارداد تدارکات<sup>21</sup>:</b> عبارت از موافقتنامه تحریری خواستهای جانبین، در مورد تدارکات اجناس موافقه شده، امور ساختمانی یا خدمات که مبنی بر آن حقوق و مکلفیت های جانبین در آن شناسایی میشود، میباشد.</p>   |
| <p><b>PROCUREMENT CYCLE:</b> A full procurement cycle involves the following stages: (a) identification of needs; (b) tendering; (c) contracting; (d) contract execution and monitoring.</p>   | <p><b>روند تدارکات:</b> یک دوران تدارکات شامل مراحل ذیل میباشد: (الف) شناسایی ضروریات؛ (ب) مناقصه؛ (ج) قرارداد کردن؛ (د) اجرا و تفتیش قرارداد.</p>   |
| <p><b>PROCUREMENT OFFICE<sup>22</sup>:</b> In accordance with the public procurement Law, the unit, boards, person or persons within each procuring entity designated to manage and implement, on an ongoing basis, the procurement of a procuring entity, and having the monetary award authority indicated in the Law.</p>   | <p><b>دفتر تدارکات<sup>22</sup>:</b> در مطابقت با قانون تدارکات عامه، واحد، بوردها، شخص یا اشخاص در داخل هر اداره تدارکاتی تعیین شده جهت اداره و اجرا، مبنی بر یک جریان، تدارکات یک اداره تدارکاتی، و ب داشتن صلاحیت پولی اعطا مندرج در قانون میباشد.</p>  |
| <p><b>PROCUREMENT POLICY UNIT (PPU)<sup>23</sup>:</b> Is the central policy and monitoring unit established pursuant to the Law.</p>   | <p><b>واحد پالیسی تدارکات (PPU)<sup>23</sup>:</b> عبارت از واحد مرکزی پالیسی و نظارتی که طبق قانون ایجاد میشود، میباشد.</p>  |

<sup>20</sup> PPL, Art.3(12) and PPU/C005/1386, Art.3(18)

<sup>21</sup> PPU/C005/1386, Art.3(19), PPL, Art.3(13), the definitions of the PPL and PPU/C005/1386 are slightly different.

<sup>22</sup> PPU/C005/1386, Art.3(21) rule

<sup>23</sup> PPL, Art.3(15) and PPU/C005/1386, Art.3(22)

<sup>24</sup> PPL, Art.3(17)

<sup>25</sup> PPL, Art.3(31)

<sup>26</sup> PPL Art.3 (16), PPL and PPU/C005/1386 definitions, are not exactly the same, there is a confusion between procuring and public entity in the PPU/C005/1386 definition.

|   |  |
|---|--|
| <p><b>PROCUREMENT PROCEEDING<sup>24</sup>:</b> The procurement activities that follow the decision by the initiation authority as mentioned in the PPL Annex A, to conduct a procurement, including any pre-qualification proceedings, and terminates with the completion of the procurement in accordance with the procurement contract.</p>   | <p><b>پروسه تدارکات<sup>24</sup>:</b> عبارت از فعالیت های تدارکاتی میباشد که به تعقیب تصمیم گرفته شده توسط مرجع آغاز طوریکه در ضمیمه 1 قانون تدارکات عامه، جهت راه اندازی تدارکات که شامل هر نوع پروسه ارزیابی قبلی، و با تکمیل تدارکات در مطابقت با قرارداد تدارکات صورت میگردد.</p>  |
| <p><b>PROCUREMENT UNIT<sup>25</sup>:</b> The unit designated to manage and implement all procurements of the relevant procuring entity, and having the monetary award authority indicated in the PPL Annex A.</p>   | <p><b>شعبه تدارکات<sup>25</sup>:</b> عبارت از واحدا اداره ای است که مسؤل مدیریت و اداره تمام تدارکات اداره مربوطه تدارکات بوده، و دارای صلاحیت پولی مندرج ضمیمه شماره 1 قانون تدارکات عامه میباشد.</p>   |
| <p><b>PROCURING ENTITY<sup>26</sup>:</b> The entity responsible for applying the provisions of the PPL to procurement, within the limits of its authority.<br/><i>see also: Buyer, Contracting authority, Procurement</i></p>   | <p><b>اداره تدارکات<sup>26</sup>:</b> عبارت از اداره یا نهادی است که مسؤلیت تطبیق احکام این قانون را به منظور تهیه اجناس و تدارک خدمات و امور ساختمانی در حدود صلاحیت خود به عهده دارد. همچنان: به خریدار، مقامات عقد قرارداد، و تدارکات مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>PROFORMA INVOICE:</b> An invoice prepared by a bidder in advance of a sale to show the form and amount of the invoice which will be rendered to the procuring entity if the sale takes place. Importers often require proforma invoices to support their request to governmental authorities for import permits and for foreign exchange.</p>   | <p><b>صورت حساب مقدماتی:</b> عبارت از صورت حساب تهیه شده توسط یک داوطلب به شکل پیشگی از فروش جهت نشان دادن شکل و مبلغ صورت حساب به اداره تدارکاتی زمانیکه خریداری صورت گرفت ارائه میشود. بسیاری اوقات، واردکننده گان صورت حساب های مقدماتی را به منظور حمایه از درخواست هاشان به مقامات دولتی جهت اخذ اجازه و تبادلات خارجی، لازم دارند.</p>   |
| <p><b>PROGRESS PAYMENTS:</b> Periodic payments, in advance of delivery or completion of the full contract. Such payments are usually linked, contractually, to different stages in the manufacturing process of a product (equipment) and civil construction or the services rendered.<br/><i>see also: Advance payment, Cash on delivery (COD), Cash with order, Payment</i></p>   | <p><b>پرداخت های پیشرفت کار:</b> عبارت از تادیات دوره یی، قبل از تحویلی یا تکمیل سرتاسری قرارداد میباشد. همچون پرداخت ها معمولاً، طبق قرارداد، به مراحل مختلف در پروسه ساختن یک تولید (تجهیزات) و ساختمان مدنی یا خدمات تحویل داده شده میباشد. همچنان: پرداخت های پیشگی، پول نقد برای تحویلی، حواله پول نقد و پرداخت مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>PROPOSAL:</b> <i>see Bid, Offer, Quotation</i></p>  | <p><b>پیشنهاد:</b> به آفر، نرخگیری مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>PROPOSAL CONFERENCE:</b> A meeting of all prospective bidders convened by a procuring entity some time before the bid closing date to explain to them the precise scope of work and to provide any clarifications on design, specifications, etc., to ensure that the bidders are clear about the procuring entity's precise needs and also have a uniform understanding of the same.</p>   | <p><b>کنفرانس پیشنهاد:</b> عبارت از جلسه تمام داوطلبان آینده که توسط اداره تدارکاتی یک اندازه قبل از تاریخ بسته شدن آفرگیری جهت تشریح ساحة دقیق کار و تهیه هر نوع توضیحات در طرح، مشخصات و غیره به آنها، به منظور اطمینان از اینکه داوطلبان به خوبی راجع به ضروریات دقیق اداره تدارکاتی میدانند و همچنان یک آگاهی رسمی یکسان دارند، دایر میشود.</p>  |
| <p><b>PROPRIETY ARTICLE:</b> An article manufactured and sold by a patentee or by his licensee.<br/><i>see also: Patent</i></p>   | <p><b>امتیاز مواد:</b> عبارت از ماده ایکه ساخته شده و توسط شخص مخترع یا بواسطه اجازه نامه وی به فروش می رسد. همچنان: به مخترع مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>PROVISIONING:</b> The process of determining the range and quantity of items (such as spares and repair parts, special tools, test equipment and support equipment) required for the maintenance of equipment for specified period of service. It includes the identification of items and arrangements with the supplier for their supplies when needed and/ or stocking of these if there are indications that these may not be easily available when required.<br/><i>see also: Certificate of inspection, Design specification, Inspection, Technical specification</i></p> | <p><b>شرط گذاری:</b> عبارت از پروسه شناسایی ترتیب و کمیت اقلام (مانند پرزه جات و پرزه جات ترمیم، سامان آلات خاص، تجهیزات امتحانی و تجهیزات حمایوی) لازم جهت حفظ تجهیزات برای یک میعاد مشخص خدمت میباشد. این پروسه شامل شناسایی اقلام و ترتیبات همراه با تهیه کننده برای اکمالات آنها زمانیکه لازم و یا ذخیره شوند، در صورتیکه نشانه های که به صورت آسان در صورتیکه ضرورت باشند قابل دسترس نبوده، میباشد. همچنان: به گواهینامه تفتیش، مشخصات دیزاین، تفتیش، و مشخصات تخنیکی مراجعه شود.</p> |
| <p><b>PROVISIONAL ACCEPTANCE:</b> Constitutes technical</p>   | <p><b>قبولی موقتی:</b> عبارت از قبولی تخنیکی، با ویا بدون کتمان کدام اشتباه</p>  |

|   |  |
|---|--|
| <p>acceptance, with or without, minor technical reservations of goods and equipment supplied to, or installed on the procuring entity's site. Acceptance should be confirmed by a Certificate of Provisional Acceptance. The date of the provisional acceptance marks the start of the guarantee period and signifies a transfer of property rights from the supplier to the procuring entity.</p> <p><i>see also: Acceptance of goods, Final acceptance</i></p>  | <p>کوچک تخنیکي اجناس و تجهیزات تهیه، یا نصب شده در سایت اداره تدارکاتی میباشد. قبولی باید به شکل قبولی مؤقتی تأیید شود. تاریخ قبولی مؤقتی آغاز میعاد ضمانت را علامه گذاری نموده و به معنی انتقال حقوق ملکیت از تهیه کننده به اداره تدارکاتی میباشد.</p> <p>همچنان: به قبولی اجناس و قبولی نهایی مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>PUBLICITY:</b> Is secured by means of procurement notices on business opportunities as well as invitations to bid within the open tender procedure. Publicity can be secured locally and international by selecting corresponding media.</p>  | <p><b>نشر اعلامیه:</b> عبارت آگهی میباشد که توسط اعلانات تدارکاتی در مورد فرصت های تجارتي و همچنان دعوت به آفردهی در مدت معینه پروسه مناقصه باز میباشد. اعلامیه از طریق رسانه ها به صورت داخلی و بین المللی با انتخاب رسانه های خبری صورت گرفته میتواند.</p>   |
| <p><b>PUBLIC AUTHORITIES:</b> State, regional and local authorities and bodies governed by public law.<br/><i>see also: Procuring entity</i></p>  | <p><b>مقامات ادارات عامه:</b> عبارت از مقامات دولتی، زونی و محلی و اشخاص مندرج در قانون تدارکات عامه میباشد.</p> <p>همچنان: به اداره تدارکاتی مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>PUBLIC ENTITY<sup>27</sup>:</b> Any Ministry, Independent Head of departments, State owned enterprises, other budgetary unit or instrument of the State, or a company in which the share of State ownership exceeds 25 percent.</p>   | <p><b>اداره عامه<sup>27</sup>:</b> عبارت از تمام وزارت خانه ها، ریاست های عمومی مستقل، تصدی های دولتی و سایر واحد های بودجوی یا مؤسسات حکومتی، یا شرکت های اند که سهم دولت در آنها بیشتر از 25 فیصد باشد.</p>  |
| <p><b>PUBLIC FUNDS<sup>28</sup>:</b> The moneys or other financial assets defined in Art.8 of the Public Finance and Expenditure Management Law, and includes any monetary resources appropriated to procuring entities through budgetary processes, as well as extra budgetary funds including aid grants and credits put at the disposal of procuring entities by foreign donors, and revenues of procuring entities.</p>   | <p><b>وجوه عامه<sup>28</sup>:</b> عبارت از پول یا سایر دارایی های مالی است که در ماده هشتم قانون اداره امور مالی و مصارف عامه مشخص گردیده است. این وجوه شامل تمام منابع پولی به ادارات تدارکاتی از طریق طی مراحل بودجوی اختصاص داده میشود، همچنان وجوه اضافی بودجوی شامل کمک های بلاعوض و اعتبارات قرار داده شده در اختیار ادارات تدارکات توسط کشورهای کمک کننده خارجی، و عواید ادارات تدارکاتی میباشد.</p>  |
| <p><b>PUBLIC PROCUREMENT LAW (PPL):</b> The law, its amendments and legislations relevant to public procurement.</p>  | <p><b>قانون تدارکات عامه:</b> قانون و ضمایم و تدوینات مربوط به تدارکات عامه میباشد.</p>  |
| <p><b>PURCHASER:</b> <i>see Contracting authority</i></p>   | <p><b>خریدار:</b> به مقامات قرارداد کننده مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>Q</b></p>   |  |
| <p><b>QUALITY:</b> The term covering any and every characteristics property and/ or performance of a product or service that can be evaluated to determine whether the product or service meets the specified requirements.</p>   | <p><b>کیفیت:</b> عبارت از اصطلاحی میباشد که تمام خصوصیات اموال و یا اجرای یک محصول یا خدمت را تحت پوشش قرار داده و جهت شناسایی بالای آن ارزیابی صورت میگیرد که آیا این تولید یا خدمت با شرایط مشخصه مطابقت مینماید یا خیر.</p>   |
| <p><b>QUALITY ASSURANCE:</b> A planned and systematic pattern of all actions necessary to provide adequate confidence that the product or services will perform satisfactorily. It may consist of the procuring entity satisfying himself that the system of quality control the supplier has instituted is satisfactory by examining or evaluating it, or the procuring entity or his agent undertaking inspection of the product in the process of production or at the pre-shipment or the post-shipment stage respectively monitors the implementation of the</p> | <p><b>اطمینان از کیفیت:</b> عبارت از طرح اصولی یا سیستماتیک و پلان شده تمام اقدامات ضروری جهت حصول رضایت کافی از اینکه تولید یا خدمات به صورت قناعت بخش اجرا میشود. این طرح میتواند شامل رضایت اداره تدارکات که سیستم کنترل کیفیت را که تهیه کننده ایجاد نموده است، با آزمایش و ارزیابی آن قابل قبول بوده، یا اداره تدارکات یا نماینده وی که مسؤلیت تفتیش محصول را در پروسه تولید یا در مرحله قبل از انتقال و یا بعد از آن به صورت منظم اجرای خدمات را بواسطه ارزیابی نتایج تفتیش مینماید.</p> <p>همچنان: به سطح کیفیت قابل قبول و کنترل کیفیت مراجعه شود.</p> |

<sup>27</sup> PPL, Art.3 (14), the PPL refers to *edaara*; in the English translation of the Law the word "public" is missing.

<sup>28</sup> PPL, Art.3 (19) and PPU/C005/1386, Art.3 (23), the PPU/C005/1386 is more detailed than the law, both definitions are here.

|   |   |
|---|---|
| <p>services by verifying results.<br/><i>see also: Acceptable quality level, Quality control</i></p>  |   |
| <p><b>QUALITY CERTIFICATION:</b> Scheme set up by exporting countries, by law or practice, for certifying specifications. An importer must determine the independence and prove reliability of inspection and certification institutions operating under such systems, which may be government departments or private sector bodies.<br/><i>see also: Certification body</i></p>  | <p><b>تصدیق کیفیت:</b> عبارت از روش تعیین شده توسط کشورهای صادرکننده، توسط قانون یا عملکرد، جهت تصدیق از مشخصات میباشد. یک وارد کننده باید استقلال را شناسایی نموده و قابل اعتماد بودن تفتیش، رهنمودهای تصدیق تحت همچو سیستم را که توسط ریاست های حکومتی یا سکتورهای خصوصی فعالیت مینمایند ثابت نماید.<br/>همچنان: به بدنه تصدیق مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>QUALITY CONTROL:</b> A systematic approach to inspection of products (services) during the process of production (rendering) to ensure that the products (results) meet the expected use or performance standards as well as to identify the source of defects in materials used, workmanship, performance, design or technique of production.<br/><i>see also: Acceptable quality level, Quality assurance</i></p> | <p><b>کنترول کیفیت:</b> عبارت از رسیده گی اصولی با سیستماتیک جهت تقشیش تولیدات (خدمات) در جریان پروسه تولید (تحویلی) به منظور اطمینان از اینکه تولیدات (نتایج) با استفاده ایکه انتظار آن میرفت با اجرای معیارات و همچنان برای شناسایی منبع نواقص در مواد استفاده شده، کارگری، اجرا، دیزاین یا تخنیک تولید میباشد.<br/>همچنان: به سطح قابل قبول کیفیت و اطمینان از کیفیت مراجعه شود.</p> |
| <p><b>QUALITY DEFICIENCY:</b> A defect or a deficiency as a result of which an item is not fit for the intended use or does not perform as expected. This may include deficiencies in the technical requirements of material, drawing and specification requirements. A quality deficiency may be attributable to a deficiency in design, in material or workmanship.</p>   | <p><b>نقص در کیفیت:</b> عبارت از نقص منحبث نتیجه ایکه یک قلم برای استفاده مقصود مناسب نبوده یا اجرای آن طوریکه انتظار میرفت نبوده است. این نقص میتواند شامل نواقص در شرایط تخنیک مواد، ترسیمات و شرایط مشخصات باشد. نقص کیفیت میتواند به یک نقص در دیزاین، مواد یا کارگر نسبت داده شود.</p>   |
| <p><b>QUANTITY DISCOUNT:</b> A price reduction granted by a bidder linked to the quantity of a proposed purchase.<br/><i>see also: Cash discount, Concealed discount, Discount, Rebate, Trade discount</i></p>  | <p><b>کاهش در کمیت:</b> عبارت از تخفیف قیمت که توسط یک داوطلب در ارتباط به مقدار پیشنهاد شده خریداری صورت میگیرد.<br/>همچنان: به تخفیف پول نقد، تخفیف لغوشده، تخفیف، کاهش و تخفیف تجارتي مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>QUOTATION:</b> Another term used for bid or offer for small value purchase.<br/><i>see also: Bid, Offer</i></p>   | <p><b>نرخ گیری:</b> یک اصطلاح دیگر یکه برای آفردهی خریداری های کوچک استفاده میشود.<br/>همچنان: به آفر مراجعه شود.</p>   |
| <b>R</b>  |   |
| <p><b>RATE CONTRACT:</b> The system of establishing a price for supplies at that price over a specified period of time. It is also sometimes referred to as a running contract.<br/><i>see also: Basic agreement, Blanket order</i></p>   | <p><b>قرارداد نرخ:</b> سیستم ایجاد یک نرخ برای تهیه جات که توسط آن قیمت در طول یک مدت مشخص میباشد. این سیستم همچنان بعضی اوقات به قرارداد جاری اطلاق میشود.<br/>همچنان: به موافقه اساسی و امر عمومی مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>RATING OF VENDORS:</b> The evaluation and comparison of bidder's performance principally as regards quality, timely delivery and prices.</p>  | <p><b>درجه بندی فروشنده ها:</b> عبارت از ارزیابی و مقایسه اجرای داوطلب اصولاً در ارتباط به کیفیت، تحویلی به موقع و نرخ ها میباشد.</p>   |
| <p><b>REBATE:</b> A sum of money abated by the bidder to a procuring entity in consideration of the purchase of a stipulated quantity or value of goods within a stated period.<br/><i>see also: Cash discount, Concealed discount, Discount, Quantity discount, Trade discount</i></p>   | <p><b>کاهش:</b> عبارت از یک مبلغ کم کرده شده توسط داوطلب به اداره تدارکات با ملاحظه خریداری مقدار تصریح شده یا ارزش اجناس برای میعاد معینه میباشد.<br/>همچنان: تخفیف پول نقد، تخفیف لغوشده، تخفیف، تخفیف در کمیت و تخفیف تجارتي مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>RECURRING DEMAND:</b> Procurement request(s) made by a user (department) on the basis of continuing requirements.<br/><i>see also: Non-recurring demand</i></p>   | <p><b>تقاضای جاری:</b> عبارت از درخواست توسط یک استفاده کننده (دپارتمنت) مبنی بر ضروریاتیکه ادامه دارد، میباشد.<br/>همچنان: به تقاضای غیر جاری مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>REGISTRATION OF INTEREST:</b> To register all bidders being interested in the tender or prequalification of a specific project. The register compiled is basis for the preparation of a short list and/ or invitations to bid.</p>  | <p><b>ثبت علاقمندی:</b> عبارت از ثبت نام تمام داوطلبان علاقمند در مناقصه یا ارزیابی قبلی یک پروژه مشخص میباشد. این تالیف ثبت اساس برای آماده گی یک شارت لست ویا دعوت به آفردهی را تشکیل میدهد.<br/>همچنان: به ارزیابی قبلی، مناقصه مقید و شارت لست مراجعه شود.</p>  |

|   |   |
|---|---|
| <i>see also: Pre-qualification, Restricted tender, Short list</i>   |   |
| <b>REJECTION ADVICE (NOTE):</b> A communication by the procuring entity to the supplier notifying him of the rejection of goods supplied or services rendered for non-conformity to quality or breach of any other contractual commitment.  | <b>یادداشت رد:</b> عبارت از یک مکاتبه توسط اداره تدارکات به تهیه کننده با دادن آگهی به وی در مورد رد اجناس تهیه شده یا خدمات انجام شده به خاطر عدم مطابقت به کیفیت یا نقض هر نوع تعهدات دیگر قرارداد میباشد.                              |
| <b>REORDER POINT STOCK:</b> A pre-specified stock quantity level of an item in a store at which requisition action is initiated to avoid stock out.<br><i>see also: Order point control</i>   | <b>ذخیره اصل فرمایش دوباره:</b> عبارت از یک ذخیره از قبل مشخص شده سطح کمیت یک جنس در ذخیره گاه که اقدام عملی درخواست جهت اجتناب از خالی ماندن ذخیره آغاز میشود.<br>همچنان: به کنترل اصلی فرمایش مراجعه شود.                               |
| <b>REQUEST FOR QUOTATIONS (RFQ)<sup>29</sup>:</b> The document used to carry out low-value procurement of standard goods or works or non-consultancy services utilising request-for-quotations proceedings, in accordance with the Law.   | <b>درخواست نرخ دهی<sup>29</sup>:</b> عبارت از سندی است که برای تقاضای نرخ اموال، تدارک ساختمان و امور ساختمانی معیاری دارای قیمت نازل با استفاده از پروسه درخواست نرخ دهی، در مطابقت با احکام این قانون صورت میگیرد، میباشد.              |
| <b>REQUEST FOR QUOTATIONS PROCEEDINGS<sup>30</sup>:</b> Is the simplified procurement method, provided by Law, used to carry out low-value procurement of standard goods or routine works or non-consultancy services.  | <b>پروسه درخواست نرخ دهی<sup>30</sup>:</b> عبارت از روش ساده تدارکاتی طبق احکام قانون میباشد، که جهت تدارکات اجناس معیاری یا امور ساختمانی و خدمات غیر مشورتی عادی دارای قیمت کم استفاده میشود.   |
| <b>REQUEST FOR PROPOSALS (RFP)<sup>31</sup>:</b> The document package utilised for procurement of, consultants' services using request-for-proposals proceedings, in accordance with the Law, in which the procedures and conditions for submission and evaluation of proposals, and the contractual terms are described. | <b>مطالبه پیشنهادات<sup>31</sup>:</b> عبارت از سندی است که برای تدارک خدمات مشورتی، با استفاده از پروسه مطالبه پیشنهادات، در مطابقت با قانون که طرز العمل ها و شرایط برای ارائه و ارزیابی پیشنهادات و قرارداد در آن توضیح میگردد، میباشد. |
| <b>REQUEST FOR PROPOSALS PROCEEDINGS<sup>32</sup>:</b> Is the procurement method provided by the Public procurement Law, to be utilised for procurement of consultants' and other intellectual services.  | <b>پروسه مطالبه پیشنهادات<sup>32</sup>:</b> عبارت از روش مندرج قانون تدارکات عامه است که برای تدارک خدمات مشورتی و سایر خدمات ذهنی استفاده میشود.   |
| <b>REQUIREMENT:</b> The maximum overall estimated need of a good or service over a specific period of time for purposes of procurement, budgeting and planning.   | <b>ضروریات:</b> عبارت از حد اکثر ضرورت تخمینی جنس یا خدمت طی یک میعاد مشخصه زمانی به منظور تدارکات، بودجه سازی و پلانگذاری میباشد.  |
| <b>RESPONSIVE BID<sup>33</sup>:</b> A bid that offers to provide goods, works or services in accordance with the requirements for the procurement of the same as they are described in the bid document, a request for proposals, or request for quotation.<br><i>see also: Non-responsive bid</i>                        | <b>آفر جوابگو<sup>33</sup>:</b> عبارت از آفریست که مطابق مندرجات شرطنامه، مطالبه پیشنهادات و یا درخواست نرخ دهی، برای تهیه اجناس، امور ساختمانی یا خدمات، در آن پیشنهاد میگردد.<br>همچنان: به آفر غیر جوابگو مراجعه شود.                  |
| <b>RESTRICTED TENDER<sup>34</sup>:</b> The procurement method, provided by the public procurement Law, in which the invitation to bid may be extended to a limited number   | <b>مناقصه مقید<sup>34</sup>:</b> عبارت از روش تدارکاتی مندرج در قانون تدارکات عامه که در آن تعداد محدود داطلبان به آفردهی دعوت میشوند.  |

<sup>29</sup> PPL, Art.3(21), PPU/C005/1386, Art.3(25)

<sup>30</sup> PPU/C005/1386, Art.3(24) PPL

<sup>31</sup> PPU/C005/1386, Art.3(27), the PPL def. is slightly different.

<sup>32</sup> PPU/C005/1386, Art.3(26)

<sup>33</sup> PPL, Art.3(23)

<sup>34</sup> PPL, Art.3(22) and PPU/C005/1386, Art.3(28)

<sup>35</sup> PPU/C005/1386, Art.3(29)

|  |  |
|--|--|
| of bidders.<br><i>see also: Pre-qualification</i>  | همچنان: به ارزیابی قبلی مراجعه شود.  |
| <b>RESTRICTIVE SPECIFICATIONS:</b> <i>see Preclusive specifications</i>  | مشخصات محدود: به مشخصات مانع مراجعه شود.   |
| <b>REVIEW BOARD</b> <sup>35</sup> : Refers to the three-person Board appointed by the Chairman of the Administrative Review Committee from among the members of the Administrative Review Committee pursuant to the public procurement Law for the purposes of considering and deciding upon individual applications for review that are brought before the Administrative Review Committee. | <b>بورده تجدید نظر</b> <sup>35</sup> : عبارت از سه نفر اشخاصی میباشد که توسط شخص رئیس کمیته اداری بررسی از میان اعضای این کمیته مطابق بند (6) ماده 86 قانون تدارکات عامه به منظور ملاحظات و تصمیم گیری در مورد درخواست های انفرادی جهت تجدید نظر در آنها به کمیته مذکور پیشکش شده، تعیین میگردد. |
| <b>RULES</b> <sup>36</sup> : Means the Afghan rules of procedures for public procurement described by PPU Circular C005.   | <b>احکام</b> <sup>36</sup> : عبارت از احکام طرز العمل تدارکات عامه میباشد که توسط متحدالمال شماره 5- واحد پالیسی تدارکات توضیح و توزیع گردیده است.   |
| <b>RUNNING CONTRACT:</b> <i>see Rate contract</i>  | <b>قرارداد جاری:</b> به قرارداد مشروط به نرخ مراجعه شود.   |
| <b>S</b>   |  |
| <b>SAMPLE:</b> A sample to be furnished by bidders along with their bids/ offers to establish the quality of the products being offered.   | <b>نمونه:</b> عبارت از یک نمونه ای است که توسط داوطلبان همراه با آفرها جهت ارائه کیفیت اجناس پیشکش میشود.  |
| <b>SECURITIES</b> <sup>37</sup> : The funds in cash or in kind, immovable property, or bank guarantee or any other such instrument that the bidder provides to secure his obligations in the tender proceedings and that the contractor provides in fulfilling its obligations under procurement contract.   | <b>تامینات</b> <sup>37</sup> : عبارت از وجوه مالی نقدی یا جنسی، اموال غیر منقول، ضمانت بانکی یا هر سند دیگری که از طرف داوطلب به منظور تامین و اجرای مکلفیت های مندرج قرارداد و پروسه مناقصه به تضمین گذاشته میشود، میباشد.  |
| <b>SELF-CERTIFICATION:</b> A form of conformity certification in which one or more manufacturers are responsible for conformity certification of their products with no surveillance from any certification body.<br><i>see also: Certificate of quality, Express warranty, Technical specification</i>  | <b>تصدیق خودی:</b> عبارت از یک نوع تائیدی میباشد که در آن یک یا بیشتر از سازنده های اجناس مسولیت تائید و تصدیق تولیدات خویش را بدون کدام نظارت از جانب کسی دیگر خود به عهده می گیرند.<br>همچنان: به گواهینامه کیفیت، بیان ضمانت و مشخصات تخنیکی مراجعه شود.                                      |
| <b>SERVICES</b> <sup>38</sup> : Means any object of procurement other than goods or works.   | <b>خدمات</b> <sup>38</sup> : عبارت از تدارکات غیر از اجناس و امور ساختمانی میباشد.   |
| <b>SHELF LIFE:</b> The period of time during which an item, having a limited storage life, is considered to be ready for use.  | <b>دوران کارایی:</b> عبارت مدت زمانیکه در جریان آن یک قلم جنس برای استفاده یک مدت محدود ذخیره و آماده میشود.   |
| <b>SHORT SALE:</b> The sale of a commodity for future delivery which the supplier does not possess but intends to purchase prior to the required delivery date, expecting that the market price will be no higher or will decline during the intervening period.   | <b>فروش مختصر:</b> عبارت از فروش مختصر اجناس برای تحویلی در آینده که تهیه کننده مالک آن نمیباشد مگر قصد دارد تا قبل از تاریخ تحویلی، با توقع اینکه قیمت ها در بازار بلندتر نخواهد شد و یا در جریان مدت وقفه نازلتر خواهد شد، خریداری نماید.  |

<sup>36</sup> PPU/C005/1386, Art.3(30)

<sup>37</sup> PPL, art.3(25) and PPU/C005/1386, Art.3(31)

<sup>38</sup> UNCITRAL, Art.2(e)

<sup>39</sup> PPL, Art.3(26) and PPU/C005/1386, Art.3(32)

|  |   |
|--|---|
| <p><b>SHORT LIST:</b> A list of names and addresses of potential bidders maintained by a procuring entity to whom invitations to bid may be sent. Usually the elaboration of a short list is the objective of a pre-qualification procedure.<br/><i>see also: Pre-qualification, Registration of interest, Restricted Tender</i></p>   | <p><b>شارت لیست:</b> عبارت از لیست نامها و آدرس های داوطلبان واجد شرایط میباشد (پناتسبل) که از ایشان برای آفردهی دعوت بعمل آمده، توسط اداره تدارکات حفظ میشود. معمولاً جزئیات شارٹ لیست هدف طرز العمل ارزیابی قبلی است.<br/>همچنان: به ارزیابی قبلی، ثبت علاقمندی و مناقصه مقید مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>SINGLE-SOURCE PROCUREMENT<sup>39</sup>:</b> The method of procurement, provided by the public procurement Law, by which the procuring entity awards the procurement contract directly, without holding a competitive proceeding as provided for in the PPL.<br/><i>see also: Direct contracting, Direct procurement</i></p>  | <p><b>تدارک از منبع واحد<sup>39</sup>:</b> عبارت از روش تدارکاتی مندرج قانون تدارکات عامه است که بدون طی مراحل رقابتی اداره تدارکات، قرارداد تدارکات قسمیکه در قانون توضیح داده شده است، مستقیماً عقد میگردد.<br/>همچنان: به قرارداد مستقیم و تدارکات مستقیم مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>SOLICITATION DOCUMENTS<sup>40</sup>:</b> Means bidding documents, requests for proposals documents, requests for quotations documents and any other document on the basis of which bidders prepare and submit a bid for the supply of goods, works or services.</p>  | <p><b>اسناد درخواست<sup>40</sup>:</b> عبارت از اسناد مانند شرطنامه، مطالبه پیشنهادات، درخواست نرخ دهی وسایر اسنادی میباشد که مبنی بر آن داوطلبان آفرهای خویش را جهت تهیه اجناس، امور ساختمانی ویا خدمات ارائه مینمایند.</p>   |
| <p><b>SOURCING:</b> Act of searching for suitable sources of supply.<br/><i>see also: Market analysis</i></p>  | <p><b>منبع سازی:</b> عبارت از اقدام تحقیقات برای پیدانمودن منابع مناسب تهیه میباشد.<br/>همچنان: به تحلیل و تجزیه بازار مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>SPECIAL PROCUREMENT COMMISSION (SPC)<sup>41</sup>:</b> The Committee established in compliance with the provisions of the public procurement Law to conclude major [high-value] procurement contract awards in accordance with the thresholds in the Annex A of the public procurement Law.</p>  | <p><b>کمیسیون تدارکات خاص<sup>41</sup> (SPC):</b> عبارت از هیئت سه نفری است که درمطابقت با احکام قانون تدارکات عامه به منظور عقد قراردادهای عمده (بزرگ) طبق حدود صلاحیت های مندرج ضمیمه 1 این قانون تعیین میگردد.</p>   |
| <p><b>SPECIFICATION:</b> A statement of a set of requirements to be satisfied by a product, material or process, indicating, whenever appropriate, the procedures by means of which it may be determined whether the requirements given are satisfied. It will generally include physical, chemical and/ or metallurgical properties of a product and/ or its design characteristics and/ or performance standards. It may also include terminology, testing and test methods, packaging, marking and/ or labelling requirements.<br/><i>see also: Technical specification</i></p> | <p><b>مشخصات:</b> عبارت از بیان یک سلسله ضروریاتیکه با یک محصول، مواد یا پروسه بیانگر این موضوع در صورت مناسب باشد، طرز العمل هائیکه توسط آن تصمیم گرفته خواهد شد که آیا اموال تحویل داده شده قابل قبول است یا خیر، میباشد. این بیانیه عموماً شامل ملکیت های فزیک، کیمیاوی ویا وابسته به فن استخراج و ذوب فلزات یک محصول ویا خصوصیت های دیزاین ویا معیارات اجرا میباشد. این همچنان شامل اصطلاحات فنی، آزمایش و روش آزمایش، بسته بندی، علامه گذاری ویا ضروریات لیبل زنی میباشد.<br/>همچنان: به مشخصات تخنیکي مراجعه شود.</p> |
| <p><b>SPOT PURCHASE:</b> Act of purchasing in the spot market (that is at prices ruling on the purchase date) for prompt delivery in contrast to forward purchase made now for future delivery at futures prices.<br/><i>see also: Commodity exchange, Futures</i></p>   | <p><b>خریداری فوری:</b> اقدام خریداری از بازار به صورت فوری (به قیمت موجود در همان تاریخ) برای تحویلی آنی در رقابت جهت پیشکش نمودن خریداری برای تحویلی در آینده به قیمت های موجود در آینده میباشد.<br/>همچنان: به تبادل اجناس و آینده ها مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>STANDARD:</b> Is the result of a particular standardisation effort, approved by a recognised authority. It may take the form of (a) a document containing a set of conditions to be fulfilled; (b) a fundamental unity; or (c) an object for physical comparison.<br/><i>see also: Mandatory standard, Standardisation, Variety</i></p>  | <p><b>معیاریا استاندارد:</b> عبارت از تلاش برای معیاری سازی خاص منظور شده توسط یک مقام شناخته شده میباشد. این میتواند شکل (الف) یک سند حاوی یک سلسله شرایطیکه باید تکمیل شود؛ (ب) عبارت از پیوستگی بنیادی؛ یا (ج) هدف مقایسه فزیکي را داشته باشد.<br/>همچنان: به معیار اجباری، معیاری سازی و تنوع کنترل مراجعه</p>  |

<sup>38</sup> UNCITRAL, Art.2(e)

<sup>39</sup> PPL, Art.3(26) and PPU/C005/1386, Art.3(32)

<sup>40</sup> PPU/C005/1386, Art.3(33)

<sup>41</sup> PPL, Art.3(27) and PPU/C005/1386, Art.3(34)



|  |  |
|--|--|
| <p><i>control</i></p>  | <p>شود.</p>  |
| <p><b>STANDARDISATION:</b> The process of defining and selecting through an agreement characteristics of products, testing and measuring methods, specification of characteristics of products for defining their quality, regulation of variety, interchange-ability, etc.. Many countries have set-up national standard organisations setting out for a large number of products, the essential requirements which a product should measure up to. The International Organisation for Standardisation (ISO) has been laying down standards for acceptance and adoption of these by member countries. In a tender invitation or enquiry a reference to a national standard or an international standard (or that of any other country) is usually sufficient for suppliers to know precisely what the procuring entity's requirements are. Standardisation is also used in the sense of variety control, i.e., reducing the number of types of products within a definite range to that number which is adequate to meet prevailing needs at a given time.<br/><i>see also: Mandatory standard, Standard, Variety control</i></p> | <p><b>معیاری سازی:</b> عبارت از پروسه معرفی و انتخاب تولیدات، آزمایش و روش های اندازه گیری، مشخصات و خصوصیات تولیدات از طریق یک موافقتنامه خصوصیات برای معرفی کیفیت، شرایط تفاوت و قابل تبادل بودن، و غیره میباشد. بسیاری از کشورها تاسیسات ملی معیاری محدود به تعداد زیادی از محصولات، شرایط ضروری که یک تولید باید اندازه گیری شود را ایجاد نموده اند. موسسات بین المللی برای معیاری سازی (ISO) معیارات قبولی و منظوری توسط عضوی از اعضای این کشورها را تعیین نموده اند. در یک دعوت به مناقصه یا پرسش وجو ریفینس برای به یک معیار ملی (یا هرکشوردیگر) معمولاً برای تهیه کننده گان جهت دانستن ضروریات اداره تدارکاتی به صورت دقیق کافی میباشد. معیاری سازی همچنان به مفهوم کنترل متنوع استفاده میشود، مثلاً کاهش تعدادی از انواع محصولات در محدوده اندازه قطعی به آن تعدادیکه برای مطابقت با ضرورت ها در یک وقت داده شده کافی خواهد بود.<br/>همچنان: به معیار اجباری، معیار و کنترل متنوع مراجعه شود.</p> |
| <p><b>STANDING ORDER:</b> <i>see Blanket order</i></p>   | <p><b>امر خریداری جاری:</b> به امر خریداری عمومی مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>STOCK:</b> The quantity of all raw materials, components, parts, work in progress and finished goods held in store by an enterprise or a government agency.<br/><i>see also: Inventory, Warehouse</i></p>  | <p><b>ذخیره:</b> عبارت از کمیت تمام مواد، اجزاء، پرزه جات، امور ساختمانی در حال پیشرفت و اجناس تکمیل شده در ذخیره گاه توسط یک تصدی یا یک نماینده حکومت میباشد.<br/>همچنان: به موجودی و گدام مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>STOWAGE:</b> Charges connected with stowing of goods in a ship.</p>  | <p><b>مصارف بارگیری دریکی کشتی:</b> مصارف و مخارج جمع آوری شده همراه با جادادن اجناس دریکی کشتی میباشد.</p>  |
| <p><b>STRAIGHT BILL OF LADING:</b> A non-negotiable bill of lading which provides that a shipment be delivered direct to the consignee named therein. The delivery of goods is not contingent on surrendering the bill of lading but only on its being produced by the consignee as means of identification.<br/><i>see also: Bill of lading, Clean bill of lading</i></p>   | <p><b>سند مرتب بارگیری:</b> عبارت از یک سند بارگیری غیر قابل مذاکره برای یک محموله ایکه باید به گیرنده بار به صورت مستقیم تحویل داده شود، میباشد. تحویلی اجناس موکول به واگذاری سند بارگیری نیست مگر صرف برای تولید آن توسط گیرنده بار منحصی و وسیله شناسایی میباشد.<br/>همچنان: به سند بارگیری و سند تصفیة بارگیری مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>SUBCONTRACTOR:</b> A person or a firm who enters into an agreement with a prime (main) contractor and undertakes to perform a part of the prime contractor's obligations with reference to the main contract. In construction and turnkey projects the practice of the procuring entity awarding a contract for the complete job to one (prime) contractor and the latter subcontracting parts to different subcontractors is usual practice. If some of these are defined by the procuring entity, these subcontractors are called nominated subcontractors and the risk of their failure to perform the requested services rests with the supplier.<br/><i>see also: Contractor, prime</i></p>   | <p><b>قراردادی فرعی:</b> شخص یا نهادیکه داخل یک موافقتنامه همراه با قراردادی ابتدایی (اصلی) شده و تعهد میسپارد تا قسمتی از مکلفیت های قراردادی اصلی را با در نظر داشت قرارداد بر عهده بگیرد. در پروژه های ساختمانی و قراردادهای (ترن کی) برای کارخانجات عملکرد اداره تدارکاتی برای عقد قرارداد برای انجام وظیفه به یک متعهد اصلی و بعدی برای قرارداد فرعی بخش های آن به قراردادیان فرعی مختلف یک عملکرد معمول میباشد. در صورتیکه اینها توسط اداره تدارکاتی تعریف شده باشند، این قراردادیان فرعی بنام قراردادیان فرعی نامزد شده یاد شده و خطر ناکامی ایشان در اجرای خدمات درخواست شده بالای تهیه کننده قرارداد خواهد شد.<br/>همچنان: به قراردادی اصلی مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>SUPPLIER:</b> <i>see Contractor</i></p>  | <p><b>تهیه کننده:</b> به قراردادی مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>SURPLUS STOCK:</b> Material assessed to be in excess of the procurement agency's own requirements and set aside for disposal.</p>  | <p><b>اموال مازاد:</b> عبارت از اموالیکه منحصی مواد اضافی از ضروریات خود دفتر تدارکاتی بررسی شده و برای نیلام کنار گذاشته شود، میباشد.</p>   |
| <p><b>T</b></p>  |  |
| <p><b>TABULATION OF BIDS/ OFFERS:</b> The recording of bids/ offers in tabular form to facilitate evaluation.</p>  | <p><b>جدول بندی آفرها:</b> عبارت از ثبت آفرها در فرم جدول جهت سهولت در ارزیابی آنها میباشد.</p>  |

|  |   |
|--|---|
| <p><i>see also: Analysis of bids/ offers, Bid evaluation, Life cycle costing</i></p>   | <p>همچنان: به تحلیل و بررسی آفرها، ارزیابی آفرها و مصارف دوران کارایی مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>TALLY:</b> A listing of items in a shipment by quantity and description.</p>   | <p><b>لست مکمل اجناس (تالی):</b> عبارت از لست اقلام در یک محموله بامقدار و توضیحات آن میباشد.</p>   |
| <p><b>TARE WEIGHT:</b> The weight of a container (and other packaging material), vehicle or wagon in which goods are packed or stowed. The net weight of goods is gross weight less tare. Actual tare is determined when each cask/ bag/ box/ wagon, etc., is weighed; average tare when one is weighed and used as a standard; and estimated tare when a fixed percentage is deduced from the gross weight.<br/><i>see also: Net weight, Gross weight</i></p> | <p><b>وزن خالص:</b> عبارت از وزن یک کانتینر (وسایر مواد بسته بندی شده)، موتریا و آگون که در آن اجناس بسته بندی یا بار میشوند. وزن اصلی اجناس عبارت از وزن اصلی کمتر از وزن خالص میباشد. وزن خالص واقعی زمانی شناسایی میشود که هر بشکه، بیگ، بکس، و آگون و غیره وزن کرده میشود؛ حد اوسط وزن خالص زمانیکه یکی آن وزن کرده شود و منحیث یک معیار استفاده شود؛ و وزن خالص تخمینی وقتیکه یک فیصدی معین از وزن اصلی کم کرده شود، میباشد.<br/>همچنان: به وزن خالص و وزن اصلی مراجعه شود</p> |
| <p><b>TECHNICAL SPECIFICATION:</b> Part of purchase specifications on design, quality and/ or performance excluding those on packaging, labelling marking, etc.<br/><i>see also: Certificate of inspection, Design specification, Inspection, Provisioning, Specification, Terms of reference</i></p>  | <p><b>مشخصات تخنیکی:</b> عبارت از بخشی مشخصات خریداری در مورد دیزاین، کیفیت و یا اجرا به استثنای آنهاییکه در بسته بندی، لیبل زنی و علامه گذاری، و غیره میباشد.<br/>همچنان: به گواهینامه تفتیش، مشخصات دیزاین، تفتیش، تعیین مقررات، مشخصات و لائحة و طایف مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>TENDER:</b> <i>see Bid, Offer</i></p>  | <p><b>مناقصه:</b> به آفر مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>TENDER EVALUATION:</b> <i>see Bid Evaluation</i></p>   | <p><b>ارزیابی مناقصه:</b> به ارزیابی آفر مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>TENDER OPENING:</b> <i>see Bid Opening</i></p>   | <p><b>بازگشایی داوطلبی:</b> به بازگشایی آفرها مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>TENDERER:</b> A legal entity approached by the procuring entity to submit a bid/ offer for a specific project.<br/><i>see also: Bidder, Candidate</i></p>  | <p><b>داوطلب:</b> عبارت از یک نهاد قانونی که توسط اداره تدارکاتی جهت ارائه آفر برای یک پروژه مشخص فراخوانده شود، میباشد.<br/>همچنان: به داوطلب و کاندید مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>TERMS OF CONTRACT:</b> Stipulations, explicit or implicit, in a contract setting out the obligations and the rights of the contractual parties, as well as other conditions of contract.</p>   | <p><b>شرایط قرارداد:</b> عبارت از تصریحات، صریح یا مجازی، در یک قرارداد که مکلفیت ها و حقوق جوانب قراردادی، و همچنان سایر شرایط قرارداد را مشخص سازد، میباشد.</p>   |
| <p><b>TERMS OF PAYMENT:</b> Conditions for payment for goods or services received, as agreed between procuring entity and supplier, such as: Cash against Documents (CAD); Cash on Delivery (COD); Letter of Credit, etc.<br/><i>see also: Payment</i></p>   | <p><b>شرایط پرداخت:</b> عبارت از شرایط برای پرداخت در مقابل اجناس یا خدمات دریافت شده، طوریکه میان اداره تدارکاتی و تهیه کننده، مانند پول نقد در مقابل اسناد (CAD)، پرداخت پول نقد برای تحویلی (COD)؛ اعتبارنامه، و غیره موافقه صورت گرفته است، میباشد.<br/>همچنان: به پرداخت مراجعه شود.</p>   |
| <p><b>TERMS OF REFERENCE (TORS):</b> Scope of work for a service contract equivalent to the specification of goods in a contract for the purchase of goods.<br/><i>see also: Specification, Technical specification</i></p>  | <p><b>لائحه و وظایف (TOR):</b> عبارت از ساحة کار برای یک قرارداد خدمت مساوی به مشخصات اجناس در یک قرارداد برای خریداری اجناس میباشد.<br/>همچنان: به مشخصات و مشخصات تخنیکی مراجعه شود.</p>  |
| <p><b>TESTING:</b> A phase of inspection involving the determination, by technical means, of the physical, chemical and/ or other properties of items, or compounds thereof, requiring laboratory or other similar tests.</p>  | <p><b>آزمایش:</b> عبارت از مرحله تفتیش شامل درشناسایی با امکانات تخنیکی، فزیک، کیمیاوی و یا سایر دارایی های اقلام، یا ترکیباتیکه ضرورت به آزمایش های لابراتواری یا سایر تیست ها دارند، میباشد.</p>  |
| <p><b>TOKEN BID:</b> A perfunctory bid/ offer submitted by a bidder with no serious intent of being awarded with the contract; often submitted when the bidder wishes only to continue to be kept on the procuring entity's eligibility list, or as a part of a collusive deal with other bidders.</p>   | <p><b>آفر غیر جدی:</b> عبارت از یک آفر سسری ارائه شده توسط یک داوطلب بدون کدام قصد جدی برای عقد قرارداد؛ بسیاری اوقات زمانیکه داوطلب میخواهد صرف به منظور اینکه در لست واجدین شرایط اداره تدارکاتی باقی بماند، یا منحیث بخشی از معاملات ساخت و ساز همراه با داوطلبان دیگر آفر ارائه می کند، میباشد.</p>   |
| <p><b>TOLERANCE:</b> The specified permissible variation of the specified value of quantity according to needs.</p>  | <p><b>تحمل:</b> عبارت از تفاوت های مشخص قابل قبول در مورد قیمت مشخص یک کمیت طبق ضروریات میباشد.</p>   |
| <p><b>TRADE DISCOUNT:</b> A percentage deduction from an established price for goods (percentage often varying in accordance with volume of transaction), made by the</p>  | <p><b>تخفیف تجارتي:</b> عبارت از تقلیل فیصدی از قیمت تعیین شده برای اجناس (این فیصدی بسیاری اوقات در مطابقت با حجم معاملات تغییر میکند)، توسط تهیه کننده به دیگران در زنجیره توزیع (لست ذخیره،</p>  |

|  |  |
|--|--|
| supplier to others in the distribution chain (stockists, wholesalers, retailers, etc.).<br><i>see also: Cash discount, Concealed discount, Discount, List price, Price discrimination, Quantity discount, Rebate</i>   | عمده فروشان، پرچون فروشان، وغیره) میباشند.<br>همچنان: تخفیف پول نقد، تخفیف لغوشده، تخفیف، فهرست قیمت، تفاوت قیمت، تخفیف کمیت، وکم کردن مراجعه شود.   |
| <b>TRADEMARK:</b> Any sign, symbol, mark, word, or arrangement of words in the form of a label used by a manufacturer or supplier as identification or symbol of his particular goods, which no other person can legally use without his consent.<br><i>see also: Brand name, Brand name or equal (description)</i>  | <b>علامه تجارتي:</b> عبارت از هرگونه نشان، سمبول، مارک، کلمه، یا ترتیبات کلمات به شکل یک لیبل که توسط سازنده آن منحیث علامه شناخت یا سمبول اجناس خاص وی، که کسی دیگر نمیتواند آنها را به صورت قانونی استفاده نماید، میباشد.<br>همچنان: نام علامتی و نام علامتی و یا معادل آن مراجعه شود.   |
| <b>TURNOVER:</b> In supply management, is the quantity and/ or value of stock issued in a given period, usually one year.  | <b>حجم معاملات:</b> در مدیریت تهیه، عبارت از مقدار و یا قیمت ذخیره در میعاد تعیین شده، معمولاً برای یک سال صادر میشود.   |
| <b>TURNKEY CONTRACT:</b> A contract for plant fabrication, its installation and/ or commissioning and/ or the associated civil construction.   | <b>قرارداد برای کارخانجات (ترن کی):</b> عبارت از قرارداد کارخانه نساجی، نصب و بکارگیری آن و یا ساختمان مدنی مشترک میباشد.  |
| <b>TWO-ENVELOPE SYSTEM:</b> The two-envelope system is a tendering option for the selection of the most advantageous bidder. The bidders are ordered to submit their bids/ offers in two separate envelopes, both of them sealed and clearly marked. The first envelope contains the technical proposal, the second one the financial proposal.  | <b>سیستم دوپاکتی:</b> سیستم دوپاکتی عبارت از یک سیستم انتخابی مناقصه برای انتخاب داوطلبیکه بیشترین منفعت را برساند میباشد. به داوطلبان فرمایش داده میشود که آفرهای خویش را در دوپاکت های جداگانه که هر دوی آنها به صورت واضح علامه گذاری و مهر شده اند تسلیم نمایند. پاکت اولی حاوی پیشنهاد تخنیکي، دومی آن پیشنهاد مالی میباشد.   |
| <b>TWO-STAGE TENDERING<sup>42</sup>:</b> Is the variant of tendering proceedings in which, in accordance with the public procurement Law, the procuring entity holds consultations with bidders in the first stage on the basis of preliminary bidding documents with a view to considering various possible technical and contractual solutions to its procurement need; thereafter, in the second stage, a tendering proceeding is held on the basis of revised bidding documents. | <b>مناقصه دومرحله یی<sup>42</sup>:</b> عبارت از روشی است که به منظور تهیه اجناس، تدارک خدمات و امور ساختمانی در مطابقت با قانون تدارکات عامه، اداره تدارکاتی مرحله مقدماتی مشاوره با داوطلبان را مبنی بر شرطنامه مقدماتی به منظور ملاحظه راه حل های ممکن تخنیکي و قراردادی برای ضرورت تدارکات میباشد؛ بعد از آن در مرحله دوم، یک پروسه مناقصه است که مبنی بر شرطنامه های تجدید شده راه اندازی میشود. |
| <b>U</b>   |  |
| <b>UNDERWRITER:</b> One who accepts liability by providing insurance   | <b>تعهد کننده:</b> عبارت از کسیکه مسؤلیت تهیه بیمه را دارد.  |
| <b>UNITIZATION:</b> The process by which optimum unit loads are planned and analysed.<br><i>see also: Unit load</i>  | <b>توحید سازی:</b> عبارت از پروسه ای که توسط مسؤلیت های مبین واحد پلان و بررسی شده میباشد.<br>همچنان: به مسؤلیت واحد مراجعه شود.   |
| <b>UNIT LOAD:</b> The optimum quantity of any item or commodity which may be unitized for storage, handling and transportation on a pallet or container of a given type and size.<br><i>see also: unitization</i>  | <b>مسؤلیت واحد:</b> عبارت از کمیت واضح هر قلم یا اموال میتواند برای ذخیره، با قبضه نمودن و انتقال به یک تخته یا کانتینر یک نوع و اندازه داده شده میباشد.<br>همچنان: به استفاده مراجعه شود.   |
| <b>V</b>   |  |
| <b>VALUE ANALYSIS:</b> Is a systematic examination and analysis of the cost of each component or constituent part of a product (including raw materials used, finish, packaging, etc.) which can be eliminated without   | <b>تحلیل و تجزیه قیمت:</b> عبارت از یک امتحان اصولی یا سیستماتیک و بررسی مصرف هر جزء یا قسمت اصلی یک محصول (به شمول مواد خام استفاده شده، دست کاری شده، بسته بندی، وغیره) که بدون زیان رسیدن به توانایی ایشان در بر آورده ساختن ضرورت یا استفاده از بین  |

<sup>42</sup> PPL Art.3(28) and PPU/C005/1386, Art.3(35)

|  |   |
|--|---|
| impairing its capacity to satisfy the intended need or use.  | رفته میتواند.   |
| <b>VALUED POLICY:</b> An insurance policy which in the event of total loss, pays out the sum insured irrespective of the value of the policy.  | <b>پالیسی بها داده شده:</b> عبارت از پالیسی بیمه که درموقع یک خساره مجموعی، مبلغ بیمه شده را بدون درنظرداشت پالیسی بهاداده شده را می پردازد.  |
| <b>VOYAGE CHARTER:</b> A charter-party involving the lease of a ship (with crew) for carriage of a named cargo between specified ports. A variation of this is a consecutive voyage chartering. It involves the performance of the same or different voyages, one after the other, without interruption within one contract of affreightment.  | <b>اجازه نامه کشتی:</b> عبارت از اجازه نامه کشتی شامل اجاره کشتی (همراه با کشتی بان) برای انتقال یک محموله نامگذاری شده میان بندرهای مشخص میباشد. خلاف این یک اجازه نامه پی در پی کشتی میباشد. این شامل اجرای یکسان یا متفاوت سفرهای دریایی، یکی پی دیگر، بدون مداخله درداخل یک قرارداد کرایه کشتی میباشد.  |
| <b>VARIETY CONTROL:</b> The selection of the optimum number of sizes, other characteristics or types of a product, required to meet prevailing needs.<br><i>see also: mandatory standardization, standard, standardization</i>   | <b>کنترول تنوع:</b> عبارت از انتخاب تعداد واضح کمیت ها، غیراز خصوصیات یا تنوع یک محصول که برای مطابقت با ضروریات لازم است، میباشد.<br>همچنان: به معیاری سازی اجباری، معیار و معیاری سازی مراجعه شود.  |
| <b>VISUAL INSPECTION:</b> A term generally used to indicate inspection performed without the help of measuring and testing instruments or a laboratory.  | <b>تفتیش بصری:</b> عبارت از اصطلاح عمومی جهت بیان این موضوع که تفتیش اجرا شده است، بدون کمک اندازه گیری و آزمایش اسناد یک لابراتوار استفاده میشود.  |
| <b>W</b>   |   |
| <b>WAREHOUSE:</b> A place of storage for merchandise and commodities. In addition to the service of storage, some warehouses particularly in the vicinity of a port area perform the functions of freight forwarding and/or of distribution agents.<br><i>see also: Inventory, Stock</i>   | <b>گدام:</b> عبارت از جای ذخیره برای اجناس و اموال تجارتي میباشد. بر علاوه خدمت ذخیره، بعضی از تحویلخانه ها به خصوص درمجاورت ساحه یک بندروظایف کرایه کشتی برای تحویلی ویا توزیع نماینده ها میباشد.<br>همچنان: به موجودی و ذخیره مراجعه شود.   |
| <b>WARRANTY:</b> Used in different contexts as an undertaking, either expressed or implied, by one part to a contract to another.<br>(a) In the context of marine insurance an implied warranty is that the vessel is seaworthy and fit for voyage. A breach of warranty is sufficient for the insurer to avoid payment on damage to, or loss of, the ship.<br>(b) In the context of supply contracts, it is an assurance by the supplier on the workmanship, quality and serviceability of the item (equipment) for a particular period of use/ time. In case of defect the item may be repaired or completely replaced, free of charge, by the manufacturer.<br>(c) More generally, an express or implied statement of fact amounting to an assurance of something in a contract. If the obligation is not carried out the contract may not be invalidated but damages can generally be claimed. | <b>تضمین:</b> در حالات مختلف به مفهوم به عهده داشتن استفاده میشود، یا آشکارا یا دلالت ضمنی، ذریعه یک بخش قرارداد به دیگران. الف) در مفهوم بیمه بحری یک ورائتی به مفهوم اینکه کشتی قابلیت سفر دریای را دارد و آماده سفر دریائی است. نقض ورائتی کافی است که بیمه کننده از پرداخت پول به خساره یا زیان کشتی اجتناب کند.<br>ب) در مفهوم قرارداد اموال، عبارت از تضمینی است که از جانب اكمال کننده به مهارت، کیفیت و قابل استفاده اقلام و تجهیزات برای یک مدت معین میباشد. در حالت نقصان اقلام دوباره ترمیم یا کاملاً، بدون هزینه، توسط تولید کننده تعویض میگردد.<br>ت) بطور عمومی، یک بیان یا بیانه دلالت ضمنی حقیقت به ضمانت چیزی در یک قرارداد درج میگردد. اگر یک قرارداد تضمین در بر نمیداشته باشد قرارداد باطل نه بلکه ضایعات بطور کلی مطالبه میگردد. |
| <b>WAYBILL:</b> A carrier's document listing goods being carried, showing the point of origin, destination, consignor, consignee and transportation charges.<br><i>see also: Airway bill, bill of lading, clean bill of lading</i>   | <b>بارنامه:</b> عبارت از سند تهیه کننده حاوی معلومات درمورد اجناسیکه انتقال داده میشود، با نشان دادن نقطه اصلی، منزل مقصود، فرستنده، گیرنده بار و مصارف ترانسپورتي میباشد.<br>همچنان: به بارنامه هوایی، بارنامه کشتی، سند تصفیه حساب بارکشتی مراجعه شود.  |
| <b>WEIGHT:</b> <i>see Gross weight, Net weight, Tare weight</i>  | <b>وزن:</b> به وزن اصلی، وزن خالص، ووزن خاص مراجعه شود.   |
| <b>WITHOUT ENGAGEMENT:</b> A phrase incorporated by a bidder in his quotation indicative of no commitment to accept a contract at the price quoted; a safeguard  | <b>بدون شمولیت:</b> یک عبارت داخل شده توسط یک داوطلب در سند نرخ خود بدون بیان تعهد به قبولی یک قرارداد به قیمت نرخ گیری شده؛ یک محافظت درمقابل قییم بالاشده میان زمان داده شده در   |

|  |  |
|--|--|
| <p>against prices rising between the time of giving the bid/ offer and the contract being placed.</p>  | <p>آفر در قراردادی که صورت میگیرد.</p>   |
| <p><b>Works<sup>43</sup></b>: All work associated with the construction, reconstruction, demolition, repair or renovation of a building, structure or works, such as site preparation, excavation, erection, building, installation of equipment or materials, decoration and finishing, as well as services incidental to construction such as drilling, mapping, satellite photography, seismic investigations and similar services provided pursuant to the procurement contract, if the value of those services does not exceed that of the construction itself.</p> | <p><b>امور ساختمانی<sup>43</sup></b>: تمام امور ساختمانی مشترک با ساختن، بازسازی، تخریب، ترمیم یا نوسازی یک ساختمان، ساختار یا امور ساختمانی، مانند آماده سازی سایت، حفر کاری، نصب، بلدنگ، نصب تجهیزات یا مواد، تزئینات و تکمیل، همچنان خدمات ضمنی ساختمان مانند برمه کاری، نقشه برداری، عکاسی از طریق قمر مصنوعی، تحقیقات در مورد زمین لرزه و خدمات مشابه که در مطابقت به قرارداد تدارکاتی بوده، مشروط بر آنکه ارزش آن خدمات متجاوز از قیمت اصلی خود ساختمان نباشد.</p> |
| <p>X</p>   |  |
| <p>Y</p>   |  |
|  |  |

<sup>43</sup> PPL, Art.3(29) and PPU/C005/1386, Art.3(36)